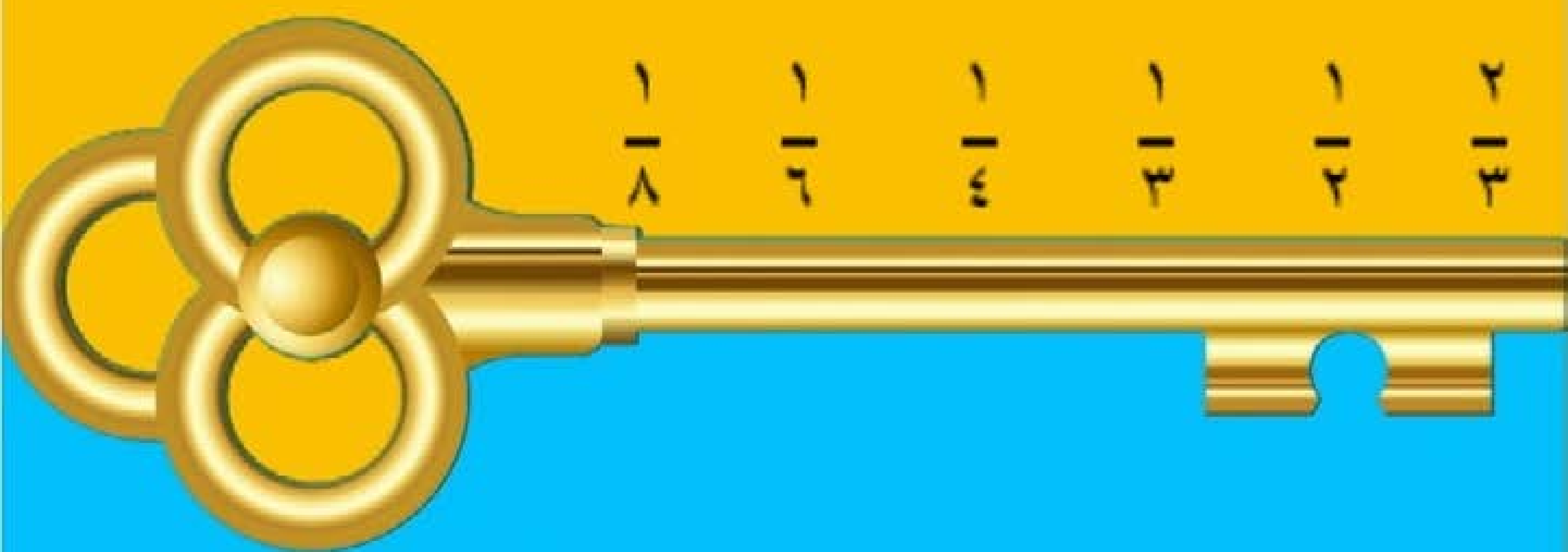
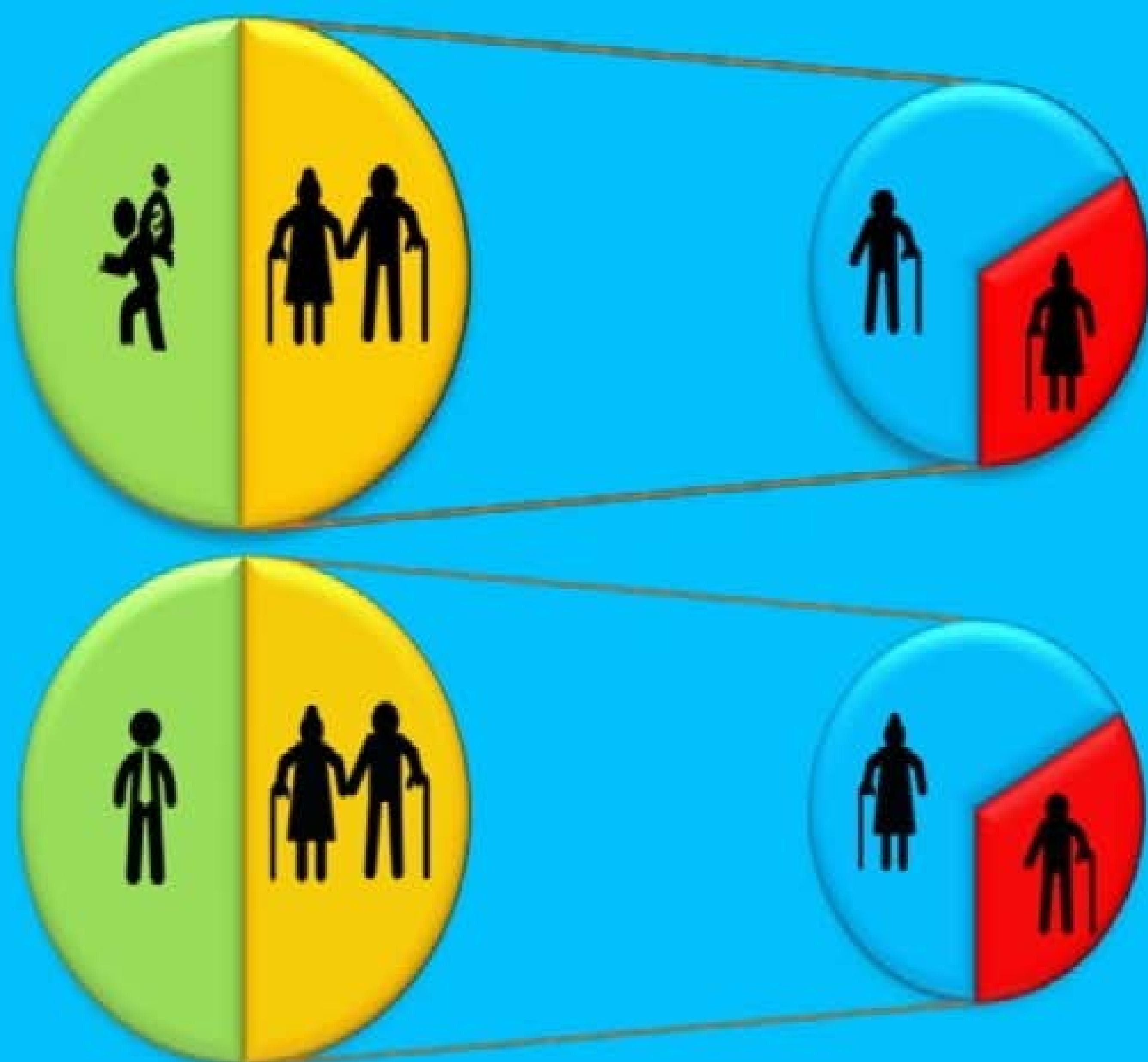
تقسیم ارث

شاهکاری در قرآن اشتباهی در فقه





شاهد

فهرست مطالب

مقدمه

مسئله تقسیم ارث، همچون بسیاری از احکام و قوانین شرعی نظیر: حج، صلاة، طلاق، نکاح، دیه، حجاب و غیره به دلیل انحراف از اسلام و تحت تاثیر پیروی از باورهای آباء و اجدادی که معمولاً در قالب احادیث و روایات جلوه می کند، در گذر ایام معنا و مفهومش بکلی دگرگون شده و این حساب ساده دو دوتا چهارتا در اثر ندانم کاری به اصطلاح علمای دین و تعبد آنها از آراء گذشتگان، به معضل بزرگی تبدیل شده و در طول تاریخ، ضرر و زیان فراوانی را به حقوق انسانها وارد کرده است.

خوشبختانه موضوع تقسیم ارث یک مسئله ریاضی است و در زبان ریاضی نمی توان با صغری کبری چیدن های بی پایه و اساس و با اعتصام به آراء گذشتگان، سخن ناحق و ناراستی را حق جلوه داد. در مسائل مربوط به تقسیمات ترکه(ارث) از هم گسیختگی و سستی مبانی فقهی شیعی و سنی، که حقیقتاً بر هیچ و پوچ بنانهاده شده اند، خیلی واضح و روشن نمایان می شود. اشتباهات و خطاهای فراوانی که علما و فقهای این دو فرقه ، از دیر باز تا کنون، بر سر مسئله تقسیم ارث مرتکب شده اند، و نیز اختلافات عدیده ای که در این باره

فهرست

با یکدیگر دارند، عده ای را بر آن داشته که به تمسخر بگویند: خدا ریاضی نمی داند! آنها می گویند: این چه قادر متعالی است که قادر نبوده مالی را بین چند نفر تقسیم کند که کم و زیاد نیاید؟! تکلیف مالی که زیاد می آید مشخص است چون به جیب حاکم شرع می رود، سئوال اینجاست وقتی در تقسیم ارث با کمبود مال مواجه می شویم چه باید کرد؟ مثلاً زنی که تنها وارث شوهرش می باشد، به اندازه ۱/٤ از اموال شوهر سهم می برد، در نتیجه ۳/٤ ترکه اضافه می آید که به عنوان ترکه بدون صاحب تلقی شده و به حاکم شرع تعلق می گیرد. حالا اگر مردی فوت کند که پدر و مادر بعلاوه سه دختر و زنش در قید حیات باشند، از آنجا که در این حالت والدین ۱/۳ سهم می برند و دخترها نیز ۲/۳ ترکه را دریافت می کنند، چیزی برای همسر متوفی، که ۱/۸ سهم می برد باقی نمی ماند، حالا چه کسی باید این کمبود را جبران کند؟! حاکم شرع؟ یا مسجد سر محل؟!

خلاصه اینکه در قوانین فقهی شیعی و سنی، اختلاف و اشتباه زیاد به چشم می خورد اشتباهاتی که همگی ناشی از بی اعتنایی به کتاب خدا و اعتصام به کلام من دون او می باشند. در صورتی که اگر علمای فریقین تمام

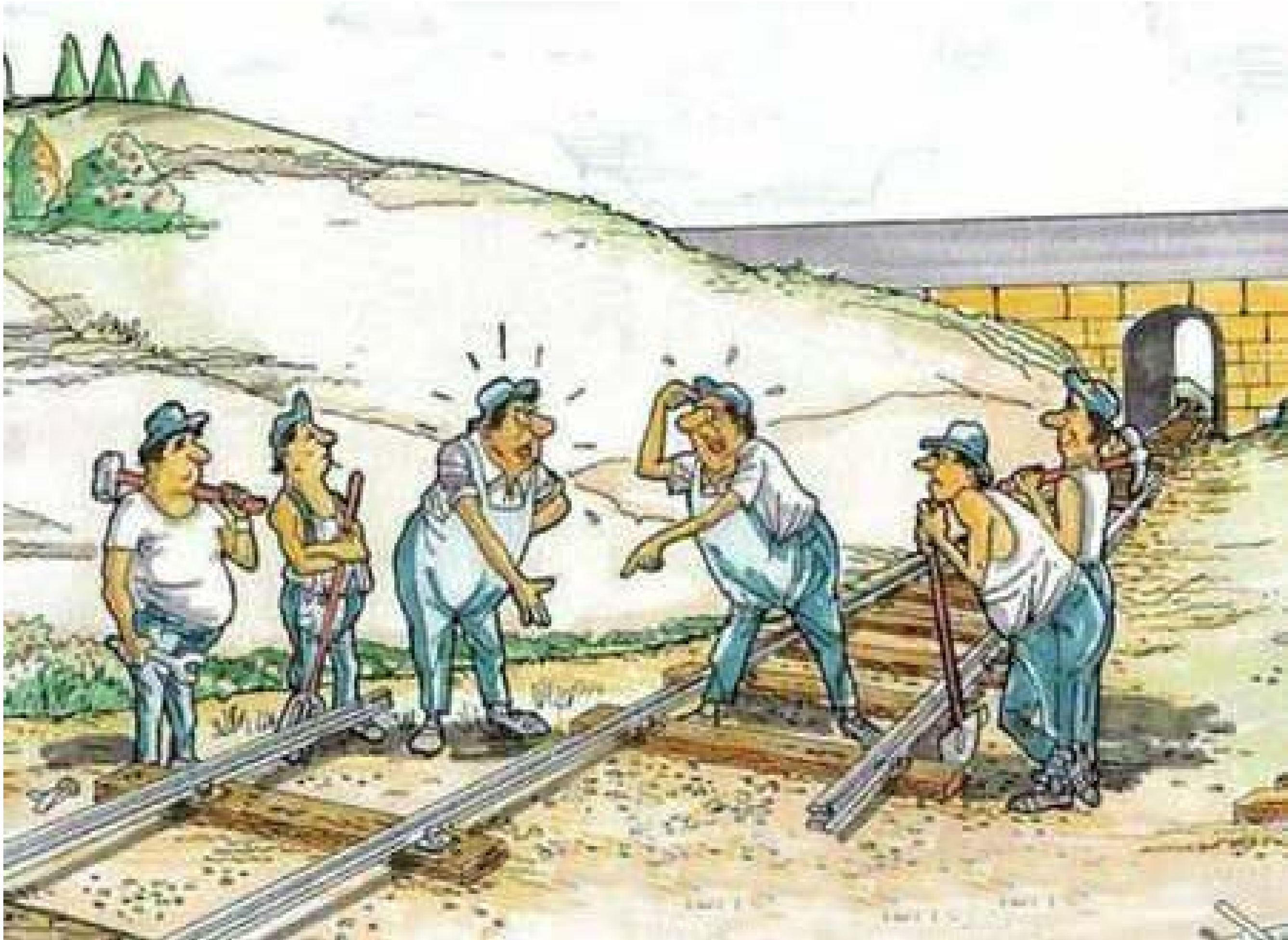
فهرست

توجه و تلاش خود را به کتاب خدا معطوف می داشتند، حل این مسائل برای شان بسیار آسان می نمود و اختلافاتشان از بین می رفت. مسئله ارث به مثابه مشتی از خروار است که به زبان واضح و روشن ریاضی نشان می دهد علما و فقها و نیز مردمی که از آنها تقلید می کنند، چقدر از قوانین و مقررات اسلام انحراف پیدا کرده و به بیراهه زده‌اند.

در اینجا می خواهم توجهتان را به یک تفاوت بارز و آشکار در رویه تقسیم ارث قرآن نسبت به آنچه در فقه شیعی و سنی به چشم می خورد جلب کنم: در رویه قرآن، این قوانین و قواعد از پیش تعریف شده هستند که مسیر حرکت را به ما نشان می دهند، اما در رویه تقسیم ارث شیعی و سنی ، این مسیر حرکت است که قوانین و قواعد را خلق می کند. به اینصورت که مسیری را در پی می گیرند، در هر جای آن به مانع و مشکلی بر می خورند فوراً قانون و قاعده ای وضع می کنند و تغییر مسیر می دهند. خلاصه مرتب تغییر مسیر می دهند و قانون و قاعده وضع می کنند تا به نقطه ای می رسند که دیگر نمی توانند مسیر خود را تغییر دهند و حتی قادر نیستند قدم از قدم بردارند، اینجاست که هاج و واج در می مانند و کیش و مات می شوند.

فهرست

جالب اینجاست که هر فرقه ای گمان می کند مسیری که خودش در پیش گرفته درست است و مسیرهای دیگر اشتباه می باشند!



بی تردید این نوشتار وحی منزل نیست و صرفاً نظر شخصی و استنباط بنده از آیات قرآن است که ضمن نشان دادن اشتباهات و خطاهای بارز و بدیهی در قوانین ارث شیعه و سنی، راهی را نشان می دهد که گمان می رود مبتنی بر آیات قرآن بوده و انحرافات موجود در رویه های تقسیم ارث فریقین را ندارد. راهی که به نظر می رسد قبلاً وجود داشته ولی در طی قرون متمادی، گرد و غبار حاصل از سنت گذشتگان آن را پوشانده و از نظرها پنهانش کرده است.

ماهیت سهام ششگانه

اولاد، والدین، زوجین و کلاله(برادر خواهر میت) اصناف چهارگانه ای هستند که خداوند در قرآن سهم الارث آنها را بطور کامل و دقیق تعیین فرموده اند. سهام ارث در قرآن، که به فروض سته یا سهام ششگانه معروف اند، عبارتند از:

۲/۳، ۱/۲، ۱/۳، ۱/٤، ۱/٦، ۱/۸

چیزی که در اینجا از اهمیت فوق العاده بالایی برخوردار است ، شناخت ماهیت این مجموعه عددی می باشد. متاسفانه در قانون ارث این اعداد ماهیتاً کسر شناخته شده اند و همین شناخت اشتباه، مزید بر علت شده تا فقهای شیعه و سنی نتوانند درک درستی از مسئله تقسیم ارث داشته باشند و در حل آن با مشکلات فراوانی روبرو شوند. حالا برای اینکه با ماهیت اعداد فوق آشنا شویم، اجازه دهید تعدادی مسئله حل کنیم:

روی یک درخت ۱۳ عدد پرنده نشسته اند، ۱/۸ از پرنده ها کلاغ، ۱/٦ کبوتر و ۱/٤ نیز گنجشک هستند، می خواهیم بدانیم از هر پرنده چند عدد روی درخت نشسته است.

همانگونه که می دانید، عدد ۱۳ نه بر ۸ بخش پذیر است و نه بر ٦ و ٤، چنانچه عدد

فهرست

مذکور را بر ۸ تقسیم کنیم نتیجه یک ممیز شش دهم می شود. این یعنی حدوداً یک کلاغ و نصفی روی درخت نشسته! آیا چنین چیزی ممکن است؟! شاید پیش خودتان تصور کنید این مسئله قابل حل نیست و راه حل ریاضی ندارد. اما دارد و خواهید دید خیلی هم ساده و ابتدایی است.

بطوری که ملاحظه کردید، اگر فرض را بر این بگیریم که ۱/٤ و ۱/٦ و ۱/۸ کسر هستند، آنگاه قادر به حل مسئله فوق نخواهیم بود. حالا بیایید فرض کنیم این اعداد نسبتهای کسری هستند، در اینصورت اگر ۱/٤ را تقسیم بر ۱/٦ کنیم، نسبت گنجشکها به به کبوترها بدست خواهد آمد:

۱/٤ ÷ ۱/٦ = ٦/٤ = ۳/۲

نسبت ۳/۲ بصورت ۳:۲ نوشته شده و سه به دو خوانده می شود و این یعنی به ازای هر سه گنجشک، دو کبوتر روی درخت نشسته است. به همین ترتیب نسبت گنجشکها به کلاغها را نیز بدست می آوریم:

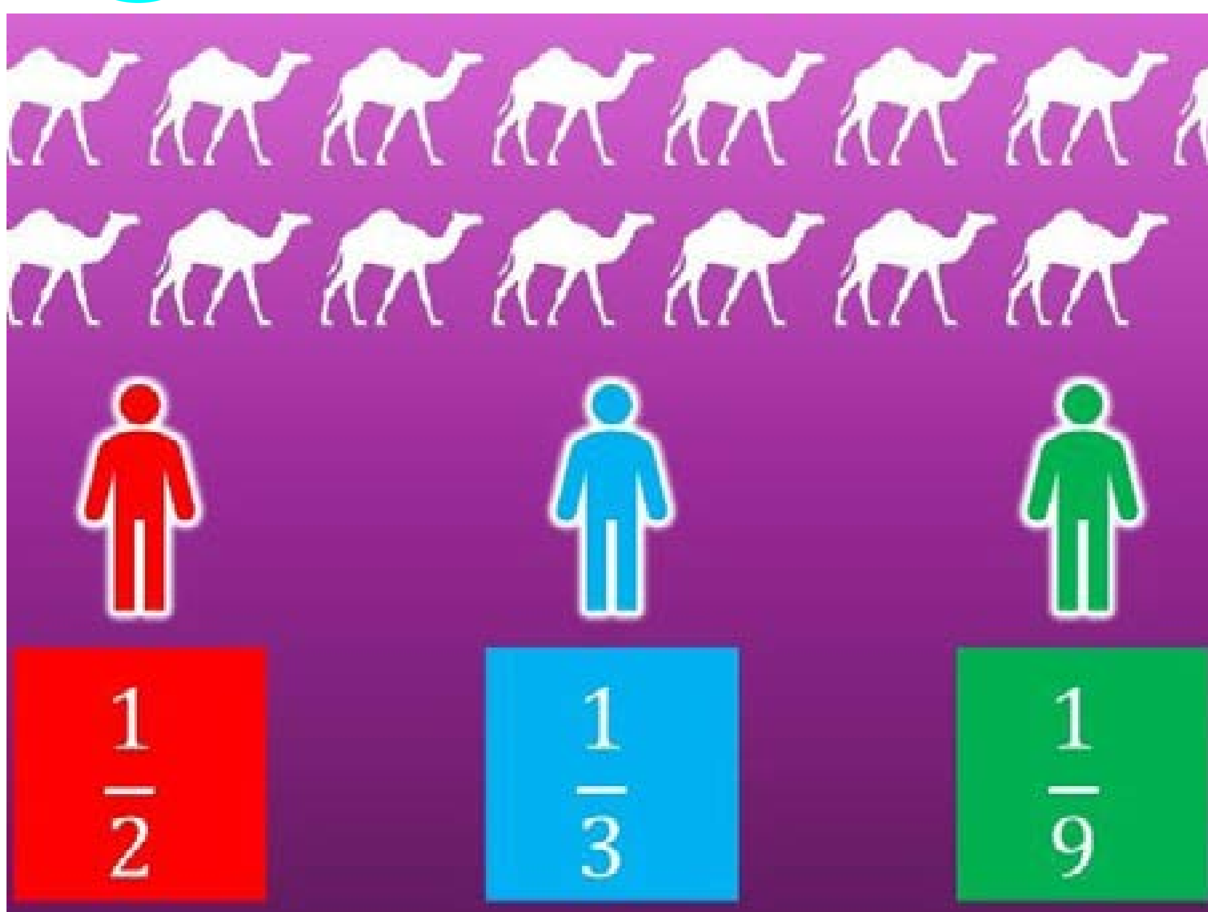
۱/٤ ÷ ۱/۸ = ۸/٤ = ٤/۲

نسبت ٤/۲ نیز بصورت ٤:۲ نوشته شده و چهار به دو خوانده می شود و این یعنی به ازای هر چهار گنجشک دو کلاغ روی درخت نشسته

حالا می خواهیم نسبت گنجشکها به کبوترها به کلاغها را بدست آوریم: اگر ما نسبت گنجشکها به کبوترها یعنی ۳:۲ را چهار برابر کنیم می شود ۱۲:۸ و چنانچه نسبت گنجشکها به کلاغها یعنی ٤:۲ را سه برابر کنیم می شود ۱۲:٦، در نتیجه نسبت گنجشکها به کبوترها به کلاغها می شود: ۱۲:۸:٦ یا ٦:٤:۳. بدین ترتیب مسئله حل شده و مشخص می شود شش تا از سیزده پرنده ای که روی درخت نشسته اند گنجشک، چهارتا کبوتر و سه تا کلاغ هستند. لذا در این مسئله، اعداد ۱/٤ و ۱/٦ و ۱/۸ ماهیتاً نسبت هستند نه کسر و چنانچه آنها را کسر حمل کنیم، قادر به حل مسئله نخواهیم بود.

مسئله۲:

این مسئله، با وجود تمام سادگی و ابتدایی بودنش، در دنیا به طرز عجیبی معروف است. با یک جستجوی ساده در اینترنت به دهها میلیون صفحه برخواهید خورد که آن را به زبان های مختلف نقل کرده اند. داستان از این قرار است که مردی برای سه پسر خود هفده شتر به ارث می‌گذارد و وصیت می کند پسر بزرگ یک دوم، پسر واسط یک سوم، و پسر کوچک یک نهم از شترها را ببرد. به گونه ای که همگی شترهای خود را زنده و سالم دریافت نمایند.



مسلماً عدد ۱۷ بر ۲ و ۳ و ۹ بخش پذیر نیست و نتیجه ای که بدست می آید یک عدد صحیح نخواهد بود و این یعنی پسر ها نمی توانند مطابق وصیت پدر، شترهای خود را سالم و زنده دریافت کنند. آنها هر چه فکر کردند به نتیجه نرسیدند و در حل مسئله کاملاً درمانده شدند. تا اینکه مردی به کمک شان آمد و شتر خود را به آنها قرض داد و بدین ترتیب شترها به عدد هجده رسیدند. حالا دیگر پسرها می‌توانستند شترهای خود را زنده و سالم دریافت کنند بنابراین، نصف ۱۸ شتر که می شود نه شتر به پسر بزرگ و ثلث آن که می‌شود شش شتر به پسر وسط و یک نهم آن که می شود دو شتر به پسر کوچک می رسید. جالب اینکه مجموع شترهایی که پسرها دریافت میکنند همان هفده شتری میشود که پدر برای آنها به ارث گذاشته بود. آخر سر، مردی که به کمک پسرها آمد

شتری را که قرض داده بود پس می گیرد و می رود.

همانگونه که می دانید، مخرج مشترک ۱/۲ و ۱/٦ و ۱/۹ می شود ۱۸، یعنی اگر یک شتر به ۱۷ شتر اضافه شود این مخرج مشترک حاصل خواهد شد و مسئله حل می شود و این دقیقاً همان کاری است که مرد خیالی قصه ما با قرض دادن شترش انجام داده است. اگر بدانید، تعداد نا محدودی وضعیت وجود دارد که می توان به همین شیوه مسئله را حل کرد. مثلاً اگر در اینجا بجای ۱۷ شتر ۱۹ شتر داشتیم و سهم پسرها از بزرگ به کوچک، ۱/۲ و ۱/٤ و ۱/۵ تعیین شده بود، از آنجا که عدد ۱۹ بر ۲ و ٤ و ۵ بخش پذیر نیست، باز هم نمی شد مسئله را حل کرد، ولی چنانچه با اضافه کردن یک شتر، تعداد شترها را به ۲۰ نفر برسانیم، مسئله حل می شود. بدین ترتیب سهم پسر بزرگ می شود ۱۰ شتر، سهم پسر وسط که یک چهارم می برد می شود ۵ شتر و پسر کوچک نیز ٤ شتر دریافت می کند. با توجه به اینکه هر سه پسر مجموعاً ۱۹ شتر دریافت می کنند، یک شتر نیز اضافه می آید.

حالا فرض کنید شترها ۱۳ نفر باشند و در وصیت نامه سهم پسر بزرگ ۱/۲، پسر وسط ۱/۳ و سهم پسر کوچک ۱/٤ تعیین شده باشد.

همانگونه که می دانید، عدد ۱۳ نه بر ۲ بخش پذیر است و نه بر ۳ و ٤، با توجه به اینکه مضرب مشترک ۲ و ۳ و ٤ می شود ۱۲، در نتیجه اگر یک شتر از پسرها قرض بگیریم و تعداد شترها را به ۱۲ نفر برسانیم مسئله حل است. بدین ترتیب پسر بزرگ ۶ شتر، پسر وسط ۴ تا و پسر کوچک نیز ۳ شتر دریافت می کند که مجموعاً ۱۳ شتر می شود، به شرط آنکه شتر قرض گرفته شده را برگردانیم. همانگونه که گفته شد، وضعیتهای بی شماری وجود دارند که می توان به این شیوه مسئله را حل کرد، با این حال، وضعیتهای بیشمار دیگری نیز وجود دارند که در آنها این شیوه جواب نمی دهد. بعنوان مثال: اگر در مسئله ۲ بجای ۱۷ شتر هجده شتر داشتیم، دیگر نمی توانستیم با قرض دادن یا قرض گرفتن یک شتر مسئله را حل کنیم و آخر سر، وقتی پسرها سهم خود را دریافت کردند، واقعاً یک شتر اضافه روی دستمان باقی می ماند! می خواهم بگویم این شیوه تقسیم ارثیه، اگرچه گاهی تصادفاً درست جواب می دهد، اما روش درستی برای حل مسائل نمی باشد. در این روش غالباً یا یک سهمی کم می آید، یا اضافه و قاعده و قانون خاصی بر آن حاکم نیست. شیوه صحیح و اصولی این است که سهام ارث را بصورت نسبتهای کسری ببینیم

در اینصورت هیچگاه نه سهمی اضافه می آید، نه کم و به کسی هم نیاز نداریم که شترش را به ما قرض دهد یا شترمان را قرض گیرد.

حالا بیایید مسئله ۱۷ شتر را با نگاه نسبتهای کسری حل کنیم: ابتدا باید ببینیم پسرها نسبت به یکدیگر به چه صورت سهم می برند. در مسئله ۱، نسبت پرنده ها را دو به دو بدست آوردیم تا به نسبت کل رسیدیم و مشخص کردیم هر پرنده چه تعداد از کل پرنده ها را به خود اختصاص داده است. در اینجا می خواهیم از روشی ساده تر به حل مسئله بپردازیم.

گفته شد پسرها، از بزرگ به کوچک، به نسبت ۱/۲ و ۱/۳ و ۱/۹ سهم می برند، کاری که در اینجا باید انجام دهیم این است که مخرجها را یکی کنیم، با توجه به اینکه کوچکترین مضرب مشترک ۲ و ۳ و ۹ می شود ۱۸ در نتیجه داریم:

$$\frac{۱}{۲} \times \frac{۹}{۹} = \frac{۹}{۱۸}$$

$$\frac{۱}{۳} \times \frac{۶}{۶} = \frac{۶}{۱۸}$$

$$\frac{۱}{۹} \times \frac{۲}{۲} = \frac{۲}{۱۸}$$

این یعنی پسر بزرگ از ۱۸ سهم ۹ سهم و پسر وسطی ۶ سهم و پسر کوچک ۲ سهم دریافت می کند. یعنی نسبت سهم پسرها، ۹ به ۶ به ۲ یا ۹:۶:۲ می باشد. با توجه به اینکه مجموع ۹ و ۶ و ۲ می شود ۱۷، در نتیجه پسر بزرگ ۹ عدد، پسر وسط ۶ عدد، و پسر کوچک ۲ عدد از شترها را دریافت می کنند.به همین راحتی! به کمک این شیوه ساده و ابتدایی، و نیز دستور العملهای قرآن، می توان تمام مسائل مربوط به تقسیم ارث را با یک حساب ساده و سر انگشتی حل کرد، بدون اینکه سهمی اضافه یا کم بیاید. یاد آور می شوم سهام ارث در قرآن، که به فروض سته یا سهام ششگانه معروف اند، عبارتند از:

۲/۳، ۱/۲، ۱/۳، ۱/٤، ۱/٦، ۱/۸

ویژگی بارز این مجموعه عددی، نظم خاصی است که در آن به چشم میخورد. بعنوان مثال: اعداد ۱/۳و ۱/٤ که در وسط قرار گرفته اند مولد بقیه اعداد می باشند، اگر این دو عدد را بر ۲ تقسیم کنیم اعداد ۱/٦ و ۱/۸ حاصل می‌شوند و چنانچه در ۲ ضرب کنیم، اعداد ۲/۳ و ۱/۲ بدست خواهند آمد. قویاً باور دارم نظمی که بر این اعداد حاکم است، تصادفی نبوده و تدبیری عمیق در پس آن نهفته که می تواند ما را در حل صحیح مسائل ارث یاری دهد. من

در حد بضاعت خودم، از اعداد ششگانه فوق این را متوجه می شوم که ماهیتاً یک سری نسبتهای کسری هستند و حکم یک کلید را دارند، که زین پس از آن بعنوان کلید ارث یاد می کنیم کلیدی که بر اساس دستور العملهای قرآن به ما خواهد گفت کدام مسئله درست حل شده و کدام نا درست.

با توجه به اینکه دهها حالت ارث بری داریم که چیدمانهای مختلفی از ورثه در کنار یکدیگر قرار می گیرند، چنانچه اعداد ارث را بصورت کسر ببینیم، آنگاه در اکثریت قریب به اتفاق موارد محال است به جواب درست برسیم و همیشه با مشکل کمبود یا مازاد سهام مواجه خواهیم شد که برای رفع آن مجبوریم مرتب قانون و قاعده و تبصره وضع کنیم.

قضیه ما ترک و مما ترک

یکی از نکات کاملا برجسته و مهمی که در آیات ارث به چشم می خورد این است که وقتی خداوند می خواهد سهمی را تخصیص دهد گاهی عدد را به کل ارثیه یا ما ترک متوفی اضافه میکند، مانند: ثلثا ما ترک، یا نصف ما ترک و گاهی اضافه را به اصطلاح قطع می کند و به جای کلمه ما ترک از مما ترک(من ما ترک) استفاده می کند. مانند: ثلثا مما ترک، یا سدس مما ترک، یا ربع مما ترک، دلیل این کار چیست؟

طباطبایی در المیزان، در توجیه این نکته می گوید: زمانی اضافه قطع شده و بجای ما ترک از مما ترک استفاده می شود که سهم نسبت به مجموعه ارثیه اندک باشد و در آن مستهلک بشمار آید، مانند: ۱/۳، ۱/٤ و ۱/٦ که با مما ترک می آیند. در صورتی که برای ۱/۲ و ۲/۳ از ما ترک استفاده شده و عدد سهم به کل مال اضافه می شود.(ترجمه المیزان ج۴ ص۳۳۵) اما قرآن این نظریه را رد می‌کند چون در آیه ۱۷۶ نساء، آنجا که می خواهد سهم دو خواهر را تعیین کند می فرماید: فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ بطوری که می بینید ثلثان یا ۲/۳ نسبت به مجموعه مال اندک نیست ولی با مما ترک آماده و عدد سهم به کل مال اضافه نشده است.

فهرست

در زبان محاوره ای یا نوشتاری ، احتمالاً جملاتی نظیر : داخل پرانتز عرض می کنم: .... را زیاد شنیده باشید. مثلاً در یکی از سایتهاهای اینترنتی نوشته شده: «یک جمله ای را داخل پرانتز عرض می کنم؛ هر کدام از این جریانهای اهل سنت، فقه مخصوص خودشان را دارند؛ ...» در اینجا اگر داخل پرانتز را حذف کنیم اثری در مفهوم جمله نخواهد داشت. اما در جملاتی که مسائل مربوط به ریاضی را بیان می کنند، نمی توان چیزی را حذف کرد، یا جای کلمه ای را با کلمه دیگر عوض کرد چون در مفهوم جمله تاثیر خواهد گذاشت. مثلاً اگر در جمله: سه در پرانتز چهار بعلاوه پنج، کلمه پرانتز را حذف کنیم در جواب تاثیر خواهد گذاشت، چون جواب سه در پرانتز چهار بعلاوه پنج می شود بیست و هفت، در حالی که جواب سه در چهار بعلاوه پنج می شود هفده.

حقیقت این است که آیات ارث در اصل بیانگر مسائلی ریاضی هستند که در آنها، کلمات و حروف و یا حتی حرکات، وقتی به زبان ریاضی برگردان می شوند، معنای خاصی پیدا می کنند که قطعاً در جواب نهایی تاثیر گذار خواهند بود. بدیهی است مما ترک از نظر مفهومی با ما ماترک فرق می کند: مثلاً عبارت: وَمِمَّا رَزَقْنَاهُمْ يُنْفِقُونَ یعنی مومنین بخشی از آنچه را خداوند روزیشان کرده انفاق می کنند، اگر در اینجا بجای مما حرف ما می نشست و عبارت به

فهرست

اینصورت بود: و مارزقناهم‌ینفقون، معنایش این می شد که مومنین همه آنچه را خدا روزیشان کرده انفاق می کنند و این خیلی با آن یکی فرق دارد. موضوع ما ترک و مما ترک آنقدر مهم است که عدم توجه به آن باعث میشود در حل مسائل ارث به اشتباه بیفتیم. متاسفانه در فقه شیعی و سنی به این موضوع توجه نشده و این یکی از دلایل مهمی است که باعث شده در حل مسائل ارث به اشتباه بیفتند.

مما ترک یعنی بخشی از ارثیه در صورتی که ماترک یعنی کل ارثیه. خداوند در آیه ۷ سوره نساء، قبل از ورود به مسئله تقسیم ارث، معنای مما ترک را خیلی صریح و روشن توضیح داده و می فرمایند:

لِلرِّجَالِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ وَلِلنِّسَاءِ نَصِيبٌ مِمَّا تَرَكَ الْوَالِدَانِ وَالْأَقْرَبُونَ مِمَّا قَلَّ مِنْهُ أَوْ كَثُرَ نَصِيبًا مَفْرُوضًا

مردان را از آنچه والدین و نزدیکان ترک می گویند نصیبی است و زنان را نیز از آنچه والدین و نزدیکان ترک می گویند نصیبی است. نصیبی از آنچه که نسبت به کل آن مال کم است یا زیاد، نصیبی مفروض.

در آیه فوق سه بار از کلمه مما استفاده شده که به رنگ قرمز نمایش داده شده اند، مترجمین غالباً به تبع یکدیگر، دو تای اول را از آنچه معنا کرده ولی سومی را خواه ترجمه کرده اند در حالی‌که سومی نیز معنی از آنچه می دهد و هیچ سنخیتی با کلمه

فهرست

خواه ندارد. معنای صحیح عبارت: مِمَّا قَلَّ مِنْهُ می شود از آنچه یا از آن بخشی که نسبت به ما ترک(کل ارثیه) کم است. در این آیه خداوند ما ترک را به دو قسمت تقسیم کرده: بخشی مال مردان و بخشی مال زنان. معمولاً مردان از آن بخشی(مما) سهم می برند که نسبت به سهم زنان بیشتر است. این چیزی است که خداوند مفروض داشته و او هرگز حقی را ضایع نمی کند و به اشتباه نمی رود. شاید نمودار ۱ بتواند تفاوت ما ترک و مما ترک را نشان دهد.



در این نمودار، ماترک کل دایره را شامل می شود که در آن، مردان از ناحیه آبی رنگ سهم می برند و بخش کثیر ماترک به حساب می آید ، زنان نیز از بخش قرمز رنگ ارث می برند که بخش قلیل ماترک محسوب می شود.

بعنوان یک قاعده قرآنی خاطر نشان می کنم، هرجا سهمی به ما ترک اضافه شود، مانند ۱/۲ ما ترک کل ترکه به دو بخش مساوی تقسیم خواهد شد

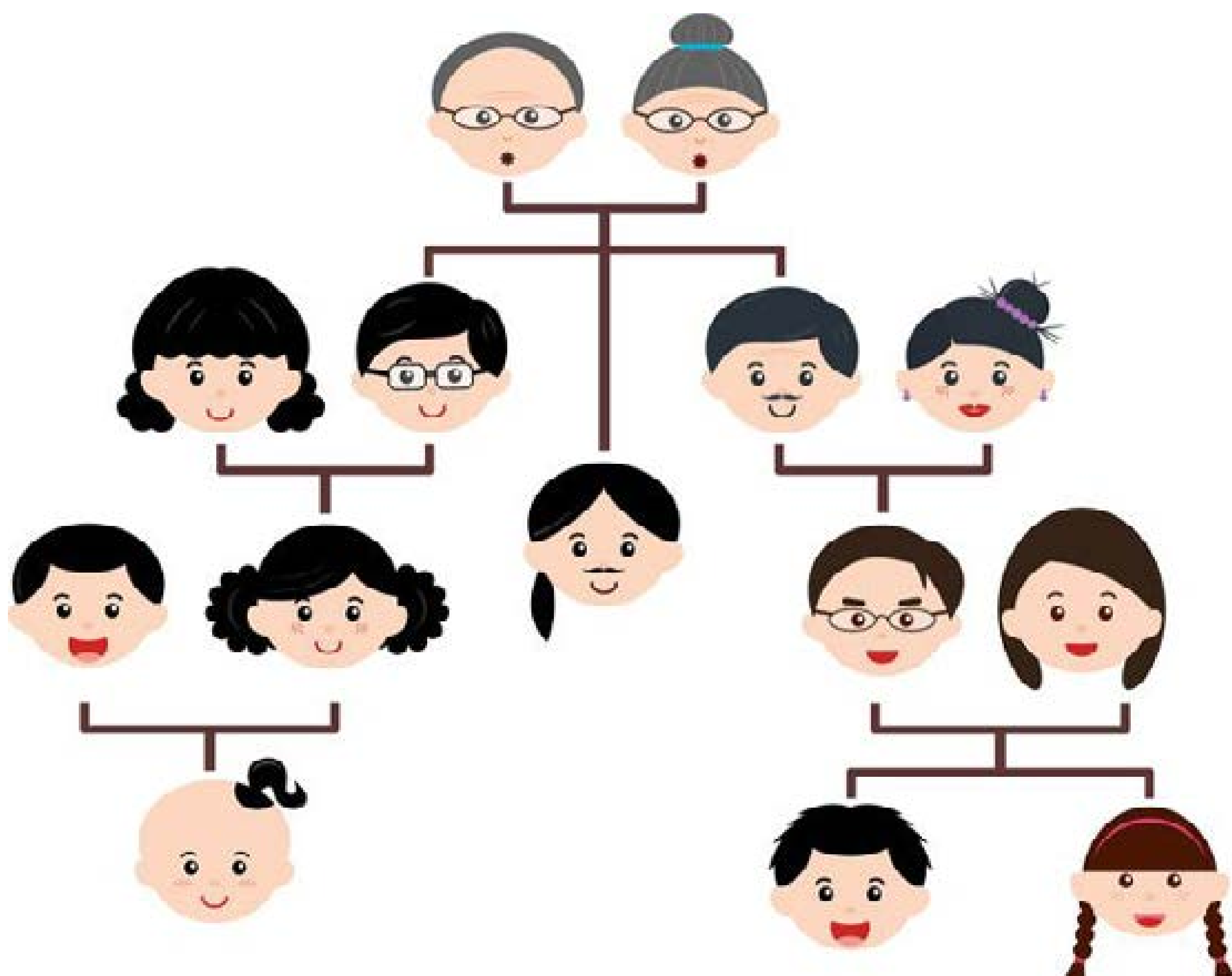
بخشی از آن متعلق به فرد یا افرادی می باشد که سهمشان پسوند ما ترک دارد، و بخشی دیگر متعلق به سایر ورثه است.



این دو بخش کاملاً از یکدیگر مجزا می باشند. کسانی که از ما ترک سهم می برند، چه یک نفر باشند چه ده نفر، فقط از بخش مربوط به خود سهم می برند و هیچ حق و حقوقی نسبت به بخش سایر ورثه، چه یک نفر باشند و چه ده نفر، ندارند. علت این است که اعداد ارث نسبتهای کسری هستند و کسانی که از ما ترک سهم می برند با کسانی که از مما ترک می برند، سهمشان متناسب نیست. در فقه شیعی و سنی، بر اساس قاعده مشابهی که خودشان تعریف کرده اند، زوج یا زوجه همیشه از ما ترک سهم می برند، منتهی در فقه سنی، هر جا با کمبود سهام مواجه می شوند، قاعده را زیر پا گذاشته و ترکه را به نسبت سهام ورثه بینشان تقسیم می کنند.

حالتهای کلی ارث بری

اولاد، والدین، زوجین و کلاله اصنافی هستند که خداوند به طور مستقیم سهامشان را از ارثیه مشخص کرده است. در این میان کلاله، که برادر و خواهر متوفی محسوب می شوند، با حضور فرزندان سهمی از ارثیه نصیبشان نمی‌شود و فقط در صورتی ارث می برند که متوفی فرزندی نداشته باشد. بنابراین ما سه حالت کلی ارث بری داریم که عبارتند از: در حضور اولاد ، در حضور کلاله و بدون حضور اولاد و کلاله. از اینجا به بعد می خواهیم شیوه های تقسیم ارث در این سه حالت را، مطابق با فقه شیعی، سنی و آیات قرآن، مورد بررسی قرار دهیم و با یکدیگر مقایسه کنیم.



فهرست

تقسیم ارث بدون حضور اولاد و کلاله

ابتدا به سراغ آیات ۱۱ و ۱۲ سوره نساء می رویم تا ببینیم در این حالت والدین و زوجین به چه میزان سهم می برند و دستور العمل قرآن برای تخصیص این سهم چگونه است.

.... وَلِأَبَوَيْهِ لِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ مِمَّا تَرَكَ إِنْ كَانَ لَهُ وَلَدٌ فَإِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُ وَلَدٌ وَوَرِثَهُ أَبَوَاهُ فَلِأُمِّهِ الثُّلُثُ فَإِنْ كَانَ لَهُ إِخْوَةٌ فَلِأُمِّهِ السُّدُسُ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِي بِهَا أَوْ دَيْنٍ آبَاؤُكُمْ وَأَبْنَاؤُكُمْ لَا تَدْرُونَ أَيُّهُمْ أَقْرَبُ لَكُمْ نَفْعًا فَرِيضَةً مِنَ اللَّهِ إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا [۱۱:۴]

.... و اگر متوفی فرزندی داشته باشد، هر یک از والدینش به نسبت یک ششم از مما ترک سهم می برند و چنانچه او را فرزندی نباشد، در حالتی که پدر مادرش تنها ورثه او هستند، مادر به نسبت یک سوم سهم می برد و چنانچه برادر خواهر نیز داشته باشد، در این حالت سهم مادر یک ششم خواهد بود. این منوط به بعد از وصیت متوفی یا ادای دینی است که او بر گردن دارد. پدرانتان یا فرزندانتان شما نمی دانید کدامیک برایتان سودمندتر هستند، این را خدا مقرر داشته و خداوند قطعاً دانا و حکیم است.

قبل از هرچیزی باید دانست که در قرآن حق وصیت زن و مرد نسبت به تمام دارایی و اموالشان محفوظ است و اگر در قانون ارث(منظور قانون ارث شیعی و سنی) این حق از تمام دارایی به یک سوم تقلیل داده شده ربطی به قرآن ندارد چون در

قرآن عددی برای این حق مشخص نگردیده است. اگر خداوند حق وصیت را برای شخص محفوظ داشته بخاطر این است که در شرایطی خاص، ممکن است صلاح در این باشد که شخص خودش نسبت به تمام یا قسمتی از مالش وصیت کند. ولی در حالت کلی، بهترین وصیت، وصیت خداوند است، چون او دانای حکیم و عالم غیب و شهادت است و چیزهایی را می بیند که ما نمی بینیم و نسبت به حکمی که صادر می کند اشراف و تسلط کامل داشته و همه جنبه ها را در نظر می گیرد.

با توجه به آیه فوق، وقتی متوفی فرزند داشته باشد، سهم هر یک از پدر و مادر ۱/٦ از ما ترک است، این چیزی است که در قانون ارث پذیرفته شده و در این باره اختلافی بین شیعه وسنی وجود ندارد. چنانچه متوفی فرزندی نداشته باشد، سهم پدر تغییر نکرده و همان ۱/٦ باقی می ماند اما سهم مادر از ۱/٦ به ۱/۳ افزایش می یابد، مگر اینکه متوفی برادر خواهر داشته باشد که در اینصورت سهم مادر به همان ۱/٦ بر می گردد. از آنجا که در قانون ارث، سهام ششگانه بصورت اعداد کسری دیده شده اند، تصور بر این است که در اینجا نیازی به تعیین سهم پدر نبوده، چون مثلاً وقتی سهم مادر ۱/۳ تعیین گردیده و میت بجز پدر مادر وارث دیگری ندارد بدیهی است سهم پدر باید ۲/۳ باشد. در صورتی که این تصور اشتباه است و بزودی خواهید دید ما را با

مشکلات فراوانی مواجه خواهد ساخت که برای گذر از آنها چاره ای جز پاک کردن صورت مسئله و خلق قواعد و قوانین بی پایه و اساس نخواهیم داشت. در حالی که اعداد ارث ماهیتاً نسبت هستند و حتماً باید معلوم باشند. اگر خداوند در نبود فرزند به سهم پدر اشاره نفرموده بخاطر این است که تغییر نکرده و همان ۱/٦ است. خداوند در آیه فوق می فرماید: وقتی میت بجز والدینش وارث دیگری ندارد، سهم مادر ۱/۳ است و چنانچه برادر خواهرانی داشته باشد، سهم مادر ۱/٦ خواهد بود. حالا سئوال این است که وقتی مثلاً یک خواهر یا یک برادر داشته باشد، در اینصورت سهم مادر چقدر است؟ این ظاهراً در متن آیه مشخص نشده اما چرا در قانون ارث، سهم مادر را در این حالت مجهول در نظر نمی گیرند و همان ۱/۳ را لحاظ می کنند؟ باید در مورد سهم پدر نیز همین کار را می کردند و به بیراهه نمی زدند.

وَلَكُمْ نِصْفُ مَا تَرَكَ أَزْوَاجُكُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهُنَّ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَهُنَّ وَلَدٌ فَلَكُمُ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْنَ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ يُوصِينَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ وَلَهُنَّ الرُّبُعُ مِمَّا تَرَكْتُمْ إِنْ لَمْ يَكُنْ لَكُمْ وَلَدٌ فَإِنْ كَانَ لَكُمْ وَلَدٌ فَلَهُنَّ الثُّمُنُ مِمَّا تَرَكْتُمْ مِنْ بَعْدِ وَصِيَّةٍ تُوصُونَ بِهَا أَوْ دَيْنٍ.... [٤:۲۱]

و برای شما مردان، در صورتی که زنانتان فرزندی نداشته باشند، نصف ما ترک آنها مقرر گردیده و چنانچه فرزندی داشته باشند یک چهارم از مما ترک آنهاست. این منوط به بعد از وصیتی است که به آن توصیه کرده اند یا ادای

دینی که بر گردن دارند. و برای زنانتان، در صورتی که فرزندی نداشته باشید، یک چهارم از ماترک شما مقرر گردیده و چنان فرزندی داشته باشید یک هشتم از مما ترک شماست. این منوط به بعد از وصیتی است که بدان توصیه کرده یا ادای دینی است که بر گردن دارید....

من جای قسمت آخر آیه فوق را، به دلیل اینکه فعلاً به بحث ما مربوط نمی شود، خالی گذاشته ام که با احتساب آن، در این آیه سه بار وصیت خداوند منوط به بعد از وصیت متوفی گردیده است. این اهتمام خداوند به امر وصیت را می رساند و حتی در کتابش آن را بر مومنین واجب کرده است. وصیت خداوند اگرچه احسن و اصلح است ولی بر خلاف آنچه در قانون ارث وجود دارد، التزام به آن اجباری نیست و هر کسی می تواندکل دارایی خود را وصیت کند.

خداوند در این آیه برای هر یک از زن و مرد دو سهم مشخص فرموده اند: یکی در حضور اولاد و دیگری بدون حضور اولاد. مردان در عدم حضور اولاد ١/٢ ما ترک همسرانشان را به ارث می برند. وجود پسوند ماترک در اینجا بدان معناست که ترکه به دو نیم تقسیم شده، نیمی مال شوهر، بشرط آنکه سهم کس دیگری پسوند ماترک نداشته باشد، و نیم دیگر مال سایر ورثه می باشد که به نسبت بینشان تقسیم می شود. در صورتی که زنان فرزند داشته باشند، سهم مردان از ترکه آنها ١/٤ از مما ترک خواهد بود.

زنان نیز در نبود اولاد، ۱/٤ از مما ترک همسرانشان را به ارث می برند و در حضور اولاد، سهم آنها ۱/۸ از مما ترک خواهد بود. من الآن هر چه قدر درباره ما ترک و مما ترک توضیح بدهم ممکن است برای بعضی ها گنگ باشد، امید است در هنگام حل مسائل ارث، بهتر بتوان مفهوم این دو را درک کرد.

حالا با توجه به مفروضات فوق الذکر، می خواهیم وضعیتی را بررسی کنیم که متوفی بجز پدر مادر و زوج یا زوجه وارث دیگری ندارد. همانگونه که گفته شد، فروض سته یا سهام ششگانه، ماهیتاً نسبت هستند و فقط زمانی اعتبار دارند که لااقل یکی از طرفهای نسبت موجود باشد در غیر این صورت تمام ترکه به وارث منحصر می رسد. در قانون ارث نیز این چنین است مگر در یک مورد: وقتی متوفی مرد بوده و جز همسرش هیچ وارث دیگری نداشته باشد، در این حالت بنا بر فقه شیعی، تنها یک چهارم ترکه شوهر به همسرش می رسد. به عنوان مثال فرض کنید تمام ترکه مردی که فوت کرده یک تکه زمین باشد، با توجه به اینکه در فقه شیعی، زوجه از عین زمین ارث نمی برد، زمین را قیمت کرده و یک چهارم پول آن را به او می دهند و بقیه برابر قانون در اختیار حاکم قرار می گیرد. این در حالی است که تا پیش از سال ۱۳۸۷ و به راه افتادن جنبش های اعتراضی و دفاع از حقوق زنان که نهایتاً منجر به تغییر موادی از قوانین مدنی مربوط به ارث گردید، همین نیز

به زن نمی رسید چون بنا بر قوانین پیش از آن سال، زن از زمین سهمی نداشت. ناگفته نماند سه چهارم بقیه در اصل سهم امام است که فعلاً به ولی فقیه یا دولت می رسد. البته بنابر بعضی آراء فقهی قدیمی تر، که طبق معمول مقتبس از روایات می باشند، سهم مذکور می بایست به پول و سکه تبدیل شده و تا زمان ظهور امام غایب، در زمین دفن شود تا وقتی ظهور کرد خودش آن را بردارد، بیچاره زن! حالا تصور کنید مردی که فوت کرده به جز دختر دختر عمه‌اش وارث دیگری نداشته باشد، در این صورت همه ارثیه اش به او خواهد رسید، اما اگر تنها وارث او همسرش، شریک زندگی و سختی هایش باشد، تنها یک چهارم اموالش را دریافت خواهد کرد! با این توضیح، توجهتان را به جدول ۱ جلب می کنم:

جدول ۱

ردیف	تقسیم ارث مطابق فقه شیعی		
	پدر	مادر	زن
۱	۵/۱۲	۴/۱۲	۳/۱۲
۲		۳/۴	۱/۴
۳	۳/۴		۱/۴
۴	۲/۳	۱/۳	

بطوری که ملاحظه می کنید، در اینجا متوفی مرد است و کسانی که ارثیه او را می برند عبارتند از: پدر، مادر و همسرش. ردیف ۱ حالتی را نشان می دهد که پدر، مادر و همسر هرسه وجود دارند و ارث می برند، در ردیف ۲ فقط مادر و همسر و ردیف ۳ فقط پدر و همسر وجود دارند و در ردیف ٤ نیز فقط پدر و مادر در قید حیات هستند. وقتی والدین تنها ورثه متوفی باشند، مادر یک سوم می برد و چون سهم پدر مجهول تصور شده، دو سوم باقیمانده به او می رسد، بدین ترتیب پدر دو برابر مادر سهم می برد، یعنی نسبت سهم پدر به مادر دو به یک می باشد که به زبان ریاضی ۲:۱ نوشته می شود. همچنین اگر ۲/۳ را بر ۱/۳ تقسیم کنیم به ۲/۱ می رسیم که همان ۲:۱ است. به همین ترتیب در ردیف ۳ نسبت سهم پدر به همسر متوفی می شود: ۳/۱ یا ۳:۱، با در دست داشتن این دو نسبت، خیلی راحت می توان نسبت سهم پدر به مادر به همسر را بدست آورد. اگر صورت و مخرج نسبت ۲/۱ را در ۳ ضرب کنیم به نسبت ٦/۳ می رسیم که از نظر ریاضی با نسبت ۲/۱ یکسان است و نیز اگر صورت مخرج نسبت ۳/۱ را در ۲ ضرب کنیم به نسبت ٦/۲ می رسیم که این نیز با نسبت ۳/۱ یکسان می باشد. حالا با توجه به اینکه نسبت سهم پدر به مادر می شود ٦:۳(شش به سه) و نسبت سهم پدر به زن می شود٦:۲(شش به دو) در نتیجه نسبت سهم پدر

فهرست

به مادر به زن می بایست ٦:٣:٢(شش به سه به دو) باشد. ردیف ١ جدول، جایی است که باید نسبت ٦:٣:٢ درش برقرار باشد و الا در اینجا اشکالی وجود خواهد داشت. اجازه دهید بررسی کنیم ببینیم نسبت مذکور بر قرار است یا خیر. همانگونه که در جدول ١ ملاحظه می کنید، سهم پدر، مادر و زن بترتیب ٥/١٢، ٤/١٢، و ٣/١٢ شده است، این یعنی نسبت سهم پدر به مادر به زن می شود ٥:٤:٣ در حالیکه می بایست ٦:٣:٢ می شد. این بدان معناست که رویه تقسیم ارث شیعی تا اینجای کار اشتباه است و نتنها با رویه قرآن سازگار نیست بلکه حتی با رویه ای که خودشان در پیش گرفته اند همخوانی ندارد. حالا بیایید بررسی کنیم ببینیم رویه تقسیم ارث مطابق قانون ارث سنی به چه صورت است.

جدول ۲

ردیف	تقسیم ارث مطابق فقه سـنی		
	پدر	مادر	زن
۱	۲/۴	۱/۴	۱/۴
۲		۳/۴	۱/۴
۳	۳/۴		۱/۴
۴	۲/۳	۱/۳	

فهرست

با توجه به اینکه در قانون ارث سنی نیز سهم پدر مجهول در نظر گرفته می شود، ابتدا باید کسانی که سهمشان معلوم است، نصیب خود را از کل ماترک بردارند تا باقیمانده به پدر برسد، از این رو نباید تفاوتی بین رویه تقسیم ارث شیعی و سنی وجود داشته باشد. همانگونه که در جدول ۲ ملاحظه می کنید، بجز ردیف ۱ در ردیفهای دیگر تفاوتی وجود ندارد ولی در این ردیف، نسبت سهم پدر به مادر به زن، از ٥:٤:٣ که در تقسیم ارث شیعی بدست آمد، به ۲:۱:۱ یا ٦:۳:۳ رسیده، این تغییر نسبت برای چیست؟ چرا در اینجا رویه تقسیم ارث سنی نسبت به شیعه تغییر کرده؟ پاسخ این سئوال بسیار حائز اهمیت است و من ان شاء الله بزودی به آن خواهم پرداخت. به هر حال رویه تقسیم ارث سنی نیز تا اینجای کار درست نیست چون نسبت ٦:۳:۲ که از ردیف ۳ و ٤ بدست می آید، در ردیف ۱ رعایت نشده و بجایش نسبت ٦:۳:۳ برقرار است، هر چند اندکی تعدیل یافته است. چون نسبت ٦:۳:۳ در مقایسه با ٦:۳:۲ لا اقل نسبت ۲:۱ پدر به مادر رعایت شده است.

اینک اجازه دهید به بررسی رویه تقسیم ارث مطابق آیات قرآن بپردازیم (جدول ۳)

فهرست

جدول ۳

ردیف	تقسیم ارث مطابق قرآن		
	پدر	مادر	زن
۱	۲/۹	۴/۹	۳/۹
۲		۴/۷	۳/۷
۳	۲/۵		۳/۵
۴	۱/۳	۲/۳	

بطوری که قبلاً ملاحظه کردید، در ردیف ٤، چه در قانون ارث شیعی و چه در قانون ارث سنی، نسبت سهم پدر به مادر ۲:۱ بود ولی در اینجا برعکس شده و حالا این مادر است که نسبت به پدر ۲:۱ سهم می برد. می پرسید چرا؟ چون در آنجا سهم پدر مجهول در نظر گرفته شده بود و چاره ای جز این وجود نداشت که ابتدا سهم مادر را از ارثیه جدا شود تا آنچه باقی می ماند به پدر برسد. اما در اینجا سهم پدر معلوم است و بر اساس آیات قرآن ۱/٦ می باشد. در اینکه چرا سهم پدر در نبود اولاد ۱/٦ باقی می ماند، قبلاً توضیحات لازم داده شدند و دلایلی نیز اقامه گردیدند، اما چه دلیلی بالاتر از اینکه وقتی سهم پدر مجهول باشد، محاسبات غلط

از آب در می آیند و نسبتها رعایت نمی شوند؟

همانگونه که مشاهده می کنید، در ردیف ۳ نسبت سهم پدر به زن ۲:۳ می باشد در حالیکه مطابق قانون ارث ۳:۱ بود، این اختلاف بخاطر آن است که آنها ابتدا سهم زن را از کل ارثیه بر می دارند و باقیمانده را به پدر می دهند، در حالیکه قرآن چنین مجوزی به آنها نداده. در قانون ارث قرآن، سهم پدر و مادر و زن، پسوند ما ترک ندارد و این یعنی سهام مذکور از کل ارثیه کسر نمی شوند بلکه باید به نسبت تقسیم شوند.

در اینجا بر اساس آیات قرآن داریم:

نسبت سهم پدر = ۱/۶

نسبت سهم زن =۱/۴

نسبت سهم پدر به زن = ۱/۶÷۱/٤=۲/۳ = ۲:۳

کل سهم = ۲+۳ = ۵

سهم زن = ۳/۵

سهم پدر = ۲/۵

حالا با توجه به اینکه نسبت سهم پدر به زن ۲:۳ می باشد و نسبت سهم پدر به مادر ۱:۲ یا ۲:٤ است، در نتیجه نسبت سهم پدر به مادر به زن می شود ۲:٤:۳، این نسبت می بایست در ردیف یک جدول، که هر سه با هم ارث می برند، برقرار باشد و الا جواب غلط است. در اینجا راحت ترین روش

فهرست

برای بدست آوردن نسبت سهم مادر به زن به پدر، به صورت زیر است:

نسبت سهم پدر = ۱/۶

نسبت سهم مادر =۱/۳

نسبت سهم زن =۱/۴

با توجه به اینکه کوچکترین مضرب مشترک ٦ و ٤ و ۳ می شود ۱۲، داریم:

نسبت سهم پدر = ۱/٦ × ۲/۲ = ۲/۱۲

نسبت سهم مادر = ۱/۳ × ٤/٤ = ٤/۱۲

نسبت سهم زن = ۱/٤ × ۳/۳ = ۳/۱۲

در اینجا کل سهام ۹ قسمت است که از این میان ۲ سهم مال پدر(۲/۹)، ٤ سهم مال مادر (٤/۹) و ۳ سهم نیز به زن متوفی می رسد(۳/۹) و این یعنی نسبت سهم پدر به مادر به زن ۲:٤:۳ می باشد. همانگونه که ملاحظه می فرمایید، نسبت دو به چهار به سه که قبلاً بدست آوردیم در اینجا نیز برقرار است.

حالا وقت آن رسیده که نتایج بدست آمده را با کلید ارث بیازماییم تا ببینیم کدام درست است و کدام نادرست.

۲/۳، ۱/۲، ۱/۳، ۱/٤، ۱/٦، ۱/۸

در اینجا ما با آن بخشی از کلید کار داریم که به رنگ قرمز نشان داده شده است. با توجه به کلید ارث، وقتی پدر، مادر و زن با هم ارث می برند، باید

نسبت ۲:٤:۳ (نسبت سهم پدر به مادر به زن)برقرار باشد و ما شاهد بودیم این نسبت مطابق قانون ارث شیعی ۵:٤:۳ و بر طبق قانون ارث سنی ٦:۳:۳ بود و فقط بر طبق دستور العمل قرآن نسبت ۲:٤:۳ برقرار است.

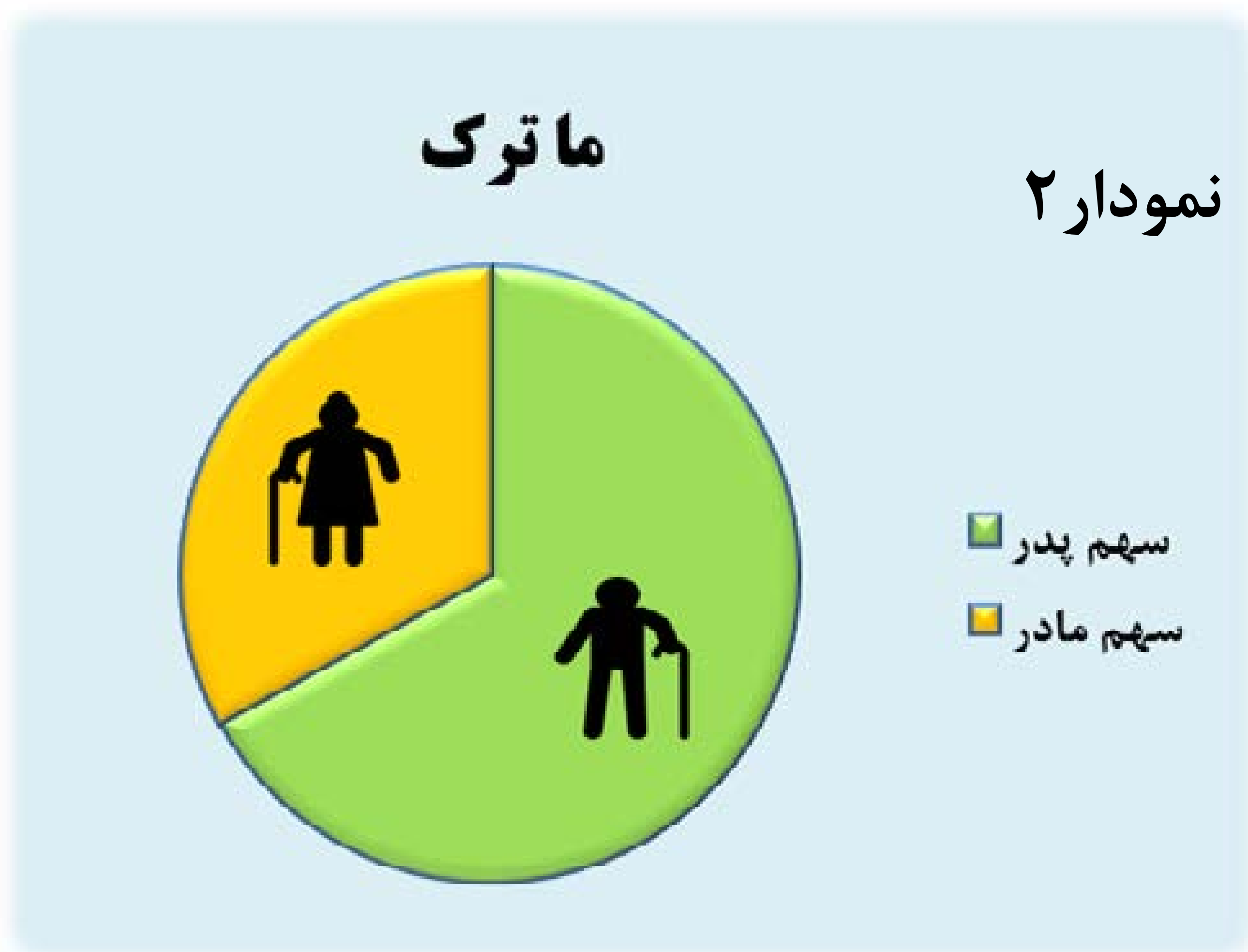
تا اینجا فرض بر این بود که متوفی مرد است و ورثه او عبارتند از: پدر، مادر و عیالش. حالا فرض می کنیم متوفی زن است و ورثه او، پدر و مادر و شوهرش هستند. بیایید ببینیم با این فرض، جداول ارث به چه صورت تغییر می کنند. در وضعیتی که متوفی زن است و جز شوهر یا پدر یا مادرش ورثه دیگری ندارد، چنانچه وارث منحصر به یک نفر باشد کل ارثیه به او می رسد در غیر اینصورت چهار حالت وجود خواهد داشت، جدول ٤ که طبق قانون ارث شیعی تنظیم شده این چهار حالت را نشان می دهد.

جدول ۴

[illegible]	تقسیم ارث مطابق فقه شیعی		
	پدر	مادر	مرد
۱	۱/۶	۲/۶	۳/۶
۲		۱/۲	۱/۲
۳	۱/۲		۱/۲
۴	۲/۳	۱/۳	

فهرست

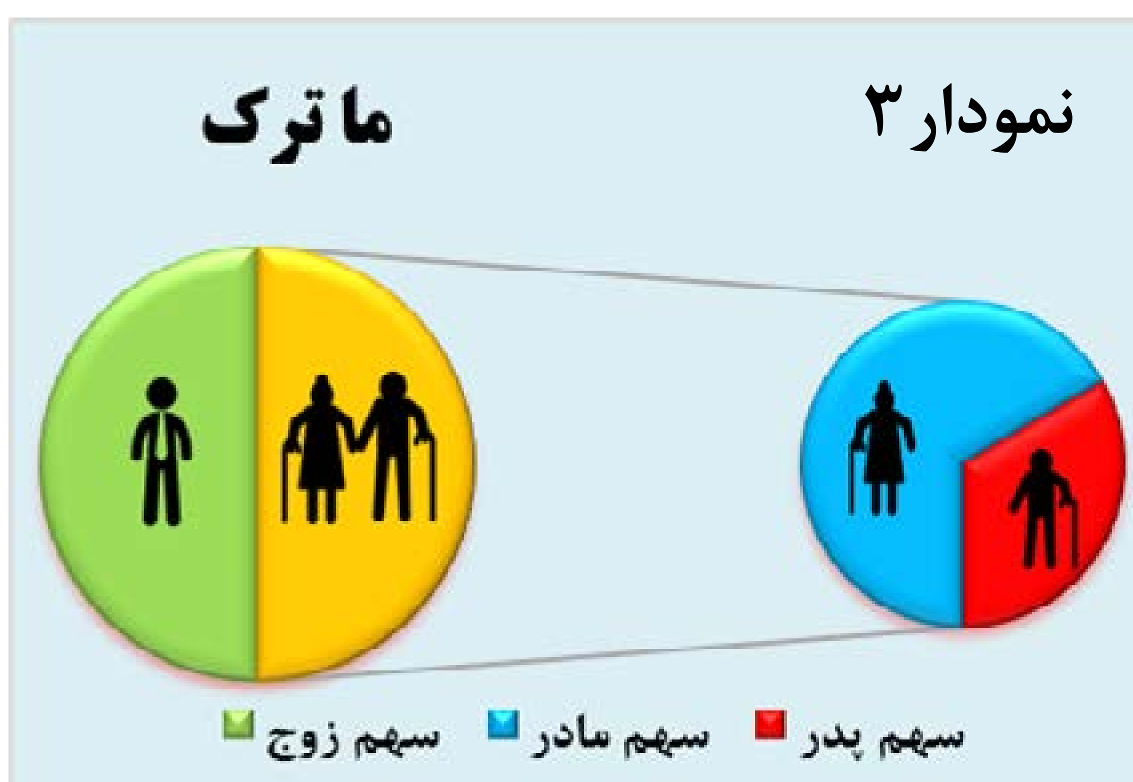
توجهتان را به ردیف ٤ جدول جلب می کنم، جایی که متوفی زوجه بوده و والدین تنها ورثه او هستند. با توجه به اینکه در قانون ارث، وقتی میت فرزندی ندارد، سهم پدر مجهول در نظر گرفته می‌شود و نیز اعداد به صورت کسر دیده شده‌اند، در نتیجه با مشخص شدن سهم مادر، به راحتی می توان سهم پدر را به دست آورد. در این وضعیت مادر یک سوم کل ارثیه را میبرد و بنابراین الباقی که دو سوم است به پدر می رسد. از اینجا مشخص می شود نسبت سهم پدر به مادر دو به یک است. این موضوع در نمودار ٢ به نمایش گذاشته شده، همانگونه که ملاحظه می کنید، سهم پدر دو برابر سهم مادر است.

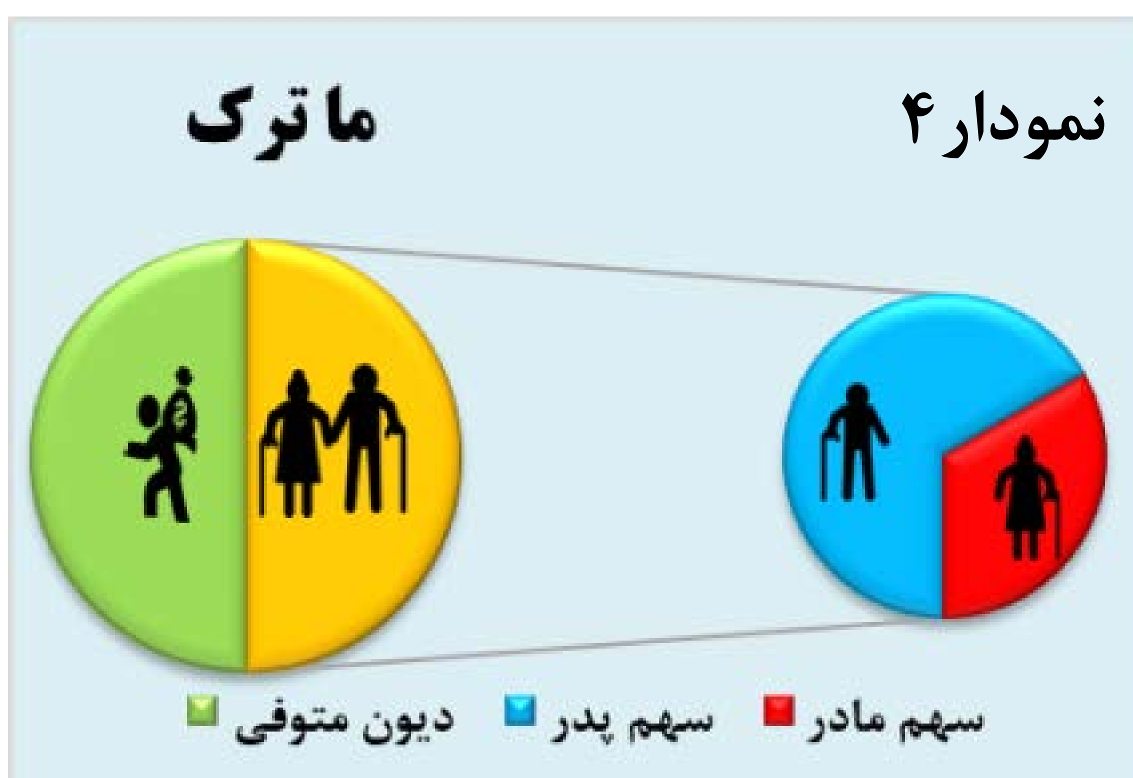


بیایید حالتی را در نظر بگیریم که متوفی بجز والدینش وارث دیگری ندارد اما دینی بر دوش دارد که قبل از تقسیم ترکه(یعنی ارثیه) می بایست ادا شود و از کل مال کسر گردد، فرض می کنیم دین مذکور به اندازه نصف ترکه است. در اینصورت ابتدا نصف ترکه جدا شده و الباقی بین پدر و مادر تقسیم می شود، به این صورت که مادر یک سوم و پدر نیز دو سوم از مال را دریافت می کند. این یعنی پدر دو برابر مادر سهم می برد و نسبت سهم پدر به مادر، دو به یک است. حالا فرض کنید متوفی که زن است، دینی بر دوش ندارد اما شوهر او نیز جزء ورثه می باشد(سطر ۱ جدول ٤) در این حالت، مطابق قانون ارث شیعی، سهم شوهر نصف ما ترک می شود که از مال جدا شده و الباقی بین پدر و مادر تقسیم می شود.

این دو حالت در نمودارهای ۳ و ٤ به نمایش گذاشته شده اند. دایره اول نشان دهنده کل ماترک است که بخشی از آن سهم والدین می باشد. دایره دوم(سمت راست) که با دو خط به سهم والدین وصل شده، فقط نشان می دهد سهم والدین به چه صورت بینشان تقسیم شده است.بطوری که از نمودارها پیداست، ما در اینجا با دو وضعیت یکسان مواجه ایم که در هر دوی آنها نیمی از مال جدا شده و الباقی بین پدر و مادر تقسیم گردیده است.

فهرست





در نمودار ۳ بعد از کسر دیون میت از کل ما ترک باقیمانده بین والدین تقسیم می شود. همانگونه که ملاحظه می کنید، پدر دو برابر مادر سهم برده اما در نمودار ٤ با وجود اینکه تغییر خاصی اتفاق نیفتاده و همچون حالت قبل، نصف مال به والدین رسیده، موضوع کاملاً برعکس شده و حالا این مادر است که دو برابر پدر سهم می برد! آن هم بدون اینکه چیز جدیدی تعریف شده یا پارامتری تغییر

کرده باشد. این از نظر ریاضی ابداً قابل قبول نبوده و کاملاً اشتباه است. این خطای آشکار به هیچ وجه ربطی به قرآن نداشته و در این باره هیچ نقصان و اشتباهی در متن آیات ارث به چشم نمی خورد. آنچه این خطا را دامن زده، یکی عدم شناخت ماهیت اعداد ششگانه یا همان فروض سته بوده و دیگر این است که سهم پدر مجهول در نظر گرفته شده در صورتی که مجهول نیست.

اگر بخاطر داشته باشید، گفتیم در قانون ارث، وقتی اولاد و کلاله وجود ندارند، سهم پدر را مجهول در نظر می گیرند و بجز حالتی که والدین با زوج یا زوجه در کنار هم ارث می برند، در بقیه موارد روش واحدی برای تقسیم ارث در پیش گرفته می شود. وعده داده بودم علت تغییر رویه اهل سنت را در مورد اخیر الذکر توضیح دهم: حقیقتش را بخواهید علت آن بروز همین خطای آشکار است که علمای اهل سنت را وادار به تغییر رویه کرده است. اگرچه در فقه شیعی برای رفع این معضل اقدامی صورت نپذیرفته و از این خطای بزرگ چشم پوشی شده، اما خطا آنقدر واضح، روشن و برجسته است که به هیچ طریقی نمی توان آن را ندید گرفت یا پیچاند یا توجیه کرد. با این وجود فقهای اهل سنت تصمیم گرفته اند برای گذر از آن، رویه خود را تغییر دهند. با این حال در احکام شرعی تغییر من عندی نمیشود و حتماً می بایست مجوز داشته باشد، مجوزی که

حجت بوده و قابل احتجاج باشد. به همین دلیل در اینجا فقهای اهل سنت به فتوایی متوسل می شوند که به عمر منسوب شده، چراکه به باور اهل سنت عمر در حوزه حکمیت دینی صاحب حکم بوده و فتوای او حجت است. جالب اینجاست که در همین سوره نساء، قوم پیامبر دوبار از او فتوی می خواهند و در هر دوبار خداوند اینگونه به آنها پاسخ می دهد: قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ- بگو خداوند شما را فتوا می دهد. جالب تر اینکه یکی از آن دوبار درباره تقسیم ارث می باشد. این یعنی فتوای دینی حتی در حوزه اختیارات رسول خدا، کسی که خداوند خودش او را انتخاب کرده، نیست تا چه رسد به فتوای کسی که مردم به دلخواه خود او را انتخاب می کنند و ولی می گیرند! یک مسلمان حقیقی بنابر اصل توحید و با وجود قرآن، حکم احدی غیر از الله را حجت نمی داند و به آن احتجاج نمی کند. این موضوعی است که اعظم آیات قرآن نازل شده اند تا آن را برای انسانها تفهیم و تبیین نمایند ولی متاسفانه اکثریت انسانها بی اعتناء از کنارش می گذرند و از آن غافل و بی اطلاع هستند.

بنابر فتوایی که به عمر منسوب شده، بعد از این که زن یا مرد سهم خود را از ارثیه برداشتند، باقیمانده بر خلاف رویه ای که اهل سنت در غیاب

فهرست

اولاد و کلاله بکار می بندند، به نسبت ۲ به ۱ بترتیب بین پدر و مادر تقسیم میشود. این موضوع در جدول ٥ نشان داده شده است.

جدول ٥

ردیف	تقسیم ارث مطابق فقه سـنی		
	پدر	مادر	مرد
۱	۲/۶	۱/۶	۳/۶
۲		۱/۲	۱/۲
۳	۱/۲		۱/۲
۴	۲/۳	۱/۳	

چنانچه جداول ۱ و ۲ و ٤ و ٥ را با یکدیگر مقایسه کنید خواهید دید بجز ردیف ۱، در سایر ردیفها فقهای شیعه و سنی رویه یکسانی را برای تقسیم ارث در پیش گرفته اند.

حالا از شما دعوت می کنم نگاهی به جداول ٤ و ٦ بیندازید تا مطلب مهمی را خدمتتان عرض کنم:

جدول ۴

ردیف	تقسیم ارث مطابق فقه شیعی		
	پدر	مادر	مرد
۱	۱/۶	۲/۶	۳/۶
۲		۱/۲	۱/۲
۳	۱/۲		۱/۲
۴	۲/۳	۱/۳	

جدول ۶

ردیف	تقسیم ارث مطابق قرآن		
	پدر	مادر	مرد
۱	۱/۶	۲/۶	۳/۶
۲		۱/۲	۱/۲
۳	۱/۲		۱/۲
۴	۱/۳	۲/۳	

بطوری که ملاحظه می کنید، بجز ردیف ۴، در سایر ردیفها اعداد مندرج در دو جدول مشابه یکدیگر

فهرست

هستند. جالب اینجاست که اعداد بر اساس دو رویه متفاوت بدست آمده اند ولی بر حسب تصادف شبیه یکدیگر شده اند!

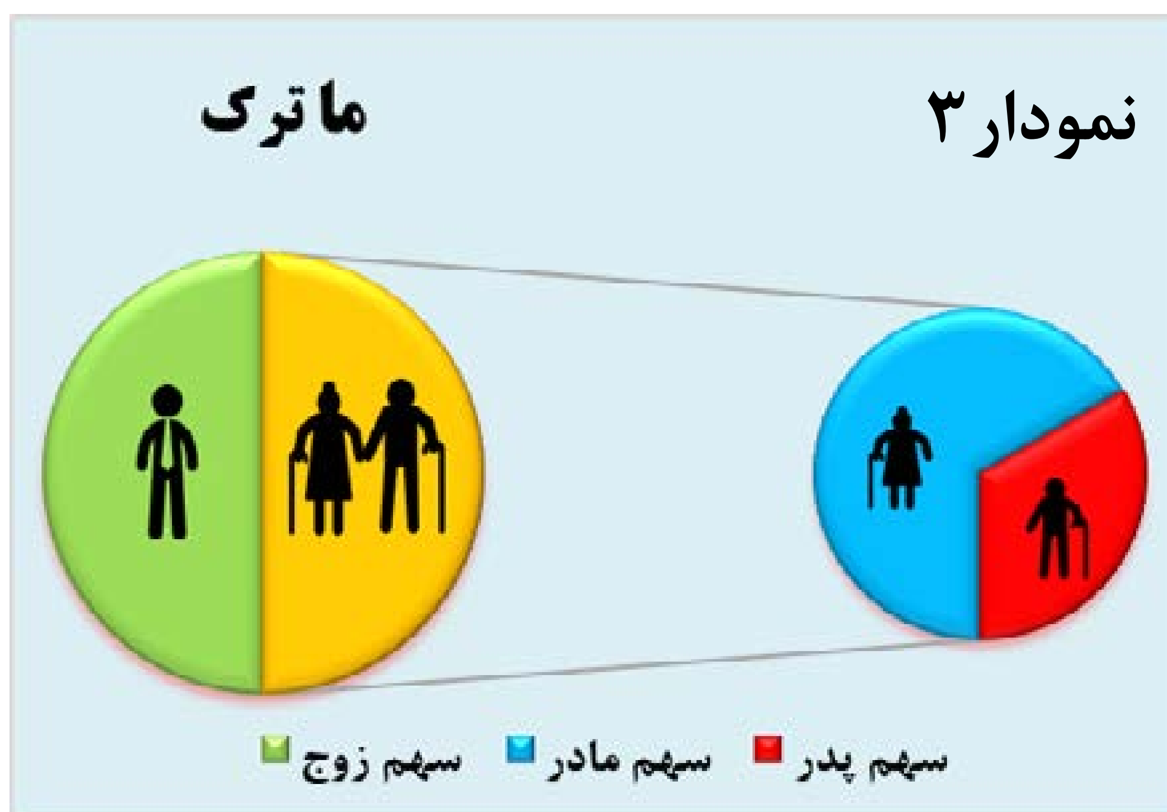
در قانون ارث شیعی، سهم زوج یا زوجه همیشه از کل ما ترک کسر شده و آنچه باقی می ماند بین بقیه ورثه تقسیم می شود. در ردیفهای ۱ و ۲ و ۳ از جدول ۴، ابتدا سهم شوهر از کل ارثیه کسر شده و بقیه بین پدر و مادر تقسیم شده است. در جدول ۶ نیز یک چنین اتفاقی افتاده منتهی این اتفاق بر اساس دستور العمل قرآن بوده است. بنابر آیه ۱۲ نساء، وقتی متوفی زن باشد و فرزندی نداشته باشد، نیمی از ما ترک او به شوهرش می رسد. با توجه به اینکه در اینجا سهم شوهر پسوند ما ترک دارد، طبق قاعده ای که قبلاً تعریف کردیم، ارثیه به دو نیم تقسیم می شود، نیمی متعلق به شوهر و نیمه دیگر نیز متعلق به پدر مادر است.

در ردیفهای ۲ و ۳ از جدول ٦ ، سهم زوج یک دوم ماترک تعیین شده و این یعنی نیمی از ترکه نصیب زوج میشود و نیم باقیمانده به بقیه ورثه می رسد و به نسبت بین شان تقسیم می شود(در این حالت نسبت سهم مرد به بقیه ورثه یک به یک است). از آنجا که در اینجا به جز پدر یا مادر، وارث دیگری وجود ندارد، باقیمانده ارثیه نیز نصیب آنها

خواهد شد و ما مجاز نیستیم به نسبت یک ششم یا یک سوم به آنها سهم بدهیم چون این نسبت زمانی برقرار است که در مما ترک وارث دیگری نیز وجود داشته باشد.

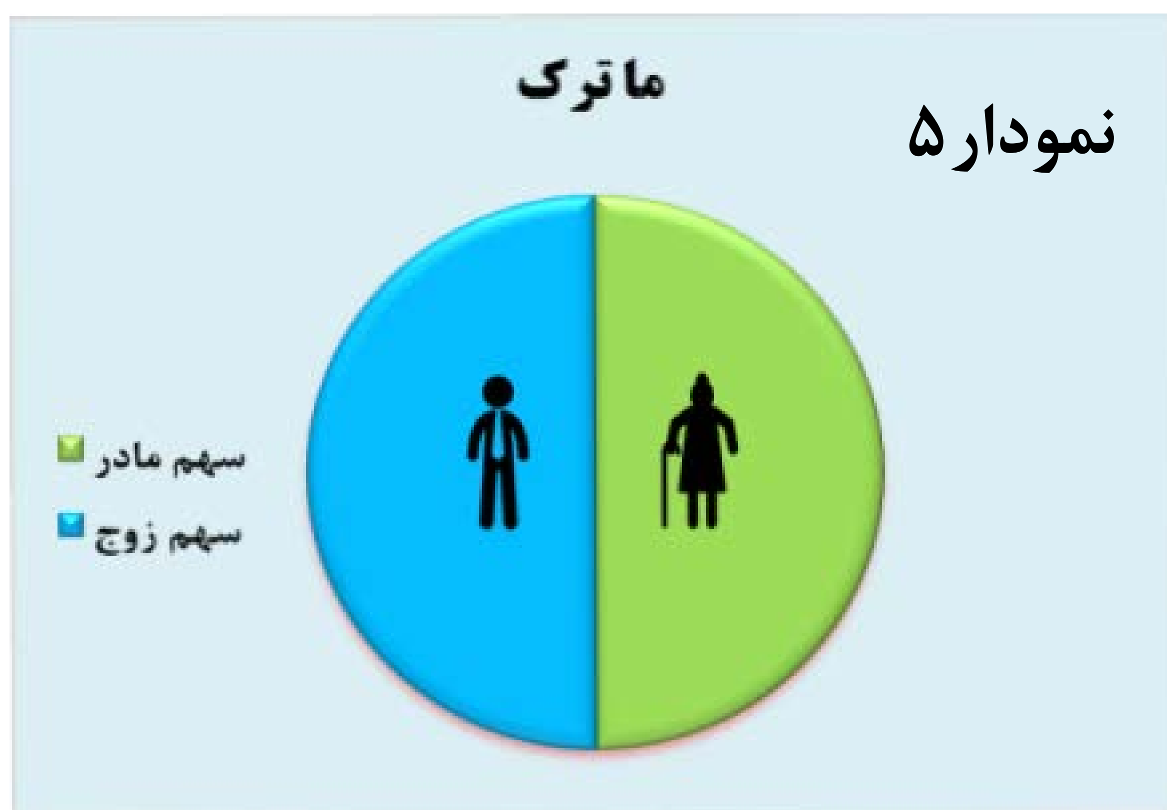
در ردیف ۱ از جدول ٦، بعد از اینکه شوهر نیمی از ارثیه را بر می دارد، باقی مانده که مما ترک محسوب می شود، به نسبت دو به یک بین پدر و مادر تقسیم می شود که در نتیجه ۳/٦ (نصف) به شوهر می رسد ۲/٦(ثلث) به مادر می رسد و ۱/٦(سدس) را نیز پدر می برد. یعنی نسبت سهم شوهر به مادر به پدر ۳:۲:۱ است ولی در ردیف ۲ و ۳ نسبت سهم شوهر به مادر ۱:۱ و به پدر نیز ۱:۱ می شود در حالیکه مطابق ردیف ۱ می بایست ۳:۲ و ۳:۱ می بود، اشکال کار کجاست؟ در واقع اشکالی پیش نیامده چون سهم شوهر پسوند ما ترک دارد، از کل ارثیه سهم می برد ولی پسوند سهم والدین مما ترک است و از آنچه باقی می ماند سهم می برند.

اجازه دهید این را با نمودار نشان دهیم:



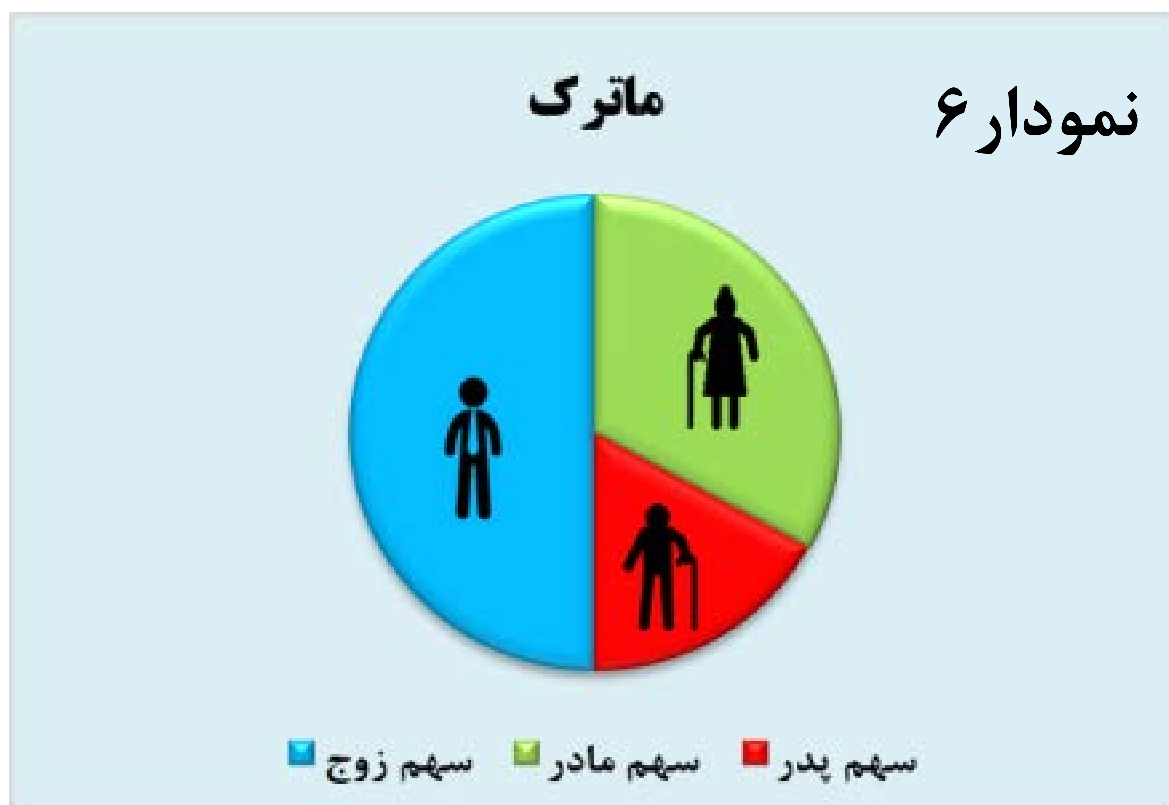
در نمودار ۳ ، ما ترک به دو نیم تقسیم شده، نیمی سهم شوهر و نیم دیگر سهم والدین، در اینجا نسبت سهم شوهر به والدین یک به یک بوده و نیمه والدین به نسبت دو به یک بینشان تقسیم شده است.

چنانچه پدر در قید حیات نباشد، وقتی زوج نیمه خود را بر می دارد، چون در نیمه دیگر بجز مادر کسی وجود ندارد، کل نیمه به او می رسد و نسبت سهم زوج به مادر یک به یک می شود، در مورد پدر نیز به همین ترتیب خواهد بود.



قضیه هفده شتر را که قبلاً درباره اش صحبت کردیم به خاطر دارید؟ در آنجا مرد دانا بطور تصادفی از یک راه حل کاملاً غلط به جواب درست رسید. در جدول ٤ نیز، آنجا که پدر و مادر و شوهر با هم ارث می برند، تصادفاً جواب، درست از آب در آمده است(نمودار ٦)

فهرست



در معمای هفده شتر، لا اقل برای هر یک از بچه ها سهمی مشخص شده بود، فقط در تقسیم ارث به مشکل بر خورده بودند، اما در اینجا تصور بر این است که حتی برای پدر سهمی هم مشخص نشده، به همین دلیل بقیه سهم خود را بر می دارند و هر چه را باقی ماند، کم یا زیاد، به پدر می دهند! و اینگونه می شود که در یک وضعیت یکسان، بی دلیلی و بی جهت، گاهی پدر دو برابر مادر می برد، مانند ردیف ٤ از جدول ٤ و گاهی نیز مادر دو برابر پدر گیرش می آید مانند ردیف ۱، همین خطاها و اشتباهات بارز و روشن بیانگر آن است که رویه تقسیم ارث، چه بر طبق قانون شیعه و چه سنی، درست نیست.

تقسیم ارث در حضور کلاله

در حالتی که تقسیم ارث بدون حضور اولاد و کلاله صورت می پذیرد، شاهد اشکالات و خطایای بنیادی موجود در قانون ارث بودیم، چنانچه برادر خواهر میت(کلاله) را نیز به حالت قبل اضافه کنیم، از هم گسیختگی و ویرانی بنای قانون ارث، که به راستی حکایت از کج بودن خشت اولیه این بنا دارد کاملا مشهود و هویدا می شود، بگونه ای که هر کسی با اندک سوادی به راحتی می تواند آن را در یابد و متوجه شود. در اینجا حقیقتاً اوج اضمحلال قوانین فقهی فریقین به نمایش گذاشته می شود.

يَسْتَفْتُونَكَ قُلِ اللَّهُ يُفْتِيكُمْ فِي الْكَلَالَةِ إِنِ امْرُؤٌ هَلَكَ لَيْسَ لَهُ وَلَدٌ وَلَهُ أُخْتٌ فَلَهَا نِصْفُ مَا تَرَكَ وَهُوَ يَرِثُهَا إِنْ لَمْ يَكُنْ لَهَا وَلَدٌ فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ يُبَيِّنُ اللَّهُ لَكُمْ أَنْ تَضِلُّوا وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ [٤:١٧٦]

در باره کلاله از تو فتوا می خواهند بگو خداوند در این باره به شما فتوا می دهد: اگر کسی(چه مرد و چه زن) بمیرد که فرزندی نداشته و خواهری داشته باشد نیمی از ارثیه او نصیب خواهرش خواهد شد و او (در صورتی که خواهرش بمیرد و فرزندی نداشته باشد) نصف ارثیه خواهر را خواهد برد. و چنانچه خواهرها دو تا باشند دو سوم ارثیه سهم آنها خواهد بود و اگر جمعی برادر خواهر بودند، دو سوم را به صورت شراکتی، به نسبت ۲ برای برادران و ۱ برای خواهران خواهند برد. پروردگار اینگونه برای شما بیان می کند تا ره گم نکنید و خداوند به هر

با وجود تمام صراحتی که این آیه دارد، علمای شیعه و سنی به دلیل پیروی از سخن آباء اولین، که در قالب احادیث و روایات جلوه می کند، سخن خدا را نشنیده و بد جوری به بیراهه زده اند. از میان ترجمه های فارسی آیه فوق، بجز آقای قمشه ای که امْرُؤٌ را «کسی» معنا کرده، بقیه آن را «مردی» ترجمه کرده اند. مثل این است که وقتی می فرماید: يُوصِيكُمُ اللَّهُ با توجه به اینکه ضمیر کم مذکر است تصور کنیم مخاطب فقط مردان هستند نه زنان! در اینجا نیز امْرُؤٌ هم شامل مرد می شود و هم زن و آنجا که می فرماید وَهُوَ يَرِثُهَا ، مرجع هو هم می تواند زن باشد و هم مرد و اگر بصورت مذکر آمده، به دلیل قاعده تغلیب جنس نر بر ماده است. بنابر این عبارت وَهُوَ يَرِثُهَا به ما می گوید: همانگونه که یک خواهر ۱/۲ ماترک برادرش را می برد، برادر او نیز ، چه زن باشد و چه مرد، تنها ۱/۲ ما ترک خواهرش را به ارث می برد نه همه آن را. از طرف دیگر در اینجا اعداد ۱/۲ و ۲/۳ نسبت هستند و این یعنی متوفی علاوه بر کلاله، وارث دیگری نیز دارد. حتی اگر اعداد را کسر فرض کنیم، باز اینچنین خواهد بود و ذهن منتظر است ببینید ۱/۲ یا ۱/۳ باقیمانده نصیب چه کسی می شود. من نمی دانم کسانی که اینگونه سبک سرانه به کار خدا می نگرند آیا در مورد تقسیم اموال خود نیز چنین می کنند؟! جالب اینجاست در قانون ارث قید شده یک خواهر، چنانچه وارث منحصر باشد،

نصف اموال برادرش را ارث می برد و یک برادر همه آن را ولی عملاً به خواهر نیز همه اموال برادرش تعلق می گیرد، با این توجیه آبکی که ۱/۲ به فرض دریافت می کند و ۱/۲ به قرابت در حالیکه خداوند بخاطر همین قرابت است که ۱/۲ برایش فرض کرده است!

علاوه بر آیه ۱۷۶، خداوند در آیات ۱۱ و ۱۲ نساء نیز از کلاله، یا برادر خواهر میت، اسم برده است. همانگونه که در آیه ۱۱ ملاحظه کردید، وجود کلاله باعث می شد سهم مادر از ۱/۳ به ۱/۶ تقلیل یابد. به همین ترتیب در آیه ۱۲ نیز، وجود زوجه در حالتی خاص، سبب می شود سهم کلاله تقلیل پیدا کند؛ به اینصورت که سهم یک خواهر یا یک برادر از ۱/۲ به ۱/۶ و بیش از یک خواهر یا برادر از ۲/۳ به ۱/۳ تقلیل می یابد. اجازه دهید مورد اخیر را از روی آیه ۱۲ سوره نساء مورد بررسی قرار دهیم:

وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ وَلَهُ أَخٌ أَوْ أُخْتٌ فَلِكُلِّ وَاحِدٍ مِنْهُمَا السُّدُسُ فَإِنْ كَانُوا أَكْثَرَ مِنْ ذَٰلِكَ فَهُمْ شُرَكَاءُ فِي الثُّلُثِ

و چنانچه ورثه مردی عبارت باشند از کلاله(برادر و خواهر) و همسرش و او را برادر یا خواهری باشد پس سهم هر یک از آن دو یک ششم و اگر بیش از دو نفر باشند همگی در یک سوم با هم شریک خواهند بود.

در لغت قرآن کلاله به معنای برادر و خواهر متوفی

است و بعد از اولاد، والدین، و زوجین، چهارمین صنفی می باشد که خداوند نسبت سهمش را از ارثیه مشخص کرده و فقط در صورتی ارث می برد که متوفی فرزند یا فرزند زاده‌ای نداشته باشد. قرآن در دو جا به تعیین سهم کلاله از ارثیه پرداخته: یکی در این آیه و دیگری در آیه ۱۷۶ که در باره اش صحبت کردیم. چیزی که هست، تفاوت سهم کلاله در این آیه و آیه ۱۷۶ می باشد. به عنوان مثال در اینجا یک خواهر به نسبت ۱/٦ سهم می برد در صورتی که در آیه ۱۷۶ سهم یک خواهر یک دوم تعیین شده است. همچنین در اینجا دو خواهر مجموعاً ۱/۳ میبرند در حالی که در آنجا برای دو خواهر عدد ۲/۳ در نظر گرفته شده. همین تفاوت سهم باعث خلق اصطلاحاتی همچون کلاله امی(برادر خواهر مادری)، کلاله ابی(برادر خواهر پدری) و کلاله ابوینی(برادر خواهری که از یک پدر مادر هستند) گردیده است. علمای شیعه و سنی در پاسخ به این تفاوت، به تبع روایات، می گویند: منظور از کلاله ای که در آیه ۱۲ آمده کلاله امی است و منظور از کلاله ای که در آیه ۱۷۶ آمده کلاله ابوینی یا کلاله ابی می باشد (چون ندیدند حقیقت ره افسانه زدند). در صورتی که قرآن فقط از کلاله اسم برده و هیچ صحبتی درباره کلاله امی نکرده است. اگر ما در توجیه تفاوت گفته شده، بپذیریم منظور از کلاله ای که در آیه ۱۲ آمده کلاله امی می باشد آنگاه پای حدیث غیر خدا را به قرآن

باز کرده و ظلم را جایگزین عدالت نموده ایم و این با اصل توحید و اعظم آیات قرآن در تناقض است. بیش از ۹۰ درصد آیات قرآن نازل شده اند تا به ما بگویند در حوزه شریعت تنها باید از احکام موجود در قرآن تبعیت کنیم و از پیروی اولیاء من دون الله بپرهیزم. درست است که خداوند در کتابش بارها و بارها ما را به اطاعت از رسول امر فرموده اما بارها و بارها نیز به ما آگاهی داده که در حوزه حاکمیت دینی، یگانه وظیفه رسول ابلاغ قرآن می باشد تا ما نیز همچون اقوام گذشته فریب شیطان را نخوریم و از احکامی که او به انبیاء و ملائکه نسبت می دهد پیروی نکنیم و بدین سان برای حکم خدا شریک قائل شویم.

پس آیا حاکمی غیر از خدا جویم، آنهم در حالیکه او این کتاب را به طور مفصل برایتان نازل کرده است؟!.... (انعام/۱۱۴)

اگر فرض کنیم کلاله مورد اشاره آیه ۱۲ کلاله امی و کلاله آیه ۱۷۶ کلاله ابی یا ابوینی باشد، با توجه به اینکه این دو قسم کلاله به طور متقابل از یکدیگر ارث می برند آنگاه چه توجیهی برای اختلاف سهم آنها وجود خواهد داشت؟ آیا کسانی که به چنین تقسیم بندی برای کلاله قائلند می توانند دلیل تفاوت سهم کلاله امی با کلاله ابی یا ابوینی را توضیح دهند؟ اگر این تقسیم بندی برای کلاله بایسته و ضروری است برای اولاد به مراتب بیشتر لازم خواهد بود.

چرا اولاد امی، اولادی که از طرف مادر یکی هستند، باید مانند اولاد ابوینی، که از طرف پدر مادر یکی هستند، سهم ببرند؟ زنی که شوهرش فوت کرده و مال بسیاری را از او به ارث برده، آیا شایسته این است که بیشتر ارثیه اش به اولادی که از شوهر سابقش دارد برسد یا به اولادی که از شوهر دوم خود دارد؟ چرا باید فرزندان شوهر جدید مانند فرزندان شوهر سابق ارث ببرند؟! یا مردی که نیمی از ترکه همسر ثروتمند سابق خود را به ارث برده چرا باید بخشی از آن را برای اولادی که از همسر جدیدش دارد ارث بگذارد؟ چرا باید اولاد ابوینی مانند اولاد ابی سهم ببرند؟

می خواهم بگویم اگر تقسیم کردن کلاله به امی ابی و ابوینی لازم است، تقسیم بندی اولاد به امی ابی و ابوینی بیشتر لازم است. حقیقت این است که خداوند در کتابش نه کلاله را طبقه بندی کرده و نه اولاد را و کسانی که به تبع روایات، کلاله را طبقه بندی کرده اند، خود را با آنچنان گره کوری مواجه ساخته اند که محال است بتوان آن را باز کرد. وقتی پای حکم غیر خدا به دین باز می شود، آن را از خلوص در آورده و حق و باطل با یکدیگر آمیخته می شوند، آنگاه ظلم و تعدی جای انصاف و عدالت را می گیرد و باعث تضییع حقوق کرور کرور انسان در طول تاریخ می شود.

بعنوان مثال: از فقها و علما بپرسید چرا در حضور

کلاله ابوینی، کلاله ابی از ارث محروم می شوند؟ بخاطر همان گره کور است که خدمتتان عرض کردم. با توجه به اینکه قرآن اسمی از کلاله ابی نبرده و سهمی برایشان مشخص نکرده، این از نظر فقها و علما یعنی اینکه در معادلات ارث یک سهم مجهول داریم و زمانی که این سهم مجهول در کنار سهام مجهول دیگر قرار می گیرد، معادلات را لاینحل می سازد، در نتیجه فقها چاره ای جز حذف سهم مجهول و پاک کردن صورت مسئله ندارند. بعنوان یک قاعده کلی همواره بخاطر داشته باشید، در فتاوا و احکام مربوط به ارث، هر جا حکام و فقها مجبور به حذف سهمی یا بلوکه کردن آن شده اند، بدانید از نظر ریاضی به مشکل بر خورده و با گره کور مواجه گردیده اند و برای برون رفت از آن، دست به دامان روایاتی شده اند که مخصوصاً برای این کار ساخته و بافته شده اند.

آنچه در فقه شیعی و سنی باعث ابداع کلاله امی گردیده، این است که در عبارت: وَإِنْ كَانَ رَجُلٌ يُورَثُ كَلَالَةً أَوِ امْرَأَةٌ کلمه امْرَأَةٌ را به واسطه حرف أَوِ به رَجُلٌ عطف می کنند و اینگونه می خوانند:

« اگر میراث مردی یا زنی را کلاله به ارث برند»

و یا به اینصورت می خوانند:

«اگر مرد یا زنی که از او ارث می برند، کلاله (به تعریف آنها بی اولاد و بدون پدر و مادر) باشد»

می دانم اعراب موجود در آیه، ترجمه فوق را تایید می کند اما متون قدیمی قرآن، که بعضاً مربوط به عصر نزول هستند، حکایت از این واقعیت دارند که در آن زمان آیات قرآن اعراب گذاری نشده بودند و بنابراین احتمال وجود خطا در آنها هست و دقیقاً به همین خاطر است که قرائتهای مختلفی از قرآن وجود دارند. بلکه این متن آیات است که می تواند ما را به سمت اعراب صحیح رهنمون شود.

حقیقت این است که در آیه مورد بحث، کلمه امْرَأَةٌ به کلاله عطف می‌شود و در اینجا حرف أَوِ از نوع تقسیم است و نشان می دهد ورثه مردی که فوت کرده به دو شعبه تقسیم می‌شوند: یکی همسر و دیگری کلاله اش. حرف أَوِ در آیاتی از قرآن برای تقسیم بندی بکار رفته است، مثلاً در آیه ۱۱۱ بقره می خوانیم:

وَقَالُوا لَن يَدْخُلَ الْجَنَّةَ إِلَّا مَن كَانَ هُودًا أَوْ نَصَارَىٰ....

و گفتند کسی وارد جنت نمی‌شود مگر اینکه یهودی یا نصارا باشد

در این آیه حرف أَوْ از نوع تقسیم است و اهل جنت را به دو شعبه یهود و نصارا تقسیم میکند. در اینجا اگر بخواهیم آیه ۱۲ را با آیه ۱۷۶ مقایسه کنیم، در آیه ۱۷۶ سهم یک خواهر یا یک برادر، وقتی پدر یا مادر نیز حضور دارند، یک دوم ماترک است ولی در آیه ۱۲ که پدر و مادر حضور ندارند، سهم هر یک از برادر و خواهر به یک ششم تقلیل

می یابد. در در آیه ۱۲ اگر دو خواهر وجود داشته باشند مجموعاً یک سوم دریافت می کنند ولی در آیه ۱۷۶، دو خواهر دو سوم از مما ترک را دریافت می کنند. در اینجا اگر چند برادر و خواهر داشته باشیم همگی بطور مساوی در یک سوم شریک اند ولی در آنجا برادران و خواهران به نسبت دو به یک در دو سوم شریک هستند. خلاصه اگر مردی بمیرد که تنها ورثه او کلاله و همسرش باشند، در این صورت سهم کلاله به نفع زن تقلیل می یابد و به همین دلیل است که خداوند در ذیل سهم زن متوفی به آن پرداخته است. اما چرا؟ در اینجا چه اتفاقی می افتد که خداوند اقدام به تقلیل سهم کلاله می کند؟ پاسخ به این سئوال مستلزم آن است که ما یک آمار دقیق از شرایط زنان شوهر مرده در هر دو وضعیت: چه وقتی والدین حضور دارند و چه در غیاب آنها، داشته باشیم. آیا یک چنین آماری داریم؟خیر. اما خداوند دارد، خداوند بر تمام وضعیتها و شرایط مختلف ورثه، اشراف کامل دارد. به همین خاطر است که در هر سه آیه، علم خود را به رخ می کشد. در آیه ۱۱ می فرماید: إِنَّ اللَّهَ كَانَ عَلِيمًا حَكِيمًا، در آیه ۱۲ می فرماید: وَاللَّهُ عَلِيمٌ حَلِيمٌ و در آیه ۱۷۶ می فرماید: وَاللَّهُ بِكُلِّ شَيْءٍ عَلِيمٌ، واقعاً علم خدا بر همه چیز احاطه دارد، در نتیجه حکم و رای الهی همیشه اصلح و احسن است.

تقسیم ارث کلاله مطابق فقه شیعی

به طوری که ملاحظه فرمودید؛ آیه ۱۷۶ سوره نساء به تعیین سهام کلاله اختصاص یافته و نسبت سهم این صنف از ورثه را به طور کامل مشخص کرده و چیزی را از قلم نینداخته است. با این وجود آیه مذکور در فقه شیعی اصلاً دیده نشده و بلا استفاده مانده است! درست مانند آدمی ناشی و نا وارد که قطعات ماشینی را اشتباهاً سرهم کرده و آخر سر چند قطعه اضافی روی دستش مانده باشد، سر هم بندیهایی که در فقه شیعی بر سر تقسیم ارث اتفاق افتاده، کار را به مرحله‌ای رسانده که دیگر جایی برای استفاده از آیه ۱۷۶ باقی نمانده و کاملاً اضافی به نظر می رسد! انگار خداوند رحمان و علیم این آیه را برای خودش گفته یا مخاطبش شیعیان نبوده اند! یکی دیگر از خطاهایی که فقهای شیعه در اینجا مرتکب می شوند این است که در حضور والدین، سهم کلاله را بطور کامل بلوکه کرده و چیزی برای آنها در نظر نمی‌گیرند. به عبارت دیگر برادر و خواهر متوفی در حضور والدین هیچگونه سهمی دریافت نمی‌کنند در حالی که تنها اولاد

مانع ارث بردن کلاله می شوند. اینک اجازه دهید بررسی کنیم ببینیم چه عواملی باعث شده تا در حضور والدین سهم کلاله را بلوکه کنند و آنها را از ارث محروم سازند.

من در اینجا برای رعایت حوصله خواننده و جلوگیری از طولانی شدن مطلب، پیرو ضرب المثل مشت نمونه خروار است، از میان حالات و وضعیتهای ممکن، که البته در فقه شیعی زیاد هم نیستند، دو وضعیت را در نظر می گیرم که یکی از آن دو در جدول شماره ۷ نشان داده شده است. خاطر نشان می کنم در قرآن اهمیتی به اینکه خواهر امی است یا ابی و یا ابوینی، داده نشده و در قانون ارث قرآن از این چیزها وجود ندارد. اینها صرفاً اختراعات قوانین فقهی شیعه و سنی هستند. با توجه به اینکه در قانون ارث شیعی، برادر و خواهر امی به طور یکسان ارث میبرند، در جدول ۷ صرفاً از خواهر امی اسم برده شده است. **جدول۷**

ردیف	دو خواهر ابوینی	دو خواهر امی	همسر مرد
۱	۱/۶	۲/۶	۳/۶
۲		۱/۲	۱/۲
۳	۱/۲		۱/۲
۴	۲/۳	۱/۳	

همچنین با توجه به اینکه سهم الارث برادر و خواهر ابوینی با وجود اینکه در آیه ۱۷٦ به صراحت مشخص شده، عملاً مجهول در نظر گرفته می شود در جدول فقط اسم خواهر ابوینی برده شده است.

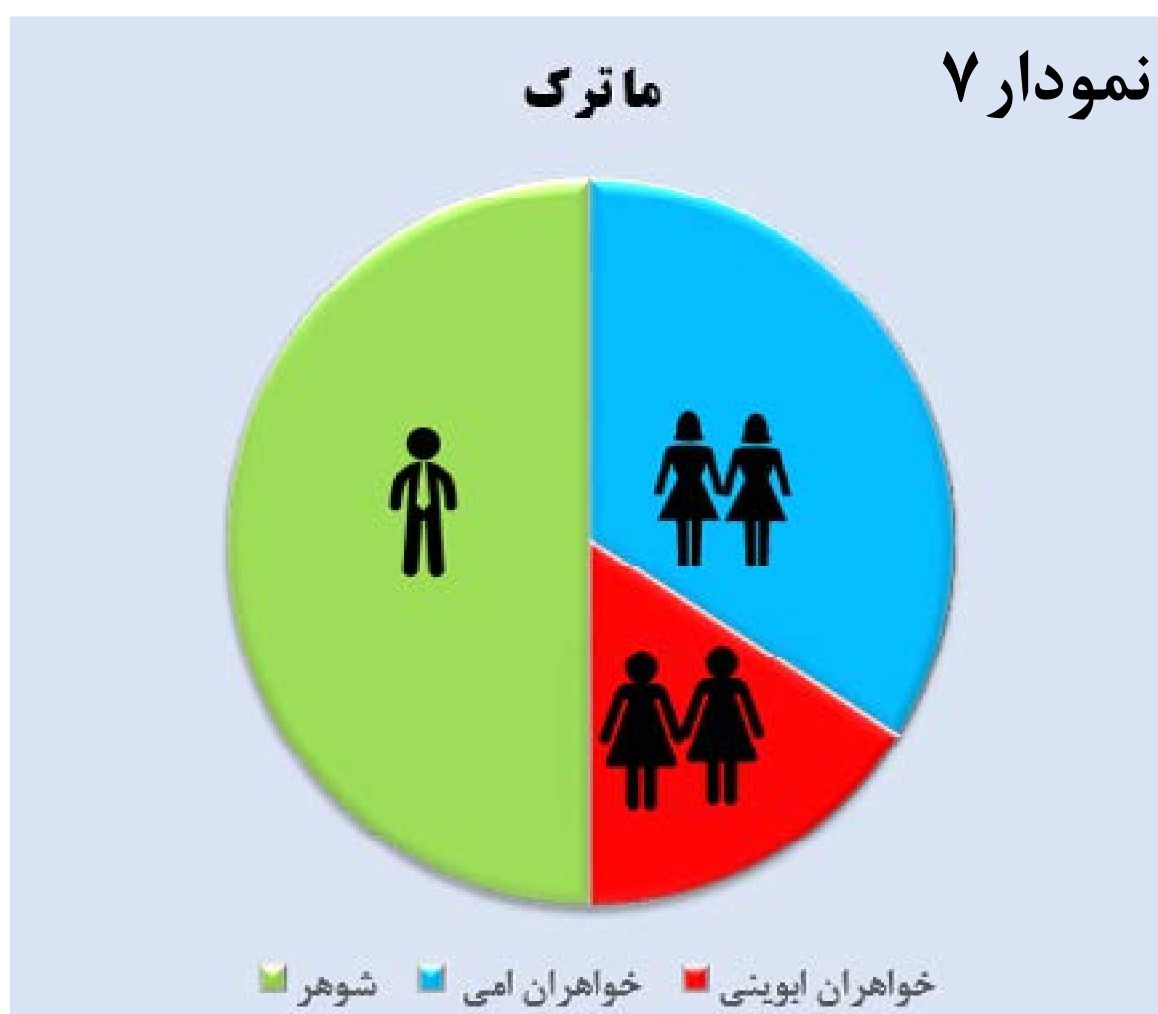
با این بیان بیایید حالتی را در نظر بگیریم که متوفی زن است و ورثه او عبارتند از شوهر، دو خواهر امی و دو خواهر ابوینی اش (ردیف ۱) با توجه به اینکه در این حالت سهم شوهر ۱/۲ ماترک می شود و سهم الارث خواهران ابوینی و امی به ترتیب دو سوم و یک سوم است، در نتیجه مجموعه این سه سهم برابر است با:

۲/۳ + ۱/۲ + ۱/۳ = ۹/۶

همانگونه که ملاحظه می فرمایید مجموع سهام به اندازه ۱/۲ از یک بالاتر می‌زند و این یعنی ورثه نمی‌توانند همه سهمی را که برای شان مشخص شده دریافت نمایند. رویه تقسیم ارث شیعی به این صورت است که زوجین در همه حالات ممکن، سهم خود را از کل ارثیه برمیدارند و کنار می روند. بنابراین در اینجا شوهر متوفی نیمی از ارثیه(۳/٦) را بر می‌دارد و می رود. حال اگر بخواهیم از نیمه باقیمانده ابتدا سهم خواهران ابوینی را بدهیم، با توجه به اینکه باید ۲/۳ یا ٤/٦ به آنها بدهیم نه تنها چیزی به خواهران امی نمی رسد بلکه به اندازه ۱/٦ کم می آوریم، پس چاره ای نداریم جز اینکه ابتدا سهم خواهران امی

را بدهیم و هرچه را باقی ماند برای خواهران ابوینی بگذاریم. روی همین حساب و سر هم بندی غلط در فقه شیعی کمبود ترکه همواره شامل خواهران ابی یا ابوینی شده و آنها نمی توانند سهمی را که برای شان فرض شده دریافت نمایند. دقیقاً به همین خاطر، و موارد مشابه دیگر است که در قانون ارث شیعی آیه ۱۷۶ بلا استفاده روی دست فقهای شیعه مانده و کاملاً اضافی به نظر می رسد.

اگر بخواهم تقسیمات انجام شده در ردیف یک را با نمودار نشان دهم، مانند نمودار زیر خواهد بود:



حالا فرض کنید اگر مادر را هم به این مجموعه اضافه می کردیم چه اتفاقی می افتاد، با توجه به اینکه سهم مادر در این حالت ۱/۳ می شود، ما باز با کمبود بیشتری مواجه می

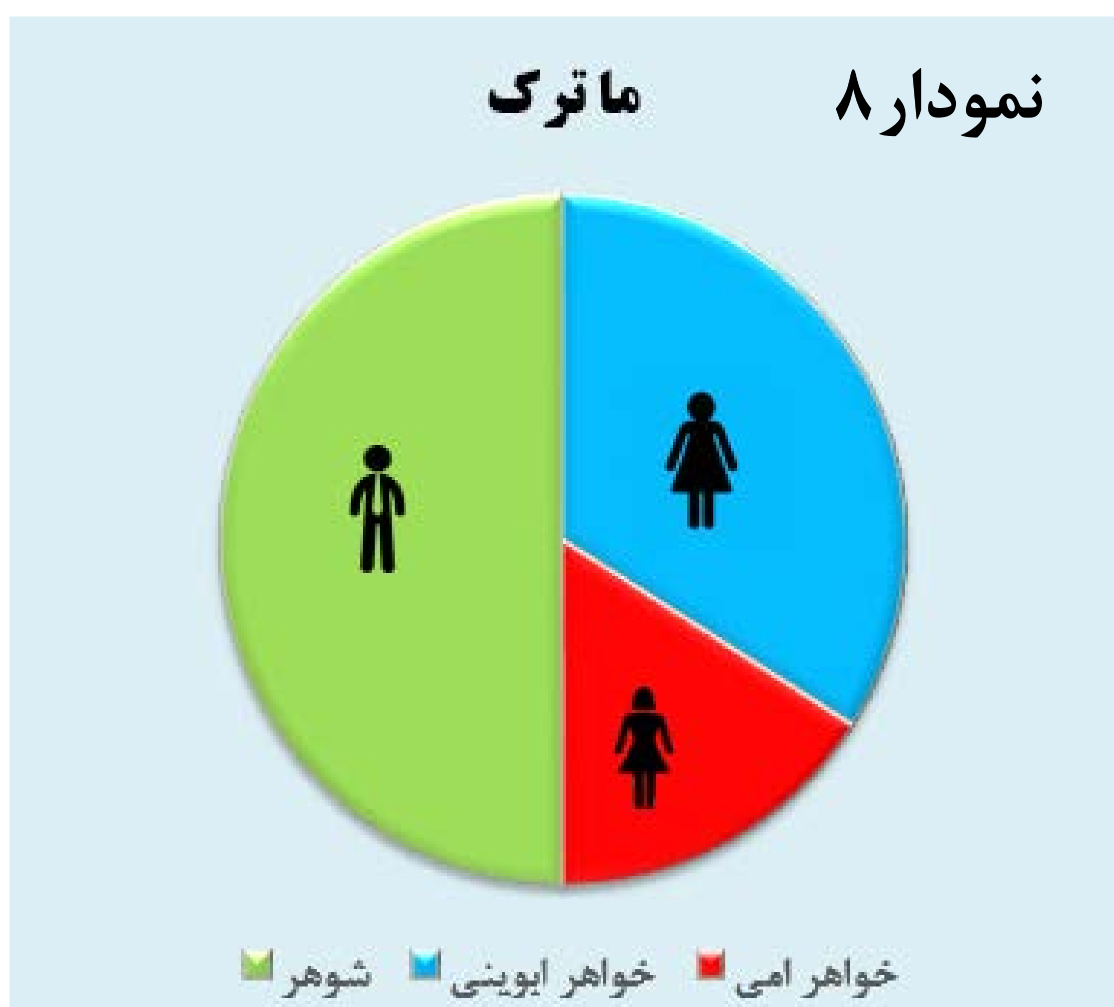
شدیم و دیگر حتی روش فوق نیز جواب نمی داد و نه تنها چیزی برای خواهران ابوینی باقی نمی ماند، بلکه خواهران امی و مادر نیز به طور کامل به سهم شان نمی رسیدند. به همین دلیل در قانون ارث شیعی، با وجود مادر، سهم کلاله بلوکه می‌شود.

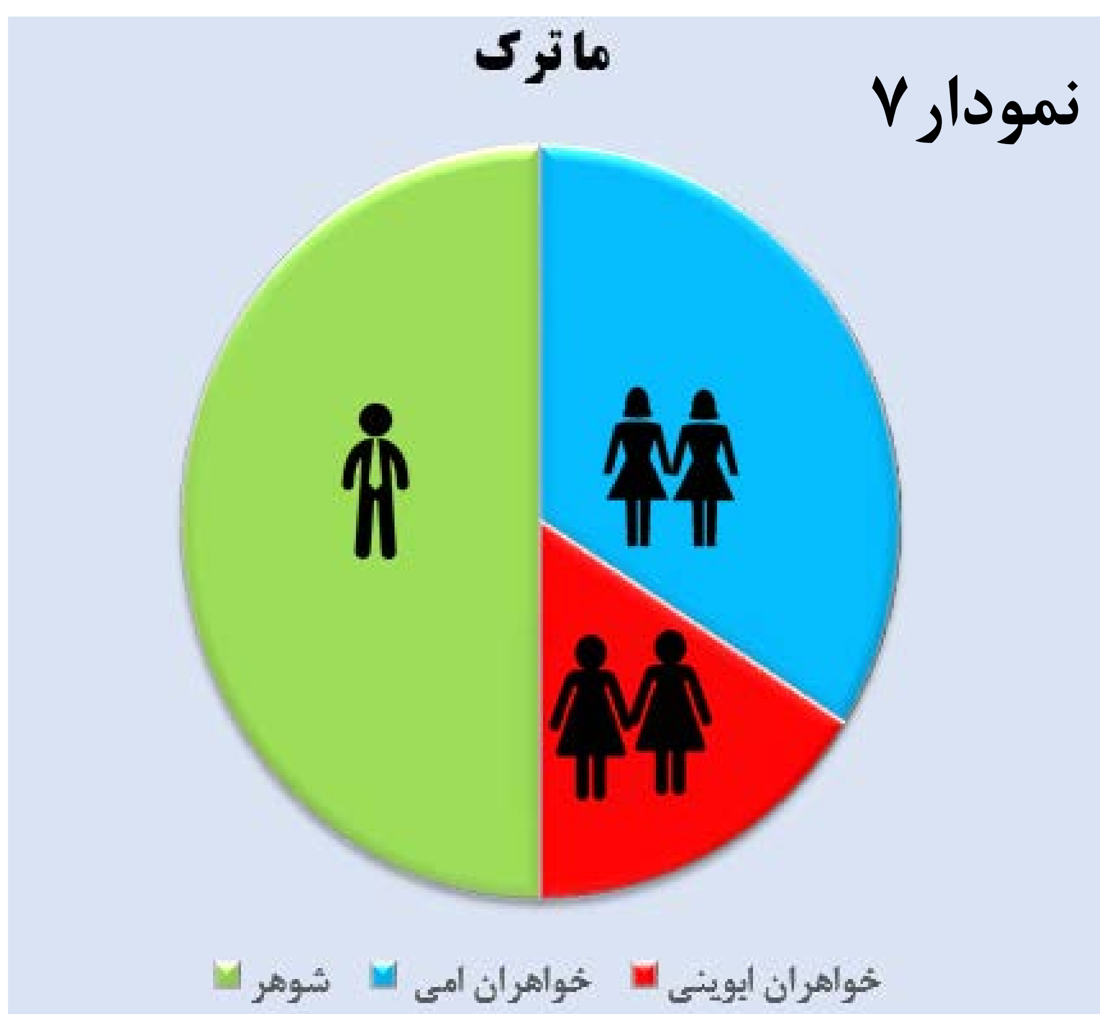
اجازه دهید به سراغ ردیف ۴ از جدول ۷ برویم، در اینجا سهم دو خواهر امی ۱/۳ و دو خواهر ابوینی ۲/۳ شده است. اگرچه در آیه ۱۷۶ نساء سهم دو خواهر ۲/۳ تعیین شده، ولی ۲/۳ ردیف ۴ بر اساس دستور العمل قرآن نیست بلکه بطور تصادفی با ۲/۳ قرآن یکی شده، به این دلیل که وقتی خواهران امی سهم خود را بر می دارند باقیمانده به خواهران ابوینی می رسد که در اینجا چون ۱/۳ از ماترک کسر شده، ۲/۳ باقی مانده است. اگر بجای دو خواهر امی ابوینی یک خواهر امی ابوینی داشتیم(جدول ۸ ردیف ۴)، بر اساس قانون شیعی، سهم یک خواهر امی ۱/۶ است و بر اساس قرآن سهم یک خواهر به اصطلاح ابوینی ۱/۲ می شود، در اینجا وقتی خواهر امی ۱/۶ خود را بر می دارد، چیزی که برای خواهر ابوینی می ماند ۵/۶ است نه ۱/۲.

جدول۸

ردیف	یک خواهر ابوینی	یک خواهر امی	همسر مرد
۱	۲/۶	۱/۶	۳/۶
۲		۱/۲	۱/۲
۳	۱/۲		۱/۲
۴	۵/۶	۱/۶	

اجازه دهید ردیف ۱ جدول ۸(نمودار ۸) را با ردیف ۱ جدول ۷ (نمودار ۷) مقایسه کنم تا اشتباه بارزی را که اتفاق افتاده به شما نشان دهم.

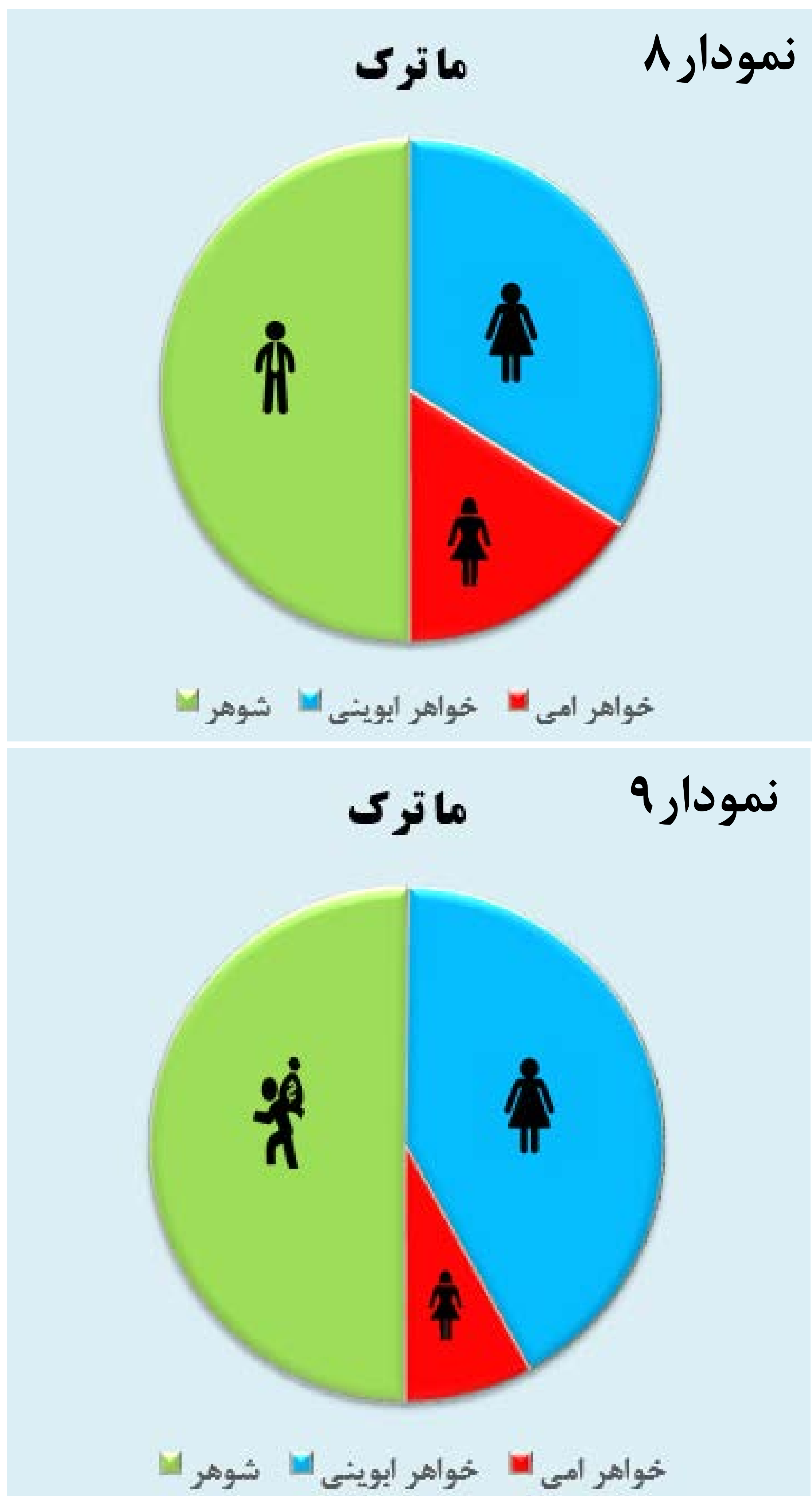




هر دو نمودار نشان دهنده وضعیتی هستند که در آن، شوهر نیمی از ماترک را بر می دارد و باقیمانده بین خواهران ابوینی و امی تقسیم می شود. با این تفاوت که در نمودار ۸، یک خواهر امی و یک خواهر ابوینی داریم ولی در نمودار ۷ دو تا داریم. وقتی خواهران یکی هستند، ابوینی دو برابر امی سهم می برد اما وقتی دوتا می شوند این بار امی ها هستند که دو برابر ابوینی ها سهم می برند! بر اساس چه منطقی؟! قانون هردمبیل یعنی همین همیشه یا یک چیزی اضافه می آید و یا کم، خلاصه هیچ حساب و کتاب و قاعده و منطق درستی در کار نیست که نیست که نیست.

حالا فرض کنید زنی فوت کرده و ورثه او عبارت اند از شوهر، یک خواهر امی و یک خواهر ابوینی اش، یا اصلاً فرض می کنیم شوهر ندارد ولی دینی

به گردنش هست که به اندازه نیمی از ماترکش می باشد. این دو فرض بطور شماتیک در نمودارهای ۸ و ۹ نشان داده شده اند.



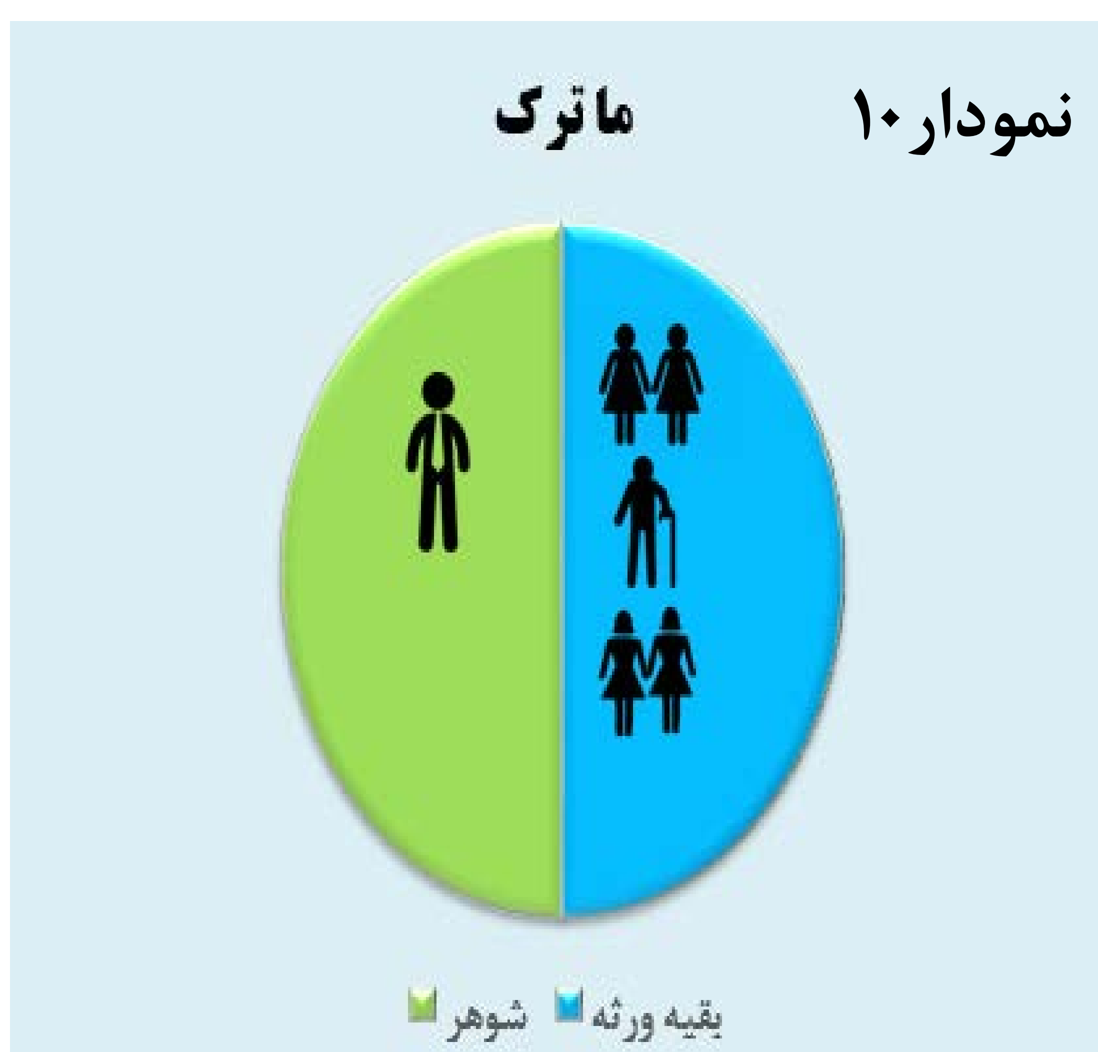
در نمودار ۸ وقتی شوهر نیمه خود را بر می دارد، الباقی به نسبت دو به یک بین خواهر ابوینی و خواهر امی تقسیم می شود. به اینصورت

که خواهر ابوینی دو برابر خواهر امی سهم می برد. در نمودار ۹ وقتی نیمه ماترک بابت دین می رود، الباقی بین خواهرها تقسیم می شود با این تفاوت که این بار خواهر ابوینی پنج برابر خواهر امی سهم می برد! یعنی چه اتفاقی افتاده؟! بمب منفجر شده که اینگونه شالوده های منطقی قانون ارث را متلاشی ساخته است؟!

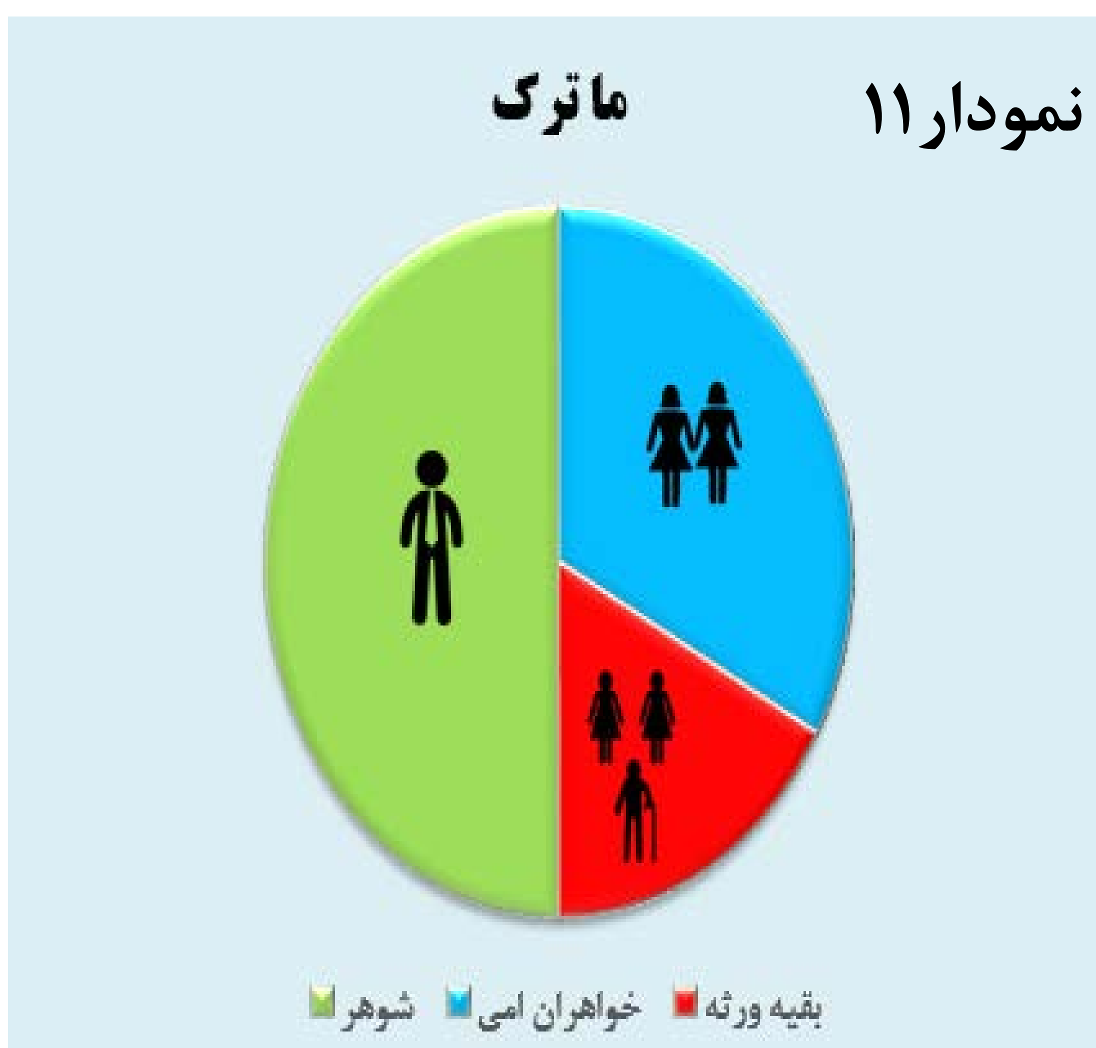
و اما در قانون ارث شیعی با وجود پدر نیز کلاله ارث نمی برند در حالیکه تنها شرط قرآن برای ارث نبردن کلاله، این است که متوفی فرزند داشته باشد. چرا در اینجا با وجود پدر، سهم کلاله بلوکه می شود؟ چون در این قانون، چنانچه متوفی فرزندی نداشته باشد سهم پدر مجهول فرض شده و همانگونه که گفته شد، در فقه شیعی کمبود ما ترک همواره به سهم خواهران ابوینی وارد میشود، به این ترتیب که سایر ورثه سهم خود را از اصل ماترک برمیدارند و آنچه باقی می ماند، کم یا زیاد، به خواهران ابوینی میرسد و این یعنی سهم خواهران ابوینی، علی رغم اینکه در قرآن به صراحت مشخص شده، از روی ناچاری مجهول در نظر گرفته می شود حال اگر در این بین پدر را نیز جزء ورثه قرار دهیم، با توجه به این که سهم او نیز مجهول فرض شده، در نتیجه یک معادله خواهیم داشت با دو مجهول و همانگونه که می دانید چنین معادله غیر قابل حل خواهد بود. درست به همین دلیل و از روی ناچاری، در قانون

ارث، با حضور پدر، سهم کلاله بلوکه میشود. ناگفته نماند در این قانون سهم برادران ابی یا ابوینی نیز مجهول فرض گردیده که اگر با وجود پدر، سهم آنها بلوکه نشود، ما را با یک معادله و دو مجهول مواجه خواهد ساخت.

بیایید برای روشن شدن اینکه چرا سهم کلاله را با حضور پدر بلوکه می کنند، یک مسئله ریاضی حل کنیم: کل ارثیه زنی می بایست بین پدر، دو خواهر امی، دو خواهر ابوینی و شوهر او تقسیم شود. طبق قانون شیعه، زوج یا زوجه سهم خود را از کل دارایی بر می دارند و کنار می روند، در اینجا سهم شوهر نیمی از ترکه همسرش می شود که در نمودار ۱۰ با رنگ سبز مشخص شده و آنچه باقی می ماند باید بین دو خواهر امی، دو خواهر ابوینی و پدر تقسیم شود.

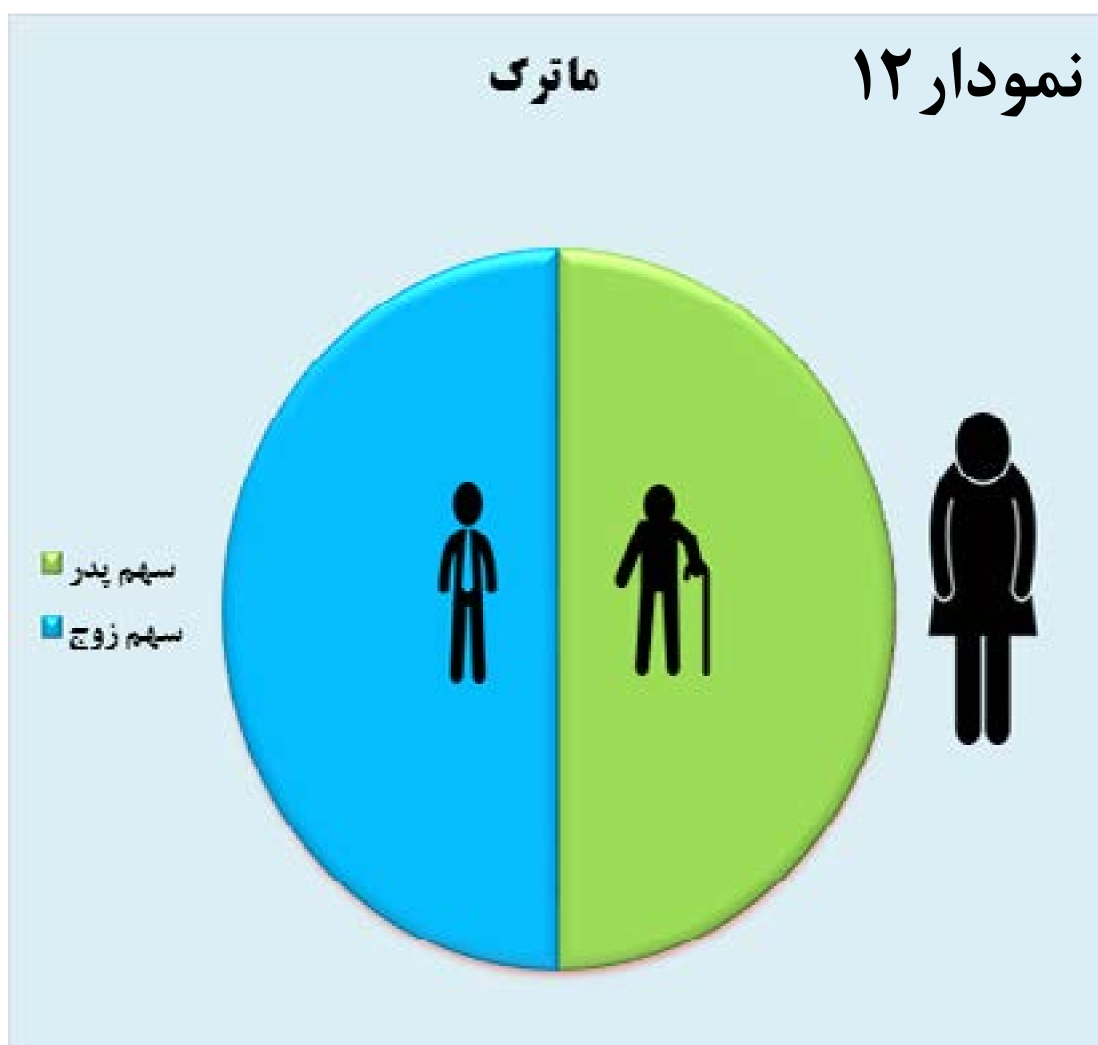


اگر خواهران ابوینی سهم خود را اول بر دارند، نتنها سهمشان را کامل دریافت نمی کنند، بلکه دیگر نه چیزی برای پدر باقی می ماند و نه خواهران امی، بنابراین چاره ای جز این نداریم که خواهران امی نیز سهم خود را که ۱/۳ ترکه می شود بردارند. حالا از کل ترکه فقط ۱/٦ باقی مانده که باید بین پدر و دو خواهر ابوینی تقسیم شود(نمودار ۱۱) اگر در اینجا پدر وجود نداشت، باقیمانده را می دادیم به خواهران ابوینی و می گفتیم دو سوم بی دوسوم، همینه که هست، هرچی باقی مانده مال شماست خواستید ببرید نخواستید نبرید. ولی با وجود پدر دیگر نمی توان این کار را انجام.



قدیمی ترها روشون نمی شد حتی پاهاشونو در حضور پدرها دراز کنند، حالا چه معنی داره دختری

در حضور پدر ارث ببره؟! ارث بی ارث، هرچی باقیمونده مال پدره، بابا جون نصف باقیمونده کلاً مال تو ، نوش جونت!



بدین ترتیب در قانون ارث شیعی، وقتی پدر یا مادر در قید حیات هستند، برادر خواهر متوفی کلاً ارثی دریافت نمی کنند و سهمشان به اصطلاح بلوکه می شود. و این کار اگر چه به توصیه روایات انجام می شود، ولی در اصل به دلیل همان گره کوری است که خدمتتان عرض کردم.

بعنوان آخرین مثال: فرض کنید ورثه متوفی(مرد و زنش فرق نمی کند) عبارتند از دو برادر ابوینی و دو برادر ابی، از آنجا که در قانون ارث شیعی و سنی، سهم برادران ابی و ابوینی مجهول فرض شده، در نتیجه با یک معادله و دو مجهول مواجهیم که نمی

توان آن را حل کرد. به همین دلیل فقهای هر دو فرقه در حضور برادران ابوینی، تصمیم به حذف سهم برادران یا خواهران ابی گرفته اند، به همین راحتی! پس هر جا با فتوایی مواجه شدید که سهمی را حذف می کند بدانید از روی تدبیر و تفقه نیست بلکه از روی درماندگی و نا چاری می باشد. بیچاره کسانی که به دلیل عدم تدبیر و تفکر حکام دینی و پیروی نکردن آنها از کتاب خدا، حقوقشان ضایع می شود و صدایشان به جایی نمی رسد.

تقسیم ارث کلاله مطابق فقه سنی

در قانون شیعه، با توجه به اینکه در حضور والدین سهم کلاله بلوکه می شود و سهم خواهران و برادران ابوینی در همه حالات مجهول فرض می شود، در نتیجه وضعیت ها و حالاتی که در آنها برادر و خواهر متوفی(کلاله) ارث می برند، محدود می باشند. اما در قانون ارث سنی دامنه ارث کلاله گسترده تر است چرا که در اینجا سهم کلاله با وجود مادر بلوکه نمی شود و سهم خواهران ابوینی نیز در همه حالات مشخص و مفروض است.خوشبختانه نرم افزارها و جداول تقسیم ارث، چه مربوط به فقه سنی

یافت می شوند و دوستانی که علاقه مند به مطالعه و تحقیق در زمینه ارث هستند، می توانند به آنها رجوع کنند.

پیشاپیش عرضٍ می کنم در فقه سنی نیز، قانون ارث کلا هردمبیل و باری به هر جهت است. هر جا به مشکلی بر می خورند، از خودشان قاعده و قانون می سازند و اقدام به ماست مالی می کنند. اما سر انجام این قواعد و قوانین الکی و آبکی آنچنان گیرشان می اندازد که دیگر نه راه پیش دارند و نه راه پس، نه می توانند راهی بیابند و نه قادرند راهی بسازند.

به عنوان مثال، فرض می کنیم زنی فوت کرده و ورثه او عبارتند از: شوهر، مادر، دو برادر امی و دو برادر ابوینی. در اینجا سهم شوهر ۱/۲، مادر ۱/۶ و سهم برادران امی ۱/۳ می باشد، سهم برادران ابوینی نیز مجهول در نظر گرفته می شود. بر اساس قاعده موجود در قانون سنی، سهم زوجین همواره از کل ما ترک کسر می شود مگر اینکه مجموع سهام از یک بالاتر باشد که در این حالت بر اساس قاعده عول، هر یک از ورثه به نسبت سهم خود ارث می برند. در مثال فوق، اگرچه سهم برادران ابوینی مجهول در نظر گرفته شده،

ولی به هر حال باعث می شود مجموع سهام از یک بالاتر بزند. با این وجود نمی توان بر اساس قاعده عول عمل کرد چون نسبت سهم برادران ابوینی مشخص نیست. پس چاره ای جز این نداریم که خلاف قاعده عمل کرده و ابتدا سهم شوهر را از کل ماترک کم کنیم. همچنین مجبوریم سهم مادر و برادران امی را نیز از کل ارثیه برداریم و به آنها بدهیم و باقیمانده را برای برادران ابوینی بگذاریم. از آنجا که مجموع ۱/۲ و ۱/۶ و ۱/۳ برابر با یک می شود، سهمی برای برادران ابوینی باقی نمی ماند! اینجاست که علمای اهل سنت برای برون رفت از این بن بست، به قاعده دیگری اعتصام می کنند که می گوید: سهم برادران ابوینی نباید کمتر از برادران امی باشد و باید بطور مساوی سهم ببرند بنابر این در اینجا نیمی از سهم برادران امی به برادران ابوینی اختصاص می یابد و به همین راحتی مشکل بر طرف می شود! جدول زیر، جواب مسئله فوق در یکی از نرم افزارهای محاسبات ارث آنلاین می باشد، بطوری که در شکل دیده می شود، از بالا به پایین، شوهر ۱/۲ ، مادر ۱/۶، برادران ابوینی ۱/۶ و برادران امی نیز ۱/۶ سهم می برند.

Relative Category	Share Fraction	Share Percentage
Husband	1/2	50%
Mother	1/6	16.67%
FullBrother	1/6	16.67%
MaternalBrother	1/6	16.67%

حالا فرض کنید متوفی علاوه بر مادر، شوهر، دو برادر ابوینی و دو برادر امی، دو خواهر ابوینی هم داشته باشد ، در اینصورت می بایست سهمی نیز به این دو خواهر اختصاص یابد، اما از کجا؟ وقتی کف دست مو ندارد بیا بکن! جدول زیر، جواب نرم افزار محاسبات ارث به مسئله اخیر می باشد. همانگونه که در شکل مشخص گردیده، هیچ ارثی به دو خواهر ابوینی اختصاص نیافته است!

Relative Category	Share Fraction	Share Percentage
Husband	1/2	50%
Mother	1/6	16.67%
FullBrother	1/6	16.67%
FullSister	0/6	0%
MaternalBrother	1/6	16.67%

اجازه دهید یک مسئله دیگر حل کنیم و این مبحث را خاتمه دهیم: حالتی را فرض کنید که متوفی، علاوه بر پدر، چند برادر ابوینی نیز دارد. جدول زیر، جواب نرم افزار به این مسئله می باشد:

Relative Category	Share Fraction	Share Percentage
Father	1/1	100%
FullBrother	0/1	0%

همانگونه که ملاحظه می کنید، کل ترکه نصیب پدر شده و چیزی به برادرها تعلق نگرفته، چرا؟ چون بر اساس قاعده موجود، سهم کلاله در حضور پدر بلوکه می شود. چرا این قاعده وضع گردیده؟ بخاطر اینکه در اینجا هم سهم پدر مجهول فرض شده و هم سهم برادرها، یعنی یک معادله داریم با دو مجهول و همانگونه که می دانید، یک چنین معادله ای از نظر ریاضی قابل حل نیست.

متاسفانه چه در فقه شیعی و چه سنی، قوانین و قواعد تقسیم ارث از پیش تعیین شده نیستند و یک دستورالعمل اصولی که پیشاپیش مسیر حرکت را مشخص کند وجود ندارد، بلکه این موانع هستند که قواعد

و دستورالعمل ها را تعریف می کنند. همین حرکت کورکورانه و بی برنامه نهایتاً آنها را به جایی می برد که دیگر قادر نیستند قدم از قدم بردارند، مثل همین مسئله ای که اخیراً مطرح شد. یا مانند مفاد آیه ۱۷۶ سوره نساء که در قانون ارث شیعی بطور کامل اضافه آمده و بلا استفاده مانده است.

این اشتباهات و بن بستهایی که در مسیر حل مسائل ارث پیش می آیند، همه به دلیل اشتباه بودن مسیری است که علمای هر دو فرقه برای حل مسئله ارث در پی می گیرند. اگر آنها چشم و گوششان را بر روی سخن غیر خدا می بستند، و فقط از راهی که قرآن برایشان ترسیم کرده حرکت می کردند، به این مشکلات بر نمی خوردند و در این بن بستهای تنگ گیر نمی افتادند. آیا اهل سنت و عترت حاضر اند از مسیری که سنت و عترت برایشان ترسیم کرده به طریق قرآن برگردند؟ خیر. چون آنها اصالتِ را به سنت و عترت می دهند نه قرآن و قطعاً از آن راهی می روند که به گمانشان اصل است!

تقسیم ارث کلاله مطابق آیات قرآن

به طوری که ملاحظه کردید، اشتباهات موجود در تقسیم بندیهای ارث به روش های شیعی سنی به قدری زیاد و مشهود بودند که دیگر نیازی به راستی آزمایی آنها به وسیله کلید ارث پیدا نکردیم. اما اًگر بخواهیم مسائل مربوط به ارث، مخصوصاً در وضعیتی که کلاله جزء ورثه می باشند را بر اساس قواعد و قوانین قرآن حل نماییم و به فتوای احدی غیر از الله احتجاج نکنیم، نه مجبور می‌شویم سهم کسی را بلوکه کنیم ونه در حل معادلات با سهام مجهول مواجه خواهیم شد. نه هرگز سهمی اضافه می آید و نه کم و همگی تمام وٍ کمال به حق و حقوق خود می رسند. حقیقتاً ریاضیاتی که در تبیین مسئله ارث بکار رفته بسیار ساده و قابل دركٍ است، منتهی برای کسانی که ملاک را صرفاً بر آیات و دستورالعمل هایی که خداوند تبیین نموده قرار می دهند و با پیروی از حرف و حدیث غیر خدا، ره گم نمی کنند و به بیراهه نمی زنند.

همانگونه که گفته شد، کلاله زمانی ارث می برند که میت فرزندی ندارد ولی ممکن است والدین یا زوجین حضور داشته باشند.

در این حالت، پدر متوفی به نسبت ۱/۶ مما ترک سهم می برد و زوج و زوجه نیز به ترتیب ۱/۲ ماترک و ۱/۴ مماترک را دریافت می کنند. در نبود اولاد، سهم مادر متوفی بستگی به تعداد برادر خواهر میت دارد؛ می فرماید اگر میت اخوه داشته باشد، مادر مانند پدر به نسبت ۱/۶ مماترک سهم می برد و در غیر اینصورت سهم او ۱/۳ خواهد بود. حال باید ببینیم معیار اخوه چیست.

در فقه سنی، معیار اخوه حد اقل دو برادر یا دو خواهر یا یک برادر و خواهر است. در فقه شیعی لااقل دو برادر، یا یک برادر با دو خواهر، یا چهار خواهر معیار اخوه بحساب می آید. حالا باید ببینیم معیار اخوه در قرآن به چیست:

در آیه ۱۷۶ نساء آمده:

فَإِنْ كَانَتَا اثْنَتَيْنِ فَلَهُمَا الثُّلُثَانِ مِمَّا تَرَكَ وَإِنْ كَانُوا إِخْوَةً رِجَالًا وَنِسَاءً فَلِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ

پس اگر خواهرها دوتا بودند، سهمشان ۲/۳ مما ترک است و چنانچه اخوتی متشکل از زنان و مردان بودند، سهم هر مرد معادل سهم دو ماده خواهد بود.

همانگونه که ملاحظه می فرمایید، در این آیه تا دو خواهر اخوه به حساب نمی آید و این یعنی حد اقل معیار اخوه در قرآن سه خواهر است. از آنجا

که در وضعیت اخوه، نسبت سهم برادر به خواهر دو به یک می شود، در نتیجه سه خواهر معادل یک برادر و یک خواهر است. بنابراین معیار اخوه در قرآن، لا اقل سه خواهر یا یک برادر و خواهر است که همگی با هم در ۲/۳ مما ترک شریک هستند. از اینجا مشخص می شود سهم مادر با وجود یک برادر، یک خواهر و دو خواهر ۱/۳ است و در وضعیتی که متوفی بیش از دو خواهر یا لا اقل یک برادر و خواهر دارد، به ۱/٦ تقلیل می یابد. سهم کلاله در حضور پدر یا مادر، به اینصورت است که تک خواهر یا تک برادر ۱/۲ ما ترک سهم می برند، دو خواهر به نسبت ۲/۳ مما ترک و بیش از دو خواهر یا یک برادر و خواهر، ۲/۳ را به نسبت دو به یک می برند. در شرایطی که ورثه منحصر به زوجه و کلاله باشد، سهم کلاله به اینصورت است که تک خواهر و تک برادر هر یک ۱/٦ دریافت می کنند و اگر یک خواهر و یک برادر باشند مجموعاً ۱/۳ می برند و چنانچه از این تعداد بیشتر باشند همگی به نسبت یک به یک در ۱/۳ شریک هستند.

با توجه به اینکه سهام کلاله بسته به وجود یا عدم وجود والدین فرق می کند، اجازه دهید عملیات تقسیم ارث را از حالتی شروع کنیم که پدر یا مادر حضور دارند. از آنجا که برادر خواهر متوفی در حالت انفرادی سهام یکسان دارند و در حالت اجتماع نیز به

نسبت دو به یک یا یک به یک سهم می برند، در اینجا از شیوه قرآن پیروی کرده و سهم برادر را، با توجه به نسبت موجود، بدست می آوریم. در حالت اجتماع، وقتی نسبت سهم برادر به خواهر دو به یک است، طبیعی است دو خواهر معادل یک برادر ارث می برند، بنابراین وقتی سه خواهر ۲/۳ می برند، برادر و خواهر نیز ۲/۳ ارث خواهند برد. اجازه دهید این را با شکل نشان دهیم:

متاسفانه این مسئله ساده و ابتدایی، در فقه شیعه و سنی تفقه نشده و تصور براین است که خداوند فقط سهم الارث خواهران را مشخص کرده و سهم برادران را مجهول گذاشته، در حالی که با معلوم بودن سهم خواهرها و مشخص بودن تناسبی که با سهم برادرها دارند، خیلی راحت می توان سهم برادران را نیز بدست آورد.

فهرست

اجازه دهید عملیات تقسیم ارث را از وضعیتی شروع کنیم که کلاله متوفی سه خواهر به بالا هستند این وضعیت در جدول ۹ نمایش داده شده است:

جدول۹

ردیف	کلاله	پدر	مادر	زوجه
۱	۸/۱۵	۲/۱۵	۲/۱۵	۳/۱۵
۲	۸/۱۳		۲/۱۳	۳/۱۳
۳	۸/۱۳	۲/۱۳		۳/۱۳
۴	۴/۶	۱/۶	۱/۶	
۵	۴/۵	۱/۵		
۶	۴/۵		۱/۵	

در این وضعیت، سهم خواهرها ۲/۳ مما ترک و سهم پدر، مادر و زوجه نیز بترتیب ۱/٦ و ۱/٦ و ۱/٤ مما ترک است. با توجه به اینکه هیچ سهمی پسوند ما ترک ندارد، ارثیه به دو یا سه قسمت تقسیم نمی شود و ورثه با نسبتهای تعیین شده سهم خود را از کل ما ترک بر می دارند. اجازه دهید ببینیم اعداد ردیف ۱ چگونه بدست آمده اند:

نسبت سهم مادر = $\frac{۱}{۶} \times \frac{۲}{۲} = \frac{۲}{۱۲}$

نسبت سهم پدر = $\frac{۱}{۶} \times \frac{۲}{۲} = \frac{۲}{۱۲}$

نسبت سهم زوجه = $\frac{۱}{۴} \times \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۱۲}$

نسبت سهم کلاله = $\frac{۲}{۳} \times \frac{۴}{۴} = \frac{۸}{۱۲}$

از عملیات فوق، نسبت سهم کلاله به زوجه به پدر به مادر بدست می آید که برابر با ۸:۳:۲:۲ می باشد. با توجه به اینکه جمع ۸ و ۳ و ۲ و ۲ می شود ۱۵، در نتیجه هشت قسمت از پانزده قسمت یعنی ۸/۱۵ به کلاله می رسد و زوجه و پدر و مادر نیز بترتیب ۳/۱۵ و ۲/۱۵ و ۲/۱۵ دریافت می کنند که مجموعاً می شود ۱۵/۱۵. همانگونه که ملاحظه می کنید، نه سهمی اضافه آمد و نه کم، نه مجبور شدیم سهمی را حذف کنیم و نه سهمی را بلوکه کنیم. مسئله ای که با اجرای کامل دستور العملهای قرآن به همین راحتی حل شد، درفقه شیعه و سنی لاینحل باقی مانده و به آنچنان گره کوری تبدیل شده که اگر پدر مادر ریاضی هم بیایند قادر به باز کردن این گره و حل مسئله نخواهند بود.

اینجاست که علما دست به دامان روایات می شوند و به نفع عده ای از ورثه، عده ای دیگر را قلع و قمع می کنند و از ارث محروم می سازند تا نقایص و کاستی های موجود در قوانین ارث هر دو فرقه را لاپوشانی نمایند. آنها بدون اینکه اشاره ای به نقایص و نقایض موجود در ساختارهای ریاضی مسائل ارث نمایند، با استناد به همین روایات، با عناوینی قلمبه سلمبه نظیر: حجب به وصف، حجب با شخص، حجب نقصان، حجب حرمان، و چه و چه و چه، هزار قاعده و قانون به اصطلاح شرعی می تراشند و مردم را ملزم می کنند به آنها عمل نمایند.

در قانون ارث، وقتی متوفی فرزندی ندارد، سهم پدر و برادران او مجهول فرض شده و این یعنی در اینجا یک معادله با دو مجهول داریم و چون چنین معادله ای را نمی توان حل کرد، چاره ای نیست جز حذف یکی از مجهولها، این قاعده اصلی قانون ارث فریقین است:هر گاه مسئله ای قابل حل نباشد باید صورت مسئله پاک شود! ممکن است نتوان مسئله ارث کلاله را حل کرد، اما می توان آنها را حذف کرد، بسپارش به سنت و عترت تا این کار را برایت انجام دهند.

حالا به سراغ ردیف ۲ می رویم، جایی که پدر نیست اما مادر، زوجه و کلاله هستند. در قانون ارث شیعی با وجود پدر یا مادر، کلاله از ارث محروم می شوند اما در فقه سنی

با وجود مادر، کلاله سهم خود را می برند.
در قانون ارث سنی، مسئله ردیف ۲ به دو صورت حل می شود. نظر به اینکه در حالت اخوه، برادر و خواهر به نسبت دو به یک سهم می برند و بر اساس آیه ۱۷۶ نساء، بالای دو خواهر جزء اخوه حساب می شود، در نتیجه سه خواهر معادل یک برادر و یک خواهر نیز می شود:

اگر بجای سه خواهر، یک برادر و خواهر را جایگزین کنیم، چون از نظر سنت سهم برادر یا برادر و خواهر مجهول است، باید سهم مادر و زوجه را از ترکه کسر کنیم و باقیمانده را به برادر و خواهر بدهیم. در اینصورت ۱/٤ یا ۳/۱۲ می شود سهم زوجه، ۱/٦ یا ۲/۱۲ را نیز مادر می برد و باقیمانده که ۷/۱۲ است به کلاله می رسد. و چنانچه همان سه خواهر را لحاظ کنیم، با توجه به اینکه مجموع ۲/۳(سهم کلاله) و ۱/٦ (سهم مادر) و ۱/٤(سهم زوجه) از یک

بالاتر می رود، در اینصورت اهل سنت ترکه را به نسبت سهام بین ورثه تقسیم می کنند و این رویه قرآن نیز هست. برای اینکار ابتدا مضرب مشترک ٦ و ٤ و ٣ را بدست می آوریم که می شود ١٢، حالا اعدا ١/٦ و ٢/٣ و ١/٤ را هم مخرج می کنیم:

$$\frac{۲}{۱۲} = \frac{۲}{۲} \times \frac{۱}{۶} = \text{نسبت سهم مادر}$$

$$\frac{۳}{۱۲} = \frac{۳}{۳} \times \frac{۱}{۴} = \text{نسبت سهم زوجه}$$

$$\frac{۸}{۱۲} = \frac{۴}{۴} \times \frac{۲}{۳} = \text{نسبت سهم کلاله}$$

این یعنی ٢ سهم از دوازده سهم نصیب مادر می شود، ٣ سهم نصیب زوجه و ٨ سهم نیز به کلاله می رسد. یعنی نسبت سهم کلاله به زوجه به مادر می شود ٨:٣:٢ حال با توجه به اینکه مجموع این سه سهم می شود ١٣، لذا سهم مادر می شود ٢/١٣ سهم زوجه ٣/١٣ و ٨/١٣ نیز نصیب کلاله می شود بدون اینکه سهمی کم یا اضافه بیاید.

این از کجا در آمد؟!

وقتی بنایی تخریب می شود یا در گذر ایام تغییر شکل پیدا می کند، گاهی پیش

می آید آثاری از بنای قدیمی در آن به چشم می خورد، مانند خیابان لاله زار یا ساختمان بانک تجارت که با وجود تغییر شکل پیدا کردن میدان توپخانه ، از قدیم الایام همچنان پا برجا هستند. در میان آموزه ها و باورهای اهل سنت و عترت، مواردی یافت می شوند که آثاری ،هر چند جزئی و کم رنگ، از دوره رسول الله ﷺ در آنها به چشم می خورد. شیعه و سنی غالباً با اعداد ششگانه ارث بصورت عدد کسری رفتار می کنند اما گاهی نیز آنها را به شکل نسبتهای کسری می بینند، مانند همین مسئله اخیر. این از قبیل همان آثار کمرنگی است که خدمتتان عرض کردم و نشان می دهد ادعای بنده در مورد اینکه اعداد ارث نسبتهای کسری هستند، ادعای عجیب و غریبی نیست و پیشینه تاریخی دارد.



در جدول ۹، اعداد ۲/۳، ۱/۴ و ۱/۶ کلید ارث هستند، هر ویژگی که این اعدا نسبت به یکدیگر دارند می بایست در اعداد متناسب آنها در جدول نیز وجود داشته باشد در غیر اینصورت مسئله غلط حل شده است. شما می توانید خودتان این را آزمایش کنید تا ببینید اعداد جدول با کلید همخوانی دارند یا خیر.

حالا وضعیتی را در نظر می گیریم که باز پدر یا مادر متوفی وجود دارند ولی کلاله او بجای سه خواهر، دو خواهر می باشند. این وضعیت در جدول ۱۰ نشان داده شده است:

جدول ۱۰

ردیف	کلاله	پدر	مادر	زوجه
۱	۸/۱۷	۲/۱۷	۴/۱۷	۳/۱۷
۲	۸/۱۵		۴/۱۵	۳/۱۵
۳	۸/۱۳	۲/۱۳		۳/۱۳
۴	۴/۷	۱/۷	۲/۷	
۵	۴/۵	۱/۵		
۶	۴/۶		۲/۶	

تنها چیزی که در این جدول، در مقایسه با جدول ۹ تغییر کرده، نسبت سهم مادر است که از ۱/٦ به

۱/۳ افزایش یافته و علتش این است که بر اساس آیه ۱۱، مادر در غیاب اولاد ۱/۳ می برد مگر اینکه متوفی اخوه داشته باشد که در اینصورت به ۱/٦ تقلیل می یابد و بر اساس آیه ۱۷٦، معیار اخوه وجود بیش از دو خواهر است. ضمناً ما در اینجا مجاز نیستیم دو خواهر را معادل با یک برادر بدانیم چون نسبت دو به یک زمانی بر قرار است که شرایط اخوه برقرار باشد. از طرفی خداوند در آیه ۱۷٦، سهم یک برادر یا یک خواهر را ۱/۲ ما ترک تعیین فرموده اند.

در این جدول، کلید ارث عبارت است ازاعداد: ۲/۳ ۱/۳، ۱/٤ و ۱/٦. هر ویژگی که این اعدا نسبت به یکدیگر دارند می بایست در اعداد متناسب آنها در جدول نیز وجود داشته باشد در غیر اینصورت مسئله غلط حل شده است.

بیایید اعداد جدول را با کلید ارث امتحان کنیم:

$\frac{۲}{۱۲} = \frac{۲}{۲} \times \frac{۱}{۶} =$ نسبت سهم پدر

$\frac{۳}{۱۲} = \frac{۳}{۳} \times \frac{۱}{۴} =$ نسبت سهم زوجه

$\frac{۴}{۱۲} = \frac{۴}{۴} \times \frac{۱}{۳} =$ نسبت سهم مادر

$\frac{۸}{۱۲} = \frac{۴}{۴} \times \frac{۲}{۳} =$ نسبت سهم کلاله

بنابراین نسبت سهم کلاله به مادر به زوجه به پدر می شود ۸:٤:۳:۲ این نسبتها باید در تمام اعداد

فهرست

جدول رعایت شده باشند. با یک نگاه سطحی به جدول خواهید دید این نسبتها در همه ردیفها و ستونهای جدول رعایت شده اند. بعنوان مثال اگر سهم مادر را بصورت ستونی جمع بزنیم با توجه به اینکه نسبت سهم کلاله به مادر دو به یک است، چنانچه آن را در دو ضرب کنیم باید با جمع ستونی سهم کلاله برابر شود. در اینجا جمع ستونی سهم مادر می شود ۱۲، جمع ستونی سهم کلاله، در حضور مادر، می شود ٢٤ که دو برابر سهم مادر است.

جدول ۱۱ وضعیتی را نشان می دهد که کلاله متوفی تنها خواهر اوست که البته می تواند تنها برادر او نیز باشد چون در این حالت نسبت سهم برادر به خواهر یک به یک است. بر اساس آیه ۱۷٦ یک خواهر یا یک برادر هر کدام ۱/۲ ما ترک می برند. لذا در اینجا ترکه به دو بخش مساوی تقسیم می شود، بخشی مال خواهر یا برادر و بخش دیگر نیز به سایر ورثه تعلق می گیرد که به نسبت سهم، بینشان تقسیم می شود.

نحوه تقسیم ارث در جدول ۱۱ اندکی با ۱۰ و ۹ فرق دارد، در آنجا همگی به نسبت سهم خود در کل ترکه شریک بودند و در تمام حالات، نسبتها حفظ می شدند. اما در اینجا، نسبتها فقط در آن بخشی حفظ می شود که سایر ورثه از آن ارث می برند.

جدول ۱۱

ردیف	کلاله	پدر	مادر	زوجه
۱	۹/۱۸	۲/۱۸	۴/۱۸	۳/۱۸
۲	۷/۱۴		۴/۱۴	۳/۱۴
۳	۵/۱۰	۲/۱۰		۳/۱۰
۴	۳/۶	۱/۶	۲/۶	
۵	۱/۲	۱/۲		
۶	۱/۲		۱/۲	

بعنوان مثال: در ردیف ۶ نسبت سهم کلاله به مادر یک به یک است. در ردیف ۵ نیز نسبت سهم کلاله به پدر یک به یک است این یعنی در ردیف ۴ می بایست نسبت سهم کلاله به پدر به مادر یک به یک به یک باشد اما همانگونه که می بینید سه به یک به دو شده، چرا؟ چون در ردیف ۶، وقتی کلاله سهم خود را بر می دارد، از آنجا که در بخش باقی مانده کسی جز مادر وجود ندارد، نسبتی هم در کار نخواهد بود و تمام نیمه باقیمانده به مادر می رسد. در مورد ردیف ۵ نیز به همین صورت است، ولی در ردیف ۴ در نیمه باقیمانده علاوه بر مادر، پدر نیز هست و

فهرست

نسبت دو به یک برقرار است. در ردیفهای ۱ و ۲ و ۳ نیز وقتی کلاله نیمه خود را بر می دارد، باقیمانده به نسبت سهم، بین بقیه ورثه تقسیم می شود.

در ماده ۹۳۸ قانون مدنی آمده که هر یک از زوجین یا متقربین به مادر نصیب خود را از اصل ترکه می برند و باقی ترکه مال متقرب به پدر است. خلاصه در احکام فقهی هر دو فرقه از این اصل و باقی زیاد استفاده می شود، این یعنی چه؟ همانگونه که گفته شد، وقتی بنایی تخریب می شود یا در گذر ایام تغییر شکل پیدا می کند و به بنایی جدید تبدیل می شود، گاهی آثاری از بنای قدیمی در آن دیده می شود، این اصل و باقی در واقع همان ما ترک و مما ترکی است که در قرآن آمده ولی در خارج قرآن کم کم به فراموشی سپرده شده و به شکلی جدید در آمده است. به عنوان مثال، خاطر نشان می کنم در حالتی که پدر و مادر و یکی از زوجین تنها ورثه متوفی هستند، بنا بر فتوایی که اهل سنت آن را به عمر منسوب می کنند، هر یک از زوجین سهم خود را از اصل مال بر می دارند و باقی به نسبت دو به یک بین پدر و مادر تقسیم می شود.

فهرست

شبیه اٍین رویه در فقه شیعی نیز دیده می شود، مثلا فرض کنید ورثه متوفی عبارتند از: والدین، زوجه و تنها دختر او، در این حالت زوجه سهم خود را از اصل مال بر می دارد و باقی به نسبت سهم بین بقیه ورثه تقسیم می شود. بنابر این اگرچه اهل سنت و عترت به قضیه ما ترک و مما ترک در قرآن حساس نبوده و اهمیت نداده اند، ولی آن را در سنتٍ و عترت به شکلی دیگر پیاده کرِده اند. مثلاً در سنت و عترت، زوجین غالبا از ما ترک سهم می برند در صورتی که در قرآن، این اولاد هستند که همواره از ما ترک(اصل مال) ارث می برند و اگر وجود نداشته باشند، زوج یا تنها خواهر متوفی هستند که نصیب خود را از اصل مال بر می دارند.

اگر خاطرتان باشد، تا اینجا سه وضعیت را مورد بررسی قرار دادیم که متوفی زوج بوده و پدر یا مادر همراه با کلاله جزء ورثه هستند. حالا می خواهیم همین سه وضعیت را در حالتی که متوفی زوجه می باشد مورد بررسی قرار دهیم.

جدول ۱۲

ردیف	کلاله	پدر	مادر	زوج
۱	۴/۱۲	۱/۱۲	۱/۱۲	۶/۱۲
۲	۴/۱۰		۱/۱۰	۵/۱۰
۳	۴/۱۰	۱/۱۰		۵/۱۰
۴	۴/۶	۱/۶	۱/۶	
۵	۴/۵	۱/۵		
۶	۴/۵		۱/۵	
۷	۱/۲			۱/۲

ردیفهای ٤، ٥ و ٦ جدول ۱۲ با جدول ۹ یکی هستند، در اینجا یک ردیف اضافه شده که در جدول ۹ نبود(چون قصد دارم بطور مجزا به آن بپردازم) تفاوتی که جدول ۱۲ با جدول ۹ دارد این است در آنجا کسی از ما ترک سهم نمی برد و ترکه به نسبت سهام ورثه تقسیم می شد ولی در اینجا شوهر ۱/۲ ما ترک یا اصل مال را بر می دارد و باقی به نسبت سهام بین ورثه تقسیم می شود. مثلاً در ردیف ۱ وقتی شوهر نصف مال را بر می دارد بقیه به همان نسبت چهار به یک به یک جدول ۹، بین کلاله و والدین تقسیم می شود. در ردیف هفت وقتی شوهر سهم خود را بر می دارد، چون بجز کلاله وارث دیگری وجود ندارد، باقی نیز نصیب کلاله می شود. تفاوت جدول ۱۳ با جدول ۱۰ نیز به همین ترتیب است

جدول ۱۳

ردیف	کلاله	پدر	مادر	زوج
۱	۴/۱۴	۱/۱۴	۲/۱۴	۷/۱۴
۲	۲/۶		۱/۶	۳/۶
۳	۴/۱۰	۱/۱۰		۵/۱۰
۴	۴/۷	۱/۷	۲/۷	
۵	۴/۵	۱/۵		
۶	۲/۳		۱/۳	
۷	۱/۲			۱/۲

در جدول ١٤ با توجه به اینکه هم سهم شوهر برچسب ما ترک دارد و هم سهم کلاله، اندکی تفاوت بیشتر است که ذیلاً به بررسی آن می پردازیم:

جدول ١٤

ردیف	کلاله	پدر	مادر	زوج
۱	۳/۱۲	۲/۱۲	۴/۱۲	۳/۱۲
۲	۱/۴		۲/۴	۱/۴
۳	۱/۴	۱/۴		۱/۴
۴	۳/۶	۱/۶	۲/۶	
۵	۱/۲	۱/۲		
۶	۱/۲		۱/۲	
۷	۱/۲			۱/۲

اینکه ۱/۲ ما ترک را شوهر می برد و کلاله نیز ۱/۲، بدان معنا نیست که کل ترکه نصیب این دو شده و پدر مادر از ارث محروم می شوند، بلکه اینگونه است که شوهر و کلاله ۱/۲ اصل ترکه را به نسبت یک به یک می برند. باقی ترکه نیز، اگر مادر و پدر هر دو حضور داشته باشند، به نسبت دو به یک بینشان تقسیم می شود ولی اگر فقط یکی از آنها حضور داشته باشد تمام ترکه را می برد چون همانگونه که گفته شد، سهام ششگانه نسبتهای کسری هستند و زمانی که طرف دیگر نسبت وجود نداشته باشد اصل یا باقی ترکه به وارث منحصر می رسد.

تا اینجا شش وضعیت را مورد بررسی قرار دادیم که در تمام آنها، پدر مادر در کنار کلاله حضور داشتند، فقط دو وضعیت باقی می ماند که پدر مادر با کلاله نیستند ولی زوجه هست. من می بایست این سه وضعیت را در جداول ۹ و ۱۰ و ۱۱ جا می دادم ولی چون می خواستم تناسب بطور کامل برقرار باشد ردیف ۷ را حذف کردم تا بعداً بطور مجزا درباره اش صحبت کنم و حالا قصد دارم همین کار را بکنم. در وضعیتی که ورثه عبارتند از یک خواهر یا یک برادر بعلاوه زوجه، با توجه به اینکه در آیه ۱۲ سهم هریک از خواهر و برادر ۱/۶ تعیین شده و سهم زوجه نیز ۱/٤ است، چنانچه ۱/٤ را بر ۱/٦ تقسیم کنیم نسبت سهم زوجه به کلاله بدست می آید که می شود سه

به دو، این یعنی ترکه به ۵ قسمت تقسیم می شود که سه قسمت آن را زوجه می برد و دو قسمت دیگر نیز نصیب کلاله می شود. در وضعیتی که کلاله دو نفر به بالا هستند مجموعاً ۱/۳ سهم می برند که در اینصورت نسبت سهم کلاله به زوجه می شود چهار به سه، یعنی ترکه به ۷ قسمت تقسیم می شود، ۳ قسمت آن را زوجه می برد و ٤ قسمت باقی مانده به نسبت یک به یک بین کلاله تقسیم خواهد شد.

تقسیم ارث در حضور اولاد

تا اینجا دو وضعیت ارث بری ، یکی بدون حضور اولاد و کلاله، جایی که فقط پدر یا مادر یا یکی از زوجین حضور داشتند و دیگری در حضور کلاله، جایی که پدر یا مادر، یکی از زوجین و کلاله حضور داشتند. بر طبق فقه شیعی و سنی و آیات قرآن مورد بحث و بررسی قرار گرفتند. حالا می خواهیم وضعیتی را بررسی کنیم که بجای کلاله، اولاد حضور دارند. از آنجا که منابع مربوط به قانون ارث شیعی و سنی، اعم از کتابها، جداول و نرم افزارهای آنلاین و آفلاین، فراوان وجود دارند، دوستان برای کسب آگاهی بیشتر می توانند به آنها رجوع کنند. ما در این مرحله اساس کار را بر قانون ارث در قرآن قرار داده و رویه تقسیم ارث شیعی و سنی را با آن مقایسه می کنیم.

يُوصِيكُمُ اللَّهُ فِي أَوْلَادِكُمْ لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ فَإِنْ كُنَّ نِسَاءً فَوْقَ اثْنَتَيْنِ فَلَهُنَّ ثُلُثَا مَا تَرَكَ وَإِنْ كَانَتْ وَاحِدَةً فَلَهَا النِّصْفُ... [۴:۱۱]

خداوند درباره فرزندانتان به شما وصیت می کند، سهم پسر برابر است با سهم دو دختر پس اگر دخترها بیش از دو تن باشند سهمشان دو سوم ماترک خواهد بود و چنانچه یک دختر باشد یک دوم کل ارثیه به او می رسد

متاسفانه در فقه شیعی و سنی تصور بر این است که آیه فوق فقط سهم دخترها را مشخص کرده

و درباره سهم پسرها چیزی نگفته. اگر خداوند قصد داشت فقط سهم دخترها را مشخص کند جا داشت بگوید: یوصیکم الله فی بناتکم - خداوند درباره دخترانتان به شما وصیت می کند. اگر از کلمه اولاد استفاده کرده، بخاطر این است که قصد دارد سهم فرزندان ، اعم از پسر و دختر، را تعیین کند. کاری که خداوند در اینجا انجام داده، یک عمل ریاضی و جبری بسیار ساده است:

ابتدا یک رابطه ساده بین سهم پسر و دختر برقرار کرده و فرموده: سهم پسر برابر با سهم دو دختر است -لِلذَّكَرِ مِثْلُ حَظِّ الْأُنْثَيَيْنِ سپس سهم اولاد را بر حسب سهم دخترها تعیین فرموده است. چون اولاد هم می تواند دختر باشد، هم پسر و هم پسر و دختر. همانگونه که برای پدر، مادر، زوج، زوجه و برادر خواهر متوفی هر کدام سهمی مجزا تعیین شده، اولاد نیز، گذشته از اینکه دختر یا پسر باشند سهمی مجزا دارند. می فرماید اگر دخترها بیش از دو نفر بودند ۲/۳ ما ترک سهم می برند که این ۲/۳ در واقع سهم اولاد محسوب می شود. حالا اگر اولاد یک پسر و یک دختر بودند چقدر سهم می برند؟ بگذارید این را با شکل نشان دهم.

با توجه به اینکه یک پسر و دختر معادل سه دختر سهم می برند در نتیجه وقتی اولاد فقط شامل یک پسر و یک دختر باشد سهمشان ۲/۳ ما ترک خواهد بود. اگر اولاد دو پسر بودند به چه نسبتی سهم می برند؟

بنابراین وقتی اولاد دو پسر باشند، معادل چهار دختر یعنی ۲/۳ ما ترک سهم می برند و به همین ترتیب برو بالا.

فرض کنید متوفی یک پسر و دختر دارد و بخشی از ارثیه به آنها، به عنوان اولاد میت، تعلق گرفته که می بایست بین شان تقسیم شود، در فقه شیعی و سنی چگونه این تقسیم انجام می شود؟ با توجه به اینکه پسر دو برابر دختر سهم می برد، بجای یک پسر دو دختر می گذارند و تعداد دخترها را به سه می رسانند، سپس سهم الارث فرزندان را به سه قسمت مساوی تقسیم می کنند، دو قسمت را به پسر می دهند و یک قسمت نیز به دختر تعلق می گیرد. به همین سادگی! بعد می گویند خداوند سهم الارث پسرها را مشخص نکرده! اگر نکرده پس شما در اینجا بر چه اساسی توانستید سهم پسر را از دختر جدا کنید؟! اگر بجای یک پسر و یک دختر سه دختر

داشتیم آیا الارث آنها تغییر می کرد؟! حالا متوجه شدید چرا خداوند فقط سهم دخترها را مشخص کرد و پسرها را کنار گذاشت؟ بخاطر اینکه قبلش گفته بود پسر معادل دو دختر سهم می برد. یعنی اگر متوفی بجای سه دختر، یک پسر و یک دختر داشت، باز هم ۲/۳ ارثیه به آنها می رسید چون می توان بجای یک پسر دو دختر گذاشت و تعداد دخترها را به سه رساند. اگر بجای یک پسر و دختر دو پسر و دختر داشتیم آیا ۲/۳ تغییر می کرد؟ خیر چون دو پسر معادل چهار دختر می شود که مجموعاً می شوند شش دختر و خداوند مشخص فرموده اولاد بالای دو دختر ۲/۳ ارثیه را می برند.

خداوند در آیه مورد بحث، سهم اولاد بیش از دو دختر را ۲/۳ و سهم یک دختر را ۱/۲ تعیین فرموده ولی مستقیماً به سهم دو دختر اشاره نفرموده اند. از آنجا که سهم دو دختر می بایست بین سهم یک دختر و سه دختر قرار گیرد، لذا سهم اولاد، وقتی دو دختر باشند، می شود میانگین سهم یک دختر و سه دختر یعنی ۷/۱۲ ما ترک. گفتیم اعداد ۱/٤ و ۱/۳ مولد بقیه سهام ارث هستند، اگر این دو عدد را با هم جمع کنیم عدد ۷/۱۲ حاصل خواهد شد که می شود نسبت سهم دو دختر. در بعضی کتب تفسیری قدیمی مانند مجمع البیان و تبیان نیز به نصف و یک قیراط به عنوان سهم دو دختر اشاره شده است(ترجمه مجمع البیان ج۵ ص۴۶) با توجه

به اینکه در قرآن حد پایین که سهم یک دختر است نصف میشود و حد بالا که سهم سه دختر است میشود دو سوم در نتیجه حد وسط می‌شود میانگین نصف و دو سوم، یعنی هفت دوازدهم که همان نصف و یک قیراط قدماست. اگر خاطرتان باشد، در مبحث کلاله، نسبت دو به یک زمانی برقرار بود که میت اخوه داشته باشد. اما در مبحث اولاد، نسبت دو به یک از همان ابتدا برقرار است، یعنی یک برادر تک نیز معادل دو خواهر سهم می برد و چون سهم دو خواهر می شود ۷/۱۲، یک برادر نیز ۷/۱۲ می برد در صورتی که در مورد کلاله، برادر یا خواهر تک، هر کدام ۱/۲ سهم داشتند.

البته در قانون ارث شیعی و سنی سهم دو دختر، با استناد به آن چه که به سنت رسول الله نسبتش میدهند، دو سوم در نظر گرفته می شود در حالی که این عدد با آیه قرآن سازگاری ندارد چرا که پروردگار می‌فرمایند اگر دخترها بالای دو تن بودند ۲/۳ می برند و اگر یکی بود نصف می برد. در المیزان برای اثبات این که سهم دو دختر مانند سهم سه دختر، همان ۲/۳ است نوشته شده:

«وقتی نر و ماده هر دو وارث کسی باشند و سهم نر مثل سهم دو ماده باشد ارث به سه قسمت تقسیم می شود دو قسمت نصیب نر و یک قسمت نصیب ماده می شود در نتیجه سهم یک ماده یک ثلث خواهد بود و قهرا سهم دو ماده دو ثلث می شود(ترجمه

المیزان ج۴ ص۳۲۹)»

در اینجا باید پرسید: وقتی یک نر و دو ماده وارث کسی باشند، آیا باز هم سهم دو ماده دو ثلث می شود؟!

کسانی هم که می خواهند به قرآن ایراد بگیرند نظیر همین اشتباه را مرتکب می شوند و بعد جار میزنند خدا ریاضی نمی داند: آنها می گویند وقتی سهم یک دختر یک دوم است و یک پسر مانند دو دختر سهم می برد در نتیجه اگر متوفی در میان ورثه خود یک پسر داشته باشد با توجه به اینکه او دو برابر دختر ارث می برد، تمام ارثیه به او میرسد و بقیه ورثه سرشان بی کلاه خواهد ماند! در اینجا یک نکته بسیار اساسی و در عین حال ساده وجود دارد که عدم توجه به آن باعث می شود در فهم مسئله ارث دچار اشتباه شویم: دقت داشته باشید اعدادی مثل ۱/۲ یا ۲/۳ بیانگر سهم اولاد نسبت به سایر ورثه می باشند در حالی که نسبت ۲ به ۱ سهم پسرها و دخترها را نسبت به یکدیگر مقایسه می کند و زمانی به کار می‌رود که نسبت سهم اولاد به سایر ورثه مشخص شده باشد.

در حضور اولاد، درست مانند وقتی که کلاله حضور داشتند، شش وضعیت ارث برای داریم که سه تای آن مربوط به وقتی است که میت مرد است و سه تای دیگر نیز برای وقتی است که زن می باشد. در

وضعیت اول که اولاد فقط یک دختر است، بر اساس آیات قرآن، تقسیم ارث مطابق جدول ۱۵ صورت می پذیرد:

جدول ۱۵

ردیف	اولاد	پدر	مادر	زوجه
۱	۱۱/۲۴	۴/۲۴	۴/۲۴	۳/۲۴
۲	۷/۱۴		۴/۱۴	۳/۱۴
۳	۷/۱۴	۴/۱۴		۳/۱۴
۴	۲/۴	۱/۴	۱/۴	
۵	۱/۲	۱/۲		
۶	۱/۲		۱/۲	
۷	۱/۲			۱/۲

در ردیف ۱ با توجه به اینکه سهم یک دختر ۱/۲ ما ترک تعیین شده، مال به دوقسمت مساوی تقسیم می شود که نیمی را دختر برمی دارد و نیم دیگر به نسبت سهم بین پدر، مادر و زوجه تقسیم می شود:

نسبت سهم زوجه $= \frac{۱}{۸} \times \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۲۴}$

نسبت سهم پدر $= \frac{۱}{۶} \times \frac{۴}{۴} = \frac{۴}{۲۴}$

نسبت سهم مادر $= \frac{۱}{۶} \times \frac{۴}{۴} = \frac{۴}{۲۴}$

از عملیات فوق مشخص می شود سهم پدر به مادر به زوجه چهار به چهار به سه می باشد، با توجه به اینکه جمع ٤ و ٤ و ٣ می شود ١١، در نتیجه سه سهم یعنی ٣/١١ به زوجه تعلق می گیرد و والدین نیز هر یک ٤/١١ دریافت می کنند. از آنجا که ٣/١١ و ٤/١١ و ٤/١١ مربوط به نصف ترکه می باشد، اگر تقسیم بر دو شوند، سهم هر سه از کل ترکه بدست می آید که می شود ٣/٢٢ و ٤/٢٢ و ٤/٢٢ این یعنی ١١/٢٢ که نصف ترکه می شود به والدین و زوجه تعلق می گیرد و ١١/٢٢ دیگر نیز سهم اولاد است که به دختر می رسد. در ردیفهای ٢ و ٣ و ٤ نیز به همین صورت عمل می شود، یعنی مال به دو قسمت تقسیم می شود، یک قسمت را دختر می برد و باقی به نسبت سهم بین ورثه تقسیم می شود. در ردیفهای ٥ و ٦ و ٧، وقتی دختر نیمه خود را بر می دارد، چون در نیمه دیگر بجز یک نفر وارث دیگری وجود ندارد، تمام نیمه به او می رسد. حالا اگر دخترها بجای یکی دو تا باشند، با توجه به اینکه سهمشان ٧/١٢ ما ترک است، ارثیه به ١٢ قسمت تقسیم می شود، ٧ قسمت را دخترها می برند و ٥ قسمت باقی به نسبت سهام بین ورثه تقسیم می شود و در شرایطی که متوفی سه دختر دارد، چون سهم بالای دو دختر ٢/٣ ما ترک است، ارثیه به سه قسمت تقسیم می شود، دو قسمت مال دختر ها و یک قسمت نیز به بقیه ورثه تعلق می گیرد که به نسبت سهام بینشان تقسیم می

فهرست

شود. رویه تقسیم ارث اولاد، بر اساس دستور العمل قرآن، در هر شش وضعیت به همین صورت است که عرض کردم.

بعد از جدا کردن سهم اولاد، باقی مانده به نسبت سهام ورثه بینشان تقسیم می شود و اگر در قسمت باقیمانده بجز یک وارث کس دیگری نباشد، کل باقیمانده به او تعلق خواهد گرفت.

حالا می خواهیم ببینیم جدول فوق در قانون شیعه به چه صورت حل می شود.

جدول ۱۶

ردیف	اولاد	پدر	مادر	زوجه
۱	۲۱/۴۰	۷/۴۰	۷/۴۰	۵/۴۰
۲	۲۱/۳۲		۷/۳۲	۴/۳۲
۳	۲۱/۳۲	۷/۳۲		۴/۳۲
۴	۳/۵	۱/۵	۱/۵	
۵	۳/۴	۱/۴		
۶	۳/۴		۱/۴	
۷	۷/۸			۱/۸

در قانون قرآن، بعد از اینکه سهم اولاد از اصل ارثیه جدا شد، باقیمانده به نسبت سهم بین بقیه ورثه تقسیم می شود، ولی در قانون شیعه، ابتدا سهم زوج

یا زوجه از ازصل مال کسر شده و بقیه مال به نسبت سهم، بین اولاد (در صورتی که فقط دختر باشند) و والدین تقسیم می شود. مثلاً در ردیف ۱ جدول ۱۶، با توجه به اینکه سهم زوجه ۱/۸ می باشد، ترکه به هشت قسمت تقسیم می شود، از این میان یک قسمت نصیب زوجه می باشد و باقیمانده که هفت قسمت یا ۷/۸ است به والدین و اولاد، که یک دختر است، می رسد:

نسبت سهم اولاد $= \frac{۱}{۲} \times \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۶}$

نسبت سهم پدر $= \frac{۱}{۶} \times \frac{۱}{۱} = \frac{۱}{۶}$

نسبت سهم مادر $= \frac{۱}{۶} \times \frac{۱}{۱} = \frac{۱}{۶}$

از اینجا مشخص می شود نسبت سهم اولاد به پدر به مادر سه به یک به یک است. با توجه به اینکه مجموع ۳ و ۱ و ۱ می شود ۵، در نتیجه ۳/۵ از باقیمانده مال نصیب دختر می شود و پدر و مادر نیز هر کدام ۱/۵ دریافت می کنند. حالا برای اینکه بدانیم سهم اولاد و والدین در کل ماترک چقدر است کافیست آن را در ۷/۸ ضرب کنیم که می شود ۲۱/۴۰ برای دختر و برای هر یک از پدر مادر می شود ۷/۴۰ یا هفت سهم از چهل سهم، حالا برای اینکه سهم زوجه نیز از این چهل سهم مشخص شود کافی ست

مخرج ۱/۸ را در ۵/۵ ضرب کنیم که می شود ۵/۴۰ یعنی پنج سهم از چهل سهم. در جدول ۱۶ اگر اولاد را پسر یا پسر و دختر فرض کنیم، با توجه به اینکه در این حالت سهم اولاد مجهول در نظر گرفته می شود، رویه تقسیم نیز فرق می کند و دیگر نمی توان بعد از کسر سهم زوج یا زوجه، باقیمانده را به نسبت بین والدین و زوجین تقسیم کرد. در این حالت هیچ چاره ای وجود ندارد الا اینکه والدین و زوجین سهم خود را بردارند و باقیمانده را، کم یا زیاد، برای اولاد بگذارند.

در قانون قرآن، جایی که اولاد حضور دارند، سهم هیچ یک از ورثه برچسب ما ترک ندارد مگر سهم اولاد و این یعنی فقط سهم اولاد از اصل مال برداشته می شود. این در حالی است که در قانون شیعه و در حضور اولاد، فقط سهم زوج یا زوجه از اصل مال کسر می شود. بنابراین بدون نیاز به امتحان با کلید ارث، چشم بسته می توان رأی به غلط بودن این رویه داد.

در قانون سنی، تقسیم ارث در حضور اولاد اندکی پیچیده تر است و برای جفت و جور کردن سهام ورثه، نیاز به قواعد و تبصره های بیشتری داریم. اجازه دهید جدول فوق را مطابق قانون سنی پر کنیم ببینیم به چه صورت می شود. می خواهیم وضعیتی را بررسی کنیم که ورثه عبارتند از: یک دختر، والدین و زوجه.

فهرست

جدول ۱۷

ردیف	اولاد	پدر	مادر	زوجه
۱	۱۲/۲۴	۵/۲۴	۴/۲۴	۳/۲۴
۲	۲۱/۳۲		۷/۳۲	۴/۳۲
۳	۴/۸	۳/۸		۱/۸
۴	۳/۶	۲/۶	۱/۶	
۵	۱/۲	۱/۲		
۶	۳/۴		۱/۴	
۷	۷/۸			۱/۸

در ردیف ۱ با توجه به اینکه اعداد ۳/۲٤ و ٤/۲٤ و ۱۲/۲٤ برابر اند با ۱/۸ و ۱/٦ و ۱/۲، مشخص است که زوجه، مادر و دختر سهم خود را از اصل مال برداشته اند و باقیمانده را برای پدر گذاشته اند. چرا به اینصورت شده؟ با فرض اینکه سهام ارث ماهیتاً کسر می باشند، در اینجا چنانچه سهام ورثه یعنی ۱/۲ و ۱/٦ و ۱/٦ و ۱/۸ را با هم جمع کنیم به عدد ۲۳/۲٤ می رسیم و این یعنی مجموع سهام ورثه از اصل مال کمتر است، در چنین حالتی ما زاد سهام، به ترتیبی که در قانون سنی مشخص شده، به خویشاوندان متوفی می رسد. در ترتیب مذکور، پدر در رده سوم است و چون در جدول فوق پشت سر پدر کسی وجود ندارد، مازاد سهام نیز به او می رسد

فهرست

درفقه سنی به این عمل تعصیب می گویند که البته شیعه آن را قبول ندارد.

در ردیف ۲ بعد از اینکه زوجه ۱/۸(٤/۳۲) خود را از اصل ترکه برداشت، بدلیل اینکه پدر در میان ورثه نیست، باقیمانده به نسبت سهم بین مادر و دختر تقسیم می شود، به این عمل در اصطلاح رد می گویند و شیعه نیز رد را قبول دارد. اگر فقهای هر دو فرقه ماهیت اعداد ارث را می شناختند و طریقه بکار بستن آنها را می دانستند، نیازی به اختراع اصطلاحاتی همچون رد و تعصیب و غیره نداشتند.

در پایان قصد داریم مطابق با هر سه قانون شیعه، سنی و قرآن وضعیتی را مورد بررسی قرار دهیم که در جداول ۱۸، ۱۹ و ۲۰ آمده است، وضعیتی که متوفا زن بوده و سه دختر به بالا دارد.

جدول ۱۸(قانون سنی)

ردیف	اولاد	پدر	مادر	زوج
۱	۸/۱۵	۲/۱۵	۲/۱۵	۳/۱۵
۲	۸/۱۳		۲/۱۳	۳/۱۳
۳	۸/۱۳	۲/۱۳		۳/۱۳
۴	۴/۶	۱/۶	۱/۶	
۵	۲/۳	۱/۳		
۶	۴/۵		۱/۵	
۷	۳/۴			۱/۴

فهرست

جدول ۱۹(قانون شیعی)

ردیف	اولاد	پدر	مادر	زوج
۱	۵/۱۲	۲/۱۲	۲/۱۲	۳/۱۲
۲	۷/۱۲		۲/۱۲	۳/۱۲
۳	۷/۱۲	۲/۱۲		۳/۱۲
۴	۴/۶	۱/۶	۱/۶	
۵	۴/۵	۱/۵		
۶	۴/۵		۱/۵	
۷	۳/۴			۱/۴

جدول ۲۰(قانون قرآن۹)

ردیف	اولاد	پدر	مادر	زوج
۱	۱۴/۲۱	۲/۲۱	۲/۲۱	۳/۲۱
۲	۱۰/۱۵		۲/۱۵	۳/۱۵
۳	۱۰/۱۵	۲/۱۵		۳/۱۵
۴	۴/۶	۱/۶	۱/۶	
۵	۲/۳	۱/۳		
۶	۲/۳		۱/۳	
	۲/۳			۱/۳

در قانون شیعه و سنی قاعده بر این است که

زوج و زوجه سهم خود را از اصل ترکه دریافت کنند، منتهی در قانون سنی وقتی مجموع سهام از یک بالا می زند، ترکه به نسبت سهم بین ورثه تقسیم می شود مانند ردیف ۱ از جدول ۱۸ که لا اقل سه دختر بعلاوه والدین و زوج حضور دارند. جایی که دخترها ۲/۳ ما ترک و پدر مادر و زوجه بترتیب ۱/٦ و ۱/٦ و ۱/٤ مما ترک دریافت می کنند. اگر این چهار عدد را کسر فرض کرده و آنها را با هم جمع کنیم عدد ۱۵/۱۲ بدست می آید که به اندازه ۱/٤ از یک بالاتر است. یعنی اگر ابتدا سهم اولاد و والدین را به آنها بدهیم چیزی برای شوهر متوفا باقی نمی ماند، یعنی مجموع سهام از اصل ترکه بیشتر است. در قانون سنت به این حالت عول می گویند و برای اینکه مشکل عول را حل کنند، به خیال خودشان از هر سهمی قدری می کاهند تا سهام با اصل ترکه جفت و جور شود! به این صورت:

$$\text{نسبت سهم پدر} = \frac{۱}{۶} \times \frac{۲}{۲} = \frac{۲}{۱۲}$$

$$\text{نسبت سهم شوهر} = \frac{۱}{۴} \times \frac{۳}{۳} = \frac{۳}{۱۲}$$

$$\text{نسبت سهم مادر} = \frac{۱}{۶} \times \frac{۲}{۲} = \frac{۲}{۱۲}$$

$$\text{نسبت سهم اولاد} = \frac{۲}{۳} \times \frac{۴}{۴} = \frac{۸}{۱۲}$$

غافل از اینکه عملی که دارند انجام می دهند همان نسبت گیری است که از دست نوشته های تاریخی، بطور دست و پا شکسته، آن را دریافت کرده اند. وقتی بنایی در گذر ایام تخریب می شود، گاهی آثاری از آن پا برجا باقی می ماند و قابل مشاهده است ولی جز به حدس و گمان نمی توان تشخیص داد آثار برجا مانده مر بوط به کدام قسمت بنا بوده اند و چه نقشی ایفا می کرده اند.



قطعاً در عصر رسول الله، تقسیم ارث مطابق دستور العمل قرآن انجام می شده و عمل نسبت گیری در آن کاملاً رایج بوده ولی در گذر زمان، ساختار ریاضی ارث تخریب شده و تغییر پیدا کرده و این عمل نسبت گیری که شیعه و سنی در بعضی جاها انجام می دهند، اثری است برجا مانده از عصر رسول الله که البته در قرآن کاملاً مشهود و قابل فهم است

ولی چون نگاه علمای فریقین بیشتر از آن که به قرآن باشد به روایات است و سعی می کنند قرآن را از نگاه روایات مختلف و ضد و نقیض ببینند، نمی توانند کلیت موضوع را به درستی تشخیص دهند و با یکدیگر اختلاف پیدا می کنند.

از نظرگه گفتشان شد مختلف

آن یکی دالش لقب داد این الف

بگذریم، خلاصه بعد از اینکه عمل نسبت گیری را انجام دادند، اعداد ۲ و ۲ و ۳ و ۷ را با هم جمع می کنند که می شود ۱۵، سپس هر یک از این اعداد را بر ۱۵ تقسیم می کنند تا سهام جدید بدست آیند. اگر سهم جدید هر یک از ورثه را با سهم قدیمش مقایسه کنید خواهید دید مقداری از آن کاسته شده است! مثلاً سهم پدر از ۲/۱۲ به ۲/۱۵ که کوچکتر است تقلیل پیدا کرده و یا سهم شوهر از ۳/۱۲ به ۳/۱۵ که کوچکتر است رسیده است. درحالیکه عدد ۳/۱۲ یا ۱/٤ ماهیتاً نسبت کسری می باشد ولی عدد ۳/۱۵ یا ۱/۵ ماهیتاً عدد کسری است. این دو با یکدیگر فرق دارند و ما نمی توانیم بگوییم ۱/٤ به ۱/۵ تقلیل پیدا کرده است. در هر صورت شیعه راه حل عول را نمی پذیرد و آن را ظلمی در حق ورثه می داند و بر اساس روایات مورد قبول خودش، عول را باطل می داند و در این باره به روایتی استناد می کند که می گوید: ممکن نیست خداوندی که حساب همه چیز

حتی ریگ های بیابان را دارد، سهام ارث را طوری قرار دهد که کم و کسری داشته باشد. وقتی فقهای شیعه به یک چنین روایتی استناد می کنند، لابد روایتی هم در آستین دارند که راه حل درست(به زعم خودشان) را به آنها گفته است! راه حل شیعه برای حل مسئله فوق در ردیف ۱ جدول ۱۹ ثبت شده است. به اینصورت که ابتدا سهم پدر مادر و شوهر را از اصل مال کم می کنند و باقیمانده را به اولاد می دهند. حقیقت این است که عمل سنی از نظر ریاضی کاملاً درست است، نه چیزی کم شده و نه زیاد، هر چند خودشان این را نمی دانند ولی در عملی که شیعه انجام می دهد واقعاً چیزی از سهم اولاد کم می شود و از ۸:۳:۲:۲ به ۵:۳:۲:۲ می رسد. یعنی اگر قبلاً هشت تا از چیزی گیرش می آمد حالا فقط پنج تا گیرش می آید.

اگر بخواهیم این مسئله را بر اساس دستور العمل قرآن حل کنیم، باید مطابق ردیف ۱ از جدول ۲۰ عمل کنیم. در اینجا سهم اولاد ۲/۳ ما ترک است و این یعنی ترکه به سه قسمت تقسیم می شود، دو قسمت را اولاد می برند و یک قسمت نیز نصیب سایر ورثه می باشد که به نسبت بینشان تقسیم می شود. این یعنی نسبت سهم اولاد به سایر ورثه می بایست دو به یک باشد که همینطور هم هست. چون: پدر مادر و زوج مجموعاً ۷ سهم دریافت کرده اند و اولاد ۱٤ سهم و نسبت دو به یک بر قرار است.

در ردیفهای ۲ و ۳ نیز در هر سه جدول همین رویه ردیف ۱ ادامه پیدا می کند.

و اما در ردیف ۴ پدیده جالبی اتفاق افتاده: در هر سه جدول، عدد سهم اولاد و پدر مادر یکی شده در حالیکه این اعدا از سه راه متفاوت بدست آمده اند. در جدول ۱۸ که بر اساس قانون ارث سنی تنظیم شده، بنابر قاعده تعصیب، ابتدا سهم دخترها(۲/۳) و مادر(۱/۶) از اصل مال جدا شده و باقی مانده به پدر رسیده که تصادفاً با سهم پدر که ۱/۶ می باشد برابر گردیده است. در جدول ۱۹ چون مجموع فروض با مجموع ترکه مساوی شده و چیزی کم یا زیاد نیامده، نه از سهمی کم شده و نه به سهم اضافه گردیده بلکه هر یک از ورثه سهم خود را از اصل مال برداشته اند. در جدول ۲۰ نیز ابتده سهم اولاد از اصل مال کم شده و مابقی به نسبت یک به یک بین والدین تقسیم گردیده است. در اینجا هر چند هر سه راه به یک نتیجه یکسان ختم شده اند ولی راهی که سنی و شیعه رفته اند مطابق با دستور العمل قرآن نبوده و نادرست است. مثل قضیه ۱۷ شتر که از یک راه حل غلط یک جواب درست بدست آمد. یک راه اشتباه همیشه به جواب درست ختم نمی شود اما یک راه راست همیشه جوابش راست و درست است.

هرگاه مجموع سهام مساوی با یک باشد، نسبت و کسر یکی می شوند. مثل ۲/۳ و ۱/۳ یا ۱/۳، ۱/۶ و

۱/۲ یا ۱/۶، ۱/۶ و ۲/۳ و غیره، در اینصورت مجازیم نسبت را شبیه کسر در کل مال ضرب نماییم و به جواب درست برسیم، دقیقاً به همین خاطر است که در ردیف ۴ جواب هر سه جدول یکسان شده است.

حالا اگر اولاد بجای دختر، پسر یا پسر و دختر باشند چه؟ با توجه به اینکه در قانون شیعه و سنی سهم پسر مجهول فرض گردیده، چاره ای جز این نداریم که ابتدا سهم پدر یا مادر و زوج یا زوجه از اصل مال کسر نموده و باقیمانده را به اولاد بدهیم. ولی در قانون قرآن، با توجه به اینکه بین سهم پسر و دختر رابطه وجود دارد، بر اساس همین رابطه می توان به راحتی سهم پسرها را نیز مشخص کرد. به اینصورت که یک پسر معادل دو دختر سهم می برد و با توجه به اینکه سهم دو دخت میانگین سهم یک دختر(۱/۲) و سه دختر(۲/۳) یعنی ۷/۱۲ می شود، سهم یک پسر نیز ۷/۱۲ خواهد بود. از آنجا که سهم سه دختر مثل سهم یک پسر و یک دختر می شود، هرگاه اولاد عبارت باشند از یک پسر و یک دختر، سهمشان ۲/۳ ما ترک خواهد بود و به همین ترتیب.

در تقسیم ارث اولاد به روش شیعی چند قاعده وجود دارد که به شرح زیر می باشند:

۱- سهم زوجین همواره از اصل ترکه کم میشود

۲- چنانچه مجموع سهام کمتر از اصل ترکه شود، پس از کسر سهم زوج یا زوجه، باقیمانده به نسبت

بین والدین و اولاد تقسیم می شود و در صورتی که هر یک از والدین و اولاد تنها باشند باقیمانده ترکه را میبرند(قانون رد)

۳- در صورتی که مجموع سهام بیشتر از اصل ترکه شود، پس از کسر سهم والدین و زوجین باقی مانده به اولاد میرسد.

۴- چنانچه اولاد همگی پسر یا پسر و دختر با هم باشند، با توجه به اینکه سهم پسر ها مجهول در نظر گرفته شده، چاره ای جز این وجود ندارد که ابتدا سهم هریک از والدین و زوجین را از کل ارثیه کم کنیم و باقی مانده را برای پسر ها بگذاریم و چنانچه پسر و دختر باهم بودند به نسبت ۲ به ۱ بینشان تقسیم نماییم

در تقسیم ارث اولاد به روش سنی نیز قواعدی وجود دارند که به شرح زیر می باشند:

۱- زوج و زوجه همواره سهم خود را از اصل مال بر می‌دارند مگر اینکه مجموع سهام ورثه از اصل بالاتر رود که در این صورت ارثیه به نسبت سهم ورثه بین آنها تقسیم می شود (قانون عول)

۲- در حالاتی که ترکه مساوی یا کمتر از مجموعه سهام است، بر اساس قاعده تعصیب که برگرفته از روایات می باشد، پس از اینکه سایر ورثه سهم خود را از ارثیه برداشتند باقی مانده به پدر میرسد.

۳- در همه حالاتی که پدر جزء ورثه نیست اما مادر با یک یا چند دختر حضور دارند، به نسبت سهم شان ارث می برند(قانون رد)

۴- چنانچه اولاد همگی پسر یا پسر و دختر با هم باشند، با توجه به اینکه سهم پسر ها مجهول در نظر گرفته شده، چاره ای جز این وجود ندارد که ابتدا سهم هریک از والدین و زوجین را از کل ارثیه کم کنیم و باقی مانده را برای پسر ها بگذاریم و چنانچه پسر و دختر باهم بودند به نسبت ۲ به ۱ بینشان تقسیم نماییم

قواعد تقسیم ارث در حضور اولاد، مطابق قانون قرآن به شرح زیر است

۱- اولاد در همه حالات سهم خود را از اصل مال برمیدارند و کنار می روند یا به اصطلاح قرآن از ما ترک سهم می برند

۲- وقتی اولاد سهم خود را برداشتند باقیمانده ترکه به نسبت سهم بین هر یک از والدین و زوجین که حضور داشته باشند تقسیم می شود و چنانچه فقط یکی از آنها حضور داشته باشد همه باقی مانده را خواهد برد و ما مجاز نیستیم وارث منحصر در مما ترک را با کسی که ما ترک را می برد شریک سازیم و کل ترکه باقیمانده را به نسبت سهمی که دارند بینشان تقسیم کنیم چون بین سهمی که پسوند ما ترک دارد و آنکه پسوندش مما ترک است تناسبی

برقرار نیست: عدد سهم اولی برای اصل مال تعریف شده در حالیکه عدد سهم دومی برای باقیمانده مال تعریف شده و بدیهی است این دو عدد با یکدیگر تناسب ندارند.

۳- با توجه به اینکه خداوند سهم یک دختر را ۱/۲ و بیش از دو دختر را ۲/۳ تعیین فرموده و به طور صریح چیزی درباره سهم دو دختر نگفته، از نظر ریاضی هیچ راهی درست تر از این وجود ندارد که سهم دو دختر را میانگین سهم یک دختر و سه دختر در نظر بگیریم. شاید یکی از دلایلی که خداوند مستقیماً به سهم دو دختر یا یک پسر اشاره نکرده این باشد که نخواسته نظم حاکم بر اعداد ششگانه یا فروض سته با ورود یک عدد ناهمگون مثل ۷/۱۲ خدشه دار شود.

۴- جدول فوق در ظاهر اشاره‌ای به سهم پسر ها نکرده ولی مطابق قاعده قرآنی که می گوید: سهم پسر برابر است با سهم دو دختر، به راحتی می توان سهم پسر ها را نیز از آن به دست آورد.

فهرست